

The background features a collection of decorative elements: a large pink rose in the upper left, a sprig of purple flowers, a small colorful bird perched on the top of the title, and two pink chrysanthemum flowers with peacock feathers in the lower right. The title itself is rendered in a stylized, calligraphic font with a white drop shadow.

خبر و مہلویت

ماہ سہ ماہی مشہورات مجلہ امان

سیدنا محمد

□ از سری منشورات مجله امان

بهار و مهدویت

عنوان و نام پدیدآور	: بهار و مهدویت/ تهیه‌کننده دفتر مجله امان، [بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)].
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۱ ص؛ 21/5×14/5 سم.
فروست	: سری منشورات مجله امان.
شابک	: 978-600-7120-81-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Addresses, essays, lectures
موضوع	: مهدویت--انتظار--مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Mahdism -- *Waiting -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
رده بندی کنگره	: BP۲۲۴/۱۳۹۵۴:۹
رده بندی دیویی	: ۴۶۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۹۴۵۷۰



بهار و مهدویت



دفتر پژوهش‌های فرهنگی
و پژوهی مساجد استان البرز



اداره اوقاف و امور عامه شهرستان کرج
آستان مقدس امام زاده محمد طه علیه السلام



سازمان اقامه نماز استان البرز

• تهیه کننده: دفتر مجله امان

• ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

• طراح جلد و صفحه‌آرا: مسعود سلیمانی

• نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۵

• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۸۱-۱

• شمارگان: هزار نسخه

• قیمت: ۶۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲) بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/تلفن/۱-۳۷۸۴۱۱۳۰-۳۷۵/۰۲۵/نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایتالیا/پ: ۹۸/تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰/نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

○ www.mahdaviat.ir

○ info@mahdaviat.ir

○ Entesharatabnyad@chmail.ir

فهرت

- ۷..... مقدمه
- ۹..... معنای نو از نوروز (حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای)
- ۱۱..... بخش اول. مقالات**
- ۱۲..... برترین بهار (دکتر محمدصابر جعفری)
- ۳۷..... دعایی برای بهاری شدن (حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی)
- ۴۱..... روزگار شکوفایی انسان‌ها (حسن ملایی)
- ۴۵..... امام مهدی بهار ایام (سیدابوالفضل موسوی آقداش)
- ۵۱..... عید نوروز و آخرین مائده آسمانی (رقیه سادات موسوی)
- ۵۸..... سه بهار (حسین علی عبداللهی)
- ۶۱..... مبارک شمایید (حمیده رضایی)
- ۶۵..... عید و صله رحم (حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی)
- ۶۸..... بهار یک دانشگاه بزرگ است (ناصر نقویان)
- ۷۲..... بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان علیه السلام (گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی)
- ۸۱..... درختکاری برای وقف امام زمان علیه السلام (حسین ژولیده)
- ۸۴..... حکومت مهدوی و بهار دل انگیز معنویت (زهرا سبحانی)
- ۹۰..... بهار عالمیان و خرمی روزگاران (محمد مهدی یآوری)
- ۹۳..... وقتی نوروز، ناگهانی می‌آید! (یاسر آیین)
- ۹۷..... دید و بازدید عید و ذکر امام زمان علیه السلام (فیض‌الله خشجان)

۱۰۳.....(دکتر رحیم کارگر) بهار دلها و جانها

۱۱۶.....(علی نجفی) نه کهنه روز!

۱۲۳.....(علی اصغر رضایی) نوروژ و عهد با امام زمان

بخش دوم. متن‌های ادبی ۱۳۱

۱۳۲.....(ابوالفضل فیروزی) بهاریه

۱۴۵.....(منیره زارعان) طراوت بهاران

مقدمه

مهدویت، از یک نگاه تنها به مجموعه محدودی از معارف مربوط به امام زمان گفته می‌شود که غالباً نیز در نزد مردم، تحت تأثیر جریان ظهور و علائم و نشانه‌های آن است. اما با بررسی دقیق‌تر و جامع‌تر مجموعه گزاره‌هایی که در متون اسلامی درباره آن وجود دارد می‌توان نگاه وسیع‌تری را به مقوله مهدویت لحاظ نمود. از این منظر مهدویت، مجموعه معارف حول محور امام مهدی است که با خود فرهنگ خاصی را نیز به همراه دارد.

در نگاه دوم، همه موضوعات اسلامی و مسائل فردی و اجتماعی به حوزه مهدویت وارد می‌شوند با این فرق که همه آنها تحت نظام خاصی که محور آن حضرت مهدی است ساماندهی و اولویت‌بندی شده، و به همین جهت هم از نظر جایگاه و هم از نظر معرفی، باز تعریف خواهند شد. مضافاً بر آنکه هر یک از آنها از کارکردهای ویژه‌ای بهره‌مند می‌شوند که در غیر نظام مهدوی چنین کارکردی یا مترتب نمی‌شود و یا اندک خواهد بود.

ما معتقدیم که نگاه کامل به مهدویت همین نگاه دوم است چرا که در تفکر قرآنی شیعه، امامت کامل‌کننده دین و تمام‌کننده نعمت دین است و به فرموده حضرت امام رضا در حدیث بلند و مشهور معرفی امام در کتاب شریف کافی: «امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. همانا امامت ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است».

بر همین اساس نشریه دو ماهنامه امان - که وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و تحت اشراف حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و برخی دیگر از فضلا و فعالان بنام فرهنگی کشور است - از سال ۱۳۸۵ اقدام به انتشار فرهنگ و معارف مهدوی در بین دوستداران و منتظران امام زمان در سطح کشور نموده است.

از آنجا که پس از گذشت بیش از یک دهه از فعالیت این نشریه و درج موضوعات متنوع در آن؛ از طرفی تمایل زیادی از خوانندگان و محققان معارف مهدوی در باره موضوعات خاص زیاد شده و از سویی دیگر تمام این نشریه در اختیار آنها قرار ندارد، دفتر نشریه اقدام به تدوین مجموعه ای از موضوعات مهدوی و پرترفدار نشریه نموده و در اختیار مشتاقان به معارف مهدوی قرار داده است.

دفتری که در پیش روی شماست یکی دیگر از جمله این موضوعات با نام: «بهار و مهدویت» است که به شما گرامیان تقدیم می شود؛ به امید آنکه مقبول پیشگاه خداوند متعال و خلیفه او در زمین، حضرت ولی عصر علیه السلام واقع گردد.

برخود لازم می دانم از همه بزرگوارانی که در تهیه این اثر زحمت کشیده اند مخصوصاً حجج اسلام محمدصابر جعفری، محمدرضا فوادیان و برادر عزیز جناب آقای احمد مسعودیان تشکر نمایم.

حسن ملایی

سردبیر نشریه امان

معنای نو از نوروز

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

نوروز، به معنای روز نو و حالت نو بوده و هست. از لحاظ طبیعت، روز اول حَمَل که اول بهار حساب شده است روزی نو محسوب می‌شود؛ لیکن روز نو، منحصر به تجدید وضعیتی در طبیعت نیست؛ همچنان که در بعضی از روایات وارد شده در باب نوروز از ائمه هدی (علیهم‌السلام) انسان، خوب احساس می‌کند که آن بزرگواران هم، بنا به رسم اسلام که همه جا رسوم و سنت‌ها و واژه‌ها را گرفت و محتوای آن‌ها را عوض کرد در مورد کلمه نوروز و روز نوروز، در صدد چنین کاری بودند...

آن وقت در معنای نوروز و اینکه نوروز چیست، در روایات مختلف، تعبیرات مختلفی هست. مثلاً آن روزی که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را به خلافت منصوب کرد، آن روز، نوروز بود. یا در روایت دیگر، آن روزی که دجال در آخر الزمان، به دست حضرت مهدی-ارواحنا فداه- به قتل برسد، آن روز، نوروز است...^۱

نوروز، یعنی روزی نو در تاریخ بشر و حالتی نو در زندگی انسانها. علی‌الظاهر در این روایات، امام نمی‌خواهند بفرمایند که آن روزی که این وقایع در

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۶.

آن اتفاق افتاده است یا خواهد افتاد، با روز اول حَمَل، مصادف بوده یا خواهد بود. نه، خیلی مستبعد(دور) است که مراد این باشد؛ مراد این است که معنای نوروز را بفهمیم.^۱

نوروز، یعنی روزی که شما با عمل خودتان، با حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد، آن را نو می‌کنید. روز بیست و دوم بهمن که ملت ایران، حادثه عظیمی را به کمک خدا تحقق بخشید، روز نویی (نوروز) است. آن روزی که امام امت، قطعاً به دهانِ مستکبرِ قلدرِ گردن کلفت دنیا یعنی آمریکا مشت کوبید، آن روز، روز نو و راه نویی (نوروز) بود؛ حادثه نویی بود که اتفاق می‌افتاد و افتاد. ما باید نوروز را، نو روز کنیم. نوروز به حسب طبیعت، نوروز است؛ جنبه انسانی قضیه هم به دست ماست که آن را نوروز کنیم.^۲

۱. از معلى بن خنيس روايت است که صبح نوروز نزد امام صادق عليه السلام رفتيم، فرمود: «ای معلى! امروز را می‌شناسی؟ گفتم: نه، ولی عجم‌ها(غیر عرب‌ها و ایرانی‌ها) آن را بزرگ داشتند. امام فرمود: نه، هرگز؛ به کعبه‌ای که در میان مکه است! عظمت این روز برای امری پیشین است که آن را برای شرح دهم تا بدانی...» (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۴).

بخش اول. مقالات

برترین بهار*

اشاره

بهار، همیشه با تحفه سرسبزی و شادابی و نشاط همراه است؛ بنابراین، طبیعت و تمام موجودات به بهار عشق می‌ورزند. بررسی روایات نشان می‌دهد، ترسیمی که از امام مهدی علیه السلام و دستاوردهای آن بزرگمرد، صورت گرفته است؛ مملو از جلوه‌های بهاری است. بالاتر این که از امام علیه السلام به عنوان بهار نام برده شده است. این مقاله نه تنها به دنبال تبیین برخی شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام و بهار است؛ بلکه با توجه به این که امام احیاگر جان‌هاست و هیچ امری به اهمیت احیای جانها نمی‌رسد؛ چنین ندا سر می‌دهد:

شاد از وی شو، مشواز غیر وی او بهار است و دگرها ماه دی
«السلام علی ربیع الانام و نضرة الایام»^۱ سلام بر بهار مردم، خرمی دوران».
پس همی گویند هر نقش و نگار مژده مژده نک همی آید بهار^۲

*. دکتر محمد صابر جعفری.

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱، باب ۷: مفاتیح الجنان به نقل از سید ابن طاووس، بلد الامین، ص ۲۸۶؛ با تعبیر «ربیع الانام و نضرة الایام»؛ مصباح کفعمی، ص ۴۹۷ با تغییر.
۲. مثنوی معنوی، دفتر اول، ۱۳۱.

یکم. از ویژگی بهار، باران فراوان، جوشش نهرها و چشمه‌ساران است:

۱. مهدی فاطمه، خود ابر باران خیز، باران بهاری و چشمه جوشان است:
- الامام السحاب الماطر و الغیث الماطل و الشمس المضيئه و
السماء الظليله و الارض البسيطة و العين الغريزه و الغدير و
الروضة؛^۱ امام، ابر بارنده، باران پیاپی، آسمان سایه افکن، زمین
گسترده، چشمه جوشان، برکه و گلزار است.
۲. او بر جایی قدم نمی‌گذارد جز آن که بهاری شدن را به آن عرضه می‌کند
و اسماعیل‌وار، چشمه‌ها را جوشان می‌سازد، چشمه‌هایی که گرسنگان را سیر
و عطش تشنگان را فرو می‌نشانند:
- زو بخندد هم نهار و بهار در هم آمیزد شکوفه و سبزه‌زار^۲

فلا ينزل منزلاً الا ينبت منه عيون فمن كان جائعاً شبع و من كان
ظماناً روى؛^۳ در هیچ مکانی اقامت نمی‌گزیند جز آن که از
مقدم او چشمه‌ها می‌جوشد، پس گرسنگان سیر و تشنگان را
سیراب می‌گرداند.

۳. به برکت او، آسمان اشک شادی می‌ریزد، چشمه‌سارها سرازیر، زمین
چندین برابر محصول می‌دهد.

فعد ذلك... و تفيض العيون و تنبت الارض ضعف اكلها؛^۴ در
آن هنگام چشمه‌سارها، سرازیر و زمین چندین برابر محصول

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۹۸: تحف العقول، ص ۴۳۹.

۲. مثنوی معنوی، دفتر دوم، ۲۴۶.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷، باب ۵۸: غیبت نعمانی، ص ۲۳۸، باب ۱۳.

۴. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۶: روزگار رهایی، ص ۶۰۱.

خود می‌رویاند.

«تعطی السماء قطرها؛^۱ آسمان، باران خویش را فرو می‌فرستد».

۴. فراوانی نهرها و چشمه‌ها از جلوه‌های دیگر این بهار زیباست:

«تزیید المیاه فی دولته و تمد الانهار؛^۲ آبها در عهد او فراوان می‌شود، رودخانه‌ها پرآب می‌گردند».

«و تعمر الارض و تصفو و تزهو بمهدیها و تجری به انهارها؛^۳ زمین به وسیله مهدی علیه السلام آباد، خرم و سرسبز می‌شود و به وسیله آن چشمه‌سارها روان می‌گردند».

دوم. ویژگی دیگر بهار، سرسبزی دشت و دمن است؛ هر کجا پا می‌گذاری، بوی طروات و تازگی به مشام می‌خورد:

۱. هنگام ظهور، از کویرها، خشکی‌ها، سخنی نباید گفت، مسافت‌های طولانی، چون عراق تا شام، پای بر سبزه باید گذارد و قدم‌ها را با نوازش سبزه‌ها و گیاهان طروات باید بخشید.

و لو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها ولاخرجت الارض نباتها
و... حتی تمشی المرأة بین العراق الی شام لاتضع قدمیها الا
علی النبات؛^۴ قائم ما که قیام کند، آسمان باران خویش را فرو
می‌فرستد و زمین، گیاهان خویش بیرون می‌فرستد و... تا
جایی که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۵، باب ۲۹.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۲.

۳. ینابیع الموده، ج ۳، صص ۷۸ و ۱۳۲.

۴. خصال، ج ۲، ص ۶۲۶.

گیاه نگذارد.

آری، خداوند با باران رحمتش، بهار مردمان، مهدی زهرا علیها السلام را سیراب می‌سازد، زمین گیاه خویش را بیرون می‌فرستد، دامها فراوان می‌شوند. یسقیه الله الغیث و تخرج الارض نباتاتها و تكثر الماشیه؛^۱ خداوند با باران رحمتش، او را سیراب می‌سازد، زمین گیاه خود را بیرون می‌فرستد، دامها فراوان می‌شوند. تخرج الارض نباتها و تنزل السماء برکاتها و تظهر له الکنوز؛^۲ زمین نباتات خود را خارج می‌کند، آسمان برکاتش را فرو می‌فرستد، گنج‌های نهفته در دل زمین برای او آشکار می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ينتج الله في هذه الامة رجلاً منى و انا منه يسوق الله به برکات السماوات و الارض فتنزل السماء قطرها و يخرج الارض بذرها و تأمن وحوشها و سباعها؛^۳ خداوند به این امت، مردی عطا می‌کند که از من است و من از اویم؛ به برکت او، برکات آسمان و زمین را عنایت می‌کند، آسمان، باران خویش را فرو می‌فرستد و زمین، بذر خویش را بیرون می‌فرستد.

۲. زمین برای اهل خود، چون عروسی زینت می‌بندد و زیبا می‌شود:

تعطی السماء قطرها و الشجر ثمرها و الارض نباتها و تزین

۱. مستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷، کتاب القتن و الملاحم؛ منتخب الاثر، ص ۵۹۱.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳. غیبت طوسی، ص ۱۸۸.

لاهلها؛^۱ آسمان بارانهایش را فرو ریزد، درختان میوه‌های خود را آشکار می‌سازد. زمین گیاهان خود را بیرون می‌فرستد و برای ساکنان خود آرایش می‌کند. سوم. تازگی، نو و جدید شدن از دیگر ویژگی‌های بهار است، که جان را صفا می‌بخشد:

بهار جان‌ها، مهدی زهرا نیز، با تازگی توأم است، جاهلیت‌ها را زدوده و اسلام را از نو بنا می‌نهد.
امام صادق علیه السلام:

يصنع كما صنع رسول الله يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله امر الجاهلية و يستأنف الاسلام جدیدا بعد ان يهدم ما كان قبله؛^۲ او چون پیامبر عمل می‌کند، چنانکه پیامبر آنچه در قبل بوده را از بین برده، جاهلیت را نابود ساخته و اسلام را بنا نهاد، او نیز گذشته را نابود و پس از ریشه کن ساختن بدعتها، اسلام را از نو پیاده می‌کند.

امام جواد علیه السلام:

«يقوم بامر جديد و سنة جديدة و قضاء جديد؛^۳ امر، سنت و قضا جدیدی را اقامه می‌سازد».

چهارم. بهار یعنی رفتن تمام مظاهر سردی، خشکی و مردگی و فرج و گشایش برای تمام آن‌ها که آرزوی رویدن را به سر داشته‌اند.

۱. بشارة الاسلام، ص ۷۱؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۹.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۰.

۳. همان، ص ۲۳۴.

پیش از ظهور بهار، سوز سرما، رنج آور و تلخ است: ﴿ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس﴾.^۱

بی‌عدالتی، ظلم و ستم، دوری از معنویات و رخت بریستن حیاء و امانت و... این اوضاع یخبندان چنان خواهد بود که آروزی بهار به فریاد و ناله می‌کشد. «و اشدت الطلب».

بر هر دیاری بگذری بر هر گروهی بنگری
با صد بیان با صد زبان در ذکر او غوغا بود^۲

این المعد لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الامت و العوج، این المرتجی لازالة الجور و العدوان؛^۳ کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردیده است. کجاست آنکه منتظر [یم] اختلاف و کج رفتاریها را به راستی اصلاح کند. کجاست آنکه امید [داریم] اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد.

این قاصم شوکة المعتدین، این هادم ابنیة الشرك و النفاق، این میبد اهل فسوق و العصیان و الطغیان، این حاصد فروع الغی و الشقاق، این طامس آثار الزیغ و الاهواء، این قاطع حائل الکذب و الفتراء؛^۴ کجاست آنکه شوکت ستمکاران را در هم شکند. کجاست آنکه بنا و سازمان‌های شرک و نفاق را ویران می‌سازد. کجاست آنکه اهل فسوق و عصیان و ظلم و طغیان را نابود

۱. روم (۳۰)، ۴۱.

۲. دیوان امام خمینی رحمته الله، ص ۱۰۳.

۳. دعای ندبه، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه‌ای.

۴. همان.

می گرداند. کجاست آنکه نهال [شاخه‌های] گمراهی و دشمنی و عناد را از زمین برمی‌کند. کجاست آنکه آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود می‌سازد کجاست آنکه حبل و دسیسه‌های دروغ و افتراء را از ریشه قطع خواهد کرد.

بهار رخ می‌نماید، سردی‌ها را می‌زداید. آنان که به سردی‌ها خو کرده و از عادات زشت سرما جدایی ناپذیرند، سرنوشت سرما را خواهند داشت و آنان که در اوج سرما، روح خویش را به گرمای انتظار، تقوا و انجام وظیفه، زنده نگه داشته‌اند، به دیدن بهار خوشنود می‌گردند و به یاریش به جنگ سرما و سرمائیان می‌روند. برای بشریت، هیچ سوز سرمایی بدتر از ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی نیست و بهار واقعی زمانی است که از این امور، خبری نباشد. خلاصه آنکه با بهار ظهور مهدوی:

۱. عدالت برپا شده، احدی به دیگری ستم روا نمی‌دارد.

امام رضا علیه السلام:

فاذا خرج اشرفت الارض بنور ربها و ضوح المیزان بالعدل بین الناس فلا یظلم احدا احدا؛^۱ به هنگام ظهورش جهان با نور پروردگارش می‌درخشد. او میزان را به عدل در میان مردم قرار می‌دهد. دیگر کسی در حق کسی ستم نمی‌کند.

بیید الظلم و اهله؛^۲ ستم و ستمگران را نابود می‌سازد.

فستبشر الارض بالعدل؛^۳ جهان با پیاده شدن عدالت، خوشحال می‌شود.

۱. اعلام البوری، فصل ثانی، ص ۴۳۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۲.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۹۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۴.

۳. بشارة الاسلام، ص ۷۱؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۹.

لا یقرع احدا فی ولایتہ بسوطِ الا فی حد؛^۱ در تمام دوران حکومتش، جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی را مورد ضرب قرار نمی‌دهد.
۲. حق بر قرار و باطل نابود می‌گردد .

هو الذی یجمع الکلم و یتم النعمه و یحق اللہ به الحق و یزهد الباطل و هو مهدیکم المنتظر؛^۲ اوست که سخن‌ها را یکی می‌کند (وحدت کلمه ایجاد می‌کند) نعمت‌ها را کامل می‌گرداند. خداوند به وسیله او حق را تحقق می‌بخشد و باطل را ریشه‌کن می‌سازد. او مهدی منتظر شماست .

۳. با کمک یاران بهاری بدعتها و باطل‌ها زدوده می‌شود

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿الذین ان مکنانهم فی الارض...﴾^۳ فرمود:

هذه لآل محمد الی آخر الائمة و المهدی و اصحابه یملکهم اللہ مشارق الارض و مغاربها و یتظهر الدین یمیت اللہ عزوجل و باصحابه البدع و الباطل کما امانت السفهة الحق حتی لایری اثر من الظلم یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛^۴ این آیه در حق آل محمد علیهم السلام است. در حق امامان معصوم و حضرت مهدی علیه السلام و یاران اوست که خداوند آنها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز کرده، بدعتها و باطل‌ها را به دست او و یارانش نابود می‌سازد، چنانکه سفیهان حق را لگدمال کرده باشند. دیگر از ستم‌ها و بدعتها نشانه‌ای نمی‌ماند.

۱. الملاحم و الفتن، ص ۶۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۳.

۲. یتابع الموده، ص ۹۲؛ روزگار رهایی، ص ۵۰۰.

۳. حج (۲۲)، ۴۱.

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷؛ الزام الناصب، صص ۲۵ و ۲۳۷.

۴. زمان سختی‌ها سپری می‌گردد.

رسول گرامی اسلام:

«به یفرج الله عن الامه؛^۱ خداوند به وسیله او از امت، رفع گرفتاری می‌نماید».

به یمحق الله الکذب و یذهب الزمان الکلب و یخرج ذل الرق
من اعناقکم؛^۲ خداوند به وسیله او، دروغ و دروغگویی را
نابود می‌سازد، روح درندگی و ستیزه‌جوئی را از بین می‌برد
و ذلت بردگی را از گردن آنها برمی‌دارد.

۵. فتنه‌ها و غارتها رخت برمی‌بندد.

امام باقر (علیه السلام): «و تعدم الفتن و الفارات؛^۳ فتنه‌ها و چپاولگری‌ها از بین
می‌رود».

۶. زمین از هرگونه آلودگی پاک و پاکیزه می‌گردد.

«و تكون الارض کفاتور الفضة؛^۴ زمین همانند نقره از هرگونه تیرگی
پیراسته خواهد بود».

پنجم. بهار به همراه خویش، خیر و برکت ارزانی می‌کند، به هنگام حلول
بهار اهل بیت، نیز چنین خواهد شد:

«فحینئذ تظهر الارض کنوزها و تبدی برکاتها؛^۵ آن هنگام، زمین گنج‌های

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷؛ الزام الناصب، صص ۲۵ و ۲۳۷.

۲. غیبت طوسی، ص ۱۸۷.

۳. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۷۸.

۴. الملاحم و الفتن، ص ۶۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۳.

۵. ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

خود را نمایان و برکات خویش را آشکار می‌سازد». «یکثر الخیر و البرکات؛^۱ خیرات و برکات بسیار می‌شود». ششم. چنانکه بهار، عصر فراوانی سرسبزی‌هاست و بی‌حد و حسابی گیاهان است. بهار آنچه از زیبایی در درون دارد، عرضه، می‌دارد، همه چیز در خدمت امام قرار می‌گیرد و امام بی‌حد و حساب بخشش می‌کند تا آنجا که غنا و بی‌نیازی رخ می‌نماید.

۱. همه چیز در خدمت امام

«تجمع الیه اموال الدنیا کلها من بطن الارض و ظهرها؛^۲ تمام اموال دنیا، از برون و درون زمین، در اختیار او گرد می‌آیند». «تظهر له کنوز الارض؛^۳ گنج‌های زمین، برای او نمایان می‌گردد». «یستخرج الكنوز؛^۴ گنج‌ها را استخراج می‌کند».

حضرت علی علیه السلام:

السموات و الارض عند الامام کیده من راحته، یعرف ظاهرها من باطنها و یعلم برها من فاجرها؛^۵ آسمان‌ها و زمین در نزد امام علیه السلام همچون کف دست اوست ظاهر و باطن آنها را می‌فهمد. نیک و بد آنان را می‌شناسد. ان الدنیا لمتتمثل للامام مثل فلقة الجوز فلا یعزب عنه منها شیء و

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۷۸؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۲.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، باب ۱۲۹.

۳. خرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۵.

۴. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۵. الزام الناصب، ص ۱۱.

انه ليتناولها من اطرافها كما يتناول احدكم من فوق مائدتِه ما يشاء؛^۱ همه دنیا مثل حبه گردو در برابر امام نمایان می‌شود؛ چیزی از آن برای او پوشیده نمی‌باشد. از هر طرف بخواهد در آن تصرف می‌کند. آن چنان که یکی از شما در سفره‌ای که در برابرتان گسترده است از هر طرف بخواهد دست می‌برد و از آن بهره می‌گیرد.

ينزل له من السماء قطرها و تخرج له الارض بذرها؛^۲ به خاطر او از آسمان باران می‌بارد و زمین برای او، بذرها را خویش را عرضه می‌داد.

تفى الارض افلاذ كبدها امثال الاسطوان من الذهب و الفضة؛^۳ زمین جگرپاره‌های خود را چون قطعات طلا و نقره بیرون می‌ریزد.

۲. بهار سرسبز آروزها، بی حساب می‌بخشد.

فيعطیکم فی السنة عطاءین و یرزقکم فی الشهر رزقین؛^۴ سالی دوبار و ماهی دو مرتبه، عطایایش شامل حالتان می‌شود.

پیامبر اسلام ﷺ:

ثم یبعث الله رجلاً منی و من عترتی... یحثوا المال حثوا لایعده عدا و ذلك حین یضرب الاسلام بجرانه؛^۵ اموال را چون سیل

۱. اختصاص مفید، ص ۲۱۷.

۲. غیبت طوسی، ص ۱۸۰.

۳. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۸۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۱.

۴. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۳۳۸.

۵. امالی طوسی، باب ۱۸، ص ۵۱۲.

می‌ریزد، ثروت را کلان کلان می‌بخشد و آن را نمی‌شمارد
این هنگامی است که اسلام به طور کامل اجرا شود.

۳. چنان می‌بخشد که تا حال چنین نعمتی ندیده‌اند.

تعم امتی فی زمانه نعیمًا لم یعموا مثله قط البر منهم و الفاجر،
یرسل السماء علیهم مدرارا و لاتحبس الارض شیئا من نباتها و
المال کدوس یاتیه الرجل فیسأله فیحثواله؛^۱ در دولت او مردم
آن چنان در رفاه و آسایش به سر می‌بردند که هرگز نظیر آن
دیده نشده، مال به قدری فراوان می‌شود که هر کس نزد او
بیاید، درخواست کند، اموال فراوانی زیر پایش می‌ریزد.
فیفض المال فیضا؛ و یحثو المال حثوا و لایعده عدا؛^۲ اموال را
چنان سیل می‌ریزد، ثروت را کلان کلان می‌بخشد و آنرا
نمی‌شمارد.

امام صادق علیه السلام:

المهدی سرح بالمال، شدید علی العمال رحیم بالمساکین؛^۳
مهدی، بخشنده‌ایست که مال را به وفور می‌بخشد، بر
مسئولین کشوری بسیار سخت می‌گیرد و بر بی‌نویان بسیار
رئوف و مهربان است.

فیعطی شیئا لم یعطه احد کان قبله؛^۴ آن گاه آنچنان عطایای کلان به آنها
می‌دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است.

۱. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۸.

۴. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۷.

یکون عطاپاه هنیئا؛^۱ عطاپایش گوارا می‌باشد.

۴. بی‌نیازی

این بی‌نیازی، گاه در اثر غنای مالی است و رفع فقر؛ و از این مهم‌تر، روح بی‌نیازی است که در اثر رشد عقلی، رخ می‌نماید:

فحينئذ تظهر الارض كنوزها و تبدى برکاتها فلا يجد الرجل منكم يومئذ موضعا لصدقته و لالبره لشمول الغنى جميع المؤمنين؛^۲ در آن هنگام، زمین گنجینه‌های خود را برای او آشکار می‌سازد و برکاتش را بیرون می‌فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلّی پیدا نمی‌کند، زیرا بی‌نیازی همه مومنان را زیر پر می‌گیرد.

رسول اسلام ﷺ:

يفيض فيهم المال حتى يهّم الرجل بماله من يقبله حتى يتصدق فيقول الذى يعرضه عليه لا ارب لى به؛^۳ ثروت را در میان آنها به فراوانی می‌بخشد. کسی که درصدد صدقه دادن باشد، اموالی را برمی‌دارد و به مردم عرضه می‌کند. به هر کس عرضه کند می‌گوید: من نیازی ندارم.

يقسیم المال صحاحا و يملأ قلوب أمة محمد غنى و يسعهم عدله؛^۴ مال را علی‌السویه تقسیم می‌کند و دل‌های امت محمدی ﷺ را بابی‌نیازی پر می‌کند و عدالتش همه آنها را

۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۲؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۶.

۲. ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۳. مسند احمد، ج ۲، ص ۵۳۰؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۷.

۴. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۷.

فرا می‌گیرد.

امام صادق علیه السلام:

یامرُ منادیا فیقول: من كان له فی المال حاجة فلیقم. فما یقوم من الناس الارجل واحد فیقول: انا فیقول القائم: انتِ السادن فقل له: ان المهدي یامرک ان تعطینی مالا فیقول السادن: أحتُ و یحثو له فی ثوبه حثوا حتی اذا جعله فی حجره و ابرزه ندم و قال: کنتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا او عجز عَنِّي ما و سعهُم ثم یُرُدُّ المال الی الخازن فلا یقیل منه و یقول المهدي: انا لاناخذ شیئا اعطیناه؛^۱ به منادی دستور می‌دهد که در میان مردم اعلام کند که هر کس نیازی به مال دنیا دارد برخیزد. از میان همه مردم فقط یک نفر برمی‌خیزد و می‌گوید: من. حضرت قائم علیه السلام به او می‌فرماید: برو پیش کلیددار و بگو: مهدی به تو دستور می‌دهد که مالی به من بدهی. کلیددار می‌گوید: جامه‌اش را بیاور. جامه‌اش را پهن می‌کند و وسط آن را پر می‌کند. هنگامی که آن را بر دوش گیرد پشیمان می‌شود که چرا در میان امت محمد صلی الله علیه و آله من از همه آزمندتر باشم؟ چرا آن عفت نفس عمومی را من دارا نباشم؟! آنگاه مال را به کلیددار می‌دهد و پذیرفته نمی‌شود و حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: ما آنچه عطا کردیم هرگز باز پس نمی‌گیریم.

هفتم. باران‌های حیاتبخش بهاری، زمین مرده را پس از مدت‌ها خواب و مرگ حیات می‌بخشد. استعدادها شکوفا می‌شود. بذر خشک مرده - که باور نمی‌شد، چیزی را در درون داشته باشد- شکوفا شده، گیاه زیبایی می‌گردد.

۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۶۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۴۲.

زمین خشک و نفوذناپذیر با بارش پیاپی باران، رام گشته و آنچه در درون دارد، به وزش باد بهاری می‌سپارد. بذرهایی که سالم به خاک سر سپرده‌اند، رجعتی دوباره می‌یابند و به روی بهار لبخند می‌زنند و در سرسبزی طبیعت، به یاریش برمی‌خیزند، بهار حکومت مهدوی نیز چنین می‌کند:

۱. ویژگی بهار، حیات بخشیدن است و مهدی برترین حیات بخشی است که آرزوی تمام انبیاء و اوصیاء را به هدف اجابت می‌رساند:

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿اعملوا ان الله یحیی الارض بعد موتها﴾؛ بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌سازد^۱ فرمود:
 کُفِرَ اهلها فیحیها الله بالقائم^۲؛ پس از مرگ زمین به وسیله کافر شدن مردمان، خداوند آن را به وسیله قائم علیه السلام زنده می‌کند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر همین آیه فرمود:

یحییها بالقائم علیه السلام فیعدل فیها، فیحیی الارض بعد موتها بالظلم^۳؛
 خداوند آنرا به وسیله قائم علیه السلام زنده می‌کند پس عدالت را در آن به اجراء درمی‌آورد و زمین را زنده می‌سازد پس از آنکه به وسیله ستم مرده باشد.

جعلهم حیاة للانام و مصایح للظلام^۴؛ خداوند آنان را مایه حیات مردم، و مشعل‌های هدایت در گمراهی‌ها قرار داد.

۱. حدید (۵۷)، ۱۷.

۲. الزام الناصب، ص ۲۴۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۶.

۳. الامام المهدی، ص ۵۷؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۶.

۴. غیبت نعمانی، ص ۲۳۲.

در دل و جان رویداز وی سبزهزار^۱

این دم ابدال باشد ز آن بهار

۲. حیات، راه، فرائض و سنن الهی:

امام، قلبها را زنده می‌سازد و دین و سنت پیامبر که به خمودی گراییده را

زنده می‌سازد:

احیی به مناہج سبیلہ و فرائضہ و حدودہ؛^۲ خداوند به وسیله او راههای هدایت و فرائض و حدود خویش را زنده می‌سازد. احیی بهم دینہ و اتمّ بهم نورہ؛^۳ به وسیله آنان دین خود را زنده کرد و نور خود را به اتمام رسانید.

... یمحوا کل ضلالۃ و یحیی کل سنۃ؛^۴ [خداوند به وسیله او] گمراهی‌ها

را از بین می‌برد و سنتها را زنده می‌سازد.

یعزّ اللّٰه به الاسلام بعد ذلہ و یحییہ بعد موتہ؛^۵ خداوند به وسیله او اسلام را پس از ذلّت به عزت می‌رساند و پس از افسردنش زنده می‌سازد.

۳. حضرت، استعدادها را شکوفا می‌کند، عقل‌های به خواب رفته را بیداری

می‌بخشد، زمین‌ها را حیات و زمینه‌ها و استعدادها را شکوفا می‌گرداند؛ مگر نه

این است که تمام انبیا و اوصیا آمده‌اند تا گنج‌های عقول را استخراج نمایند.

۱. مثنوی مولوی، دفتر اول، ص ۹۲.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳.

۳. الزام الناصب، ص ۱۲۸؛ روزگار رهایی، ص ۱۰۶.

۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۲؛ روزگار رهایی، ص ۱۰۹.

۵. بشارۃ الاسلام، ص ۲۹۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۱۴.

«و یشیروا لهم دفائن العقول»^۱ تا بر ایشان گنج‌های اندیشه و عقل را استخراج نموده، نمایان سازند».

آن خزان نزد خدا نفس و هواست عقل و جان عین بهار است و بقاست^۲

فجمع به عقولهم و کملت به احلامهم ثم مد الله فی ابصارهم
و اسماعهم؛^۳ خرده‌های آنان را گرد آورد، رشدهای آنان را
کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان
می‌افزاید.

اذا هز رايته اضاء لها ما بين المشرق و المغرب و وضع الله يده
على روس العباد؛^۴ چون پرچم او به اهتزاز درآید، میان مشرق
و مغرب با نور آن روشن می‌شود و خداوند دستش را بر
سرپندگان می‌گذارد.

هشتم. شادمانی، مسرت و شادمانی دستاورد دیگر بهار است.

بهار دلها، مهدی زهرا، نیز غم و اندوه را می‌زداید و شادی و نشاط را نه تنها
به انسان که به پرندگان و آبزیان و همه و همه هدیه می‌دهد.

آن روز مردگان نیز خرسند می‌گردند و به هم مژده ظهور می‌دهند:
وقت پژمردگی و غمزدگی آخر شد روز آویختن از دامن یار آمد باز
مردگی‌ها و فروریختگی‌ها بشدند زندگی‌ها به دو صد نقش و نگار آمد باز^۵

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. مثنوی، دفتر اول، ص ۹۳.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۵۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۲۲.

۴. اعلام الوری، ص ۴۳۵؛ روزگار رهایی، ص ۴۶۲.

۵. دیوان امام، ص ۱۲۵.

۱. زدودن رنج‌ها و غم‌ها و بیماری‌ها، انسان از هر نوع بیماری جسمی و روحی نجات می‌یابد:

من ادرك قائم اهل بيتی من ذی عاهة بری و من ذی ضعف قوی؛^۱ هر کس که قائم اهل بیت مرا درک کند. اگر بیمار باشد بهبودی می‌یابد و اگر ناتوان باشد، نیرومند می‌شود. و نزول کل عاهة عن معتقدی الحق من شیعة المهدي؛^۲ هر بیماری که از معتقدین به حق از شیعیان مهدی علیه السلام باشد بهبودی می‌یابد.

«یشفی الله قلوب اهل الاسلام؛^۳ خداوند به دست او دل‌های مسلمین را تسکین می‌بخشد».

آخر رجل منهم انجی به من الهلکة و اهدی به من الضلالة و ابری به من العمی و اشفی به المريض و لاطهرن الارض باخرهم من اعدائی؛^۴ [خداوند به پیامبر فرمود] آخرین آنها مردی است که به دست او از هلاکت نجات می‌بخشم و به وسیله او از گمراهی هدایت می‌نمایم و به دست او کور را بینا و بیمار را شفا می‌دهم و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می‌سازم.

اذا قام قائمنا وضع یدیه علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۴۳؛ روزگار رهایی، ص ۴۲۱.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۵؛ روزگار رهایی، ص ۴۲۱.

۳. الزام الناصب، ص ۲۲۸؛ روزگار رهایی، ص ۴۷۵.

۴. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۶۰؛ روزگار رهایی، ص ۷۸.

کملت به احلامهم ثم مد الله في ابصارهم و اسماعهم؛^۱
هنگامی که قائم ما قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان
گذارد و خردهای آنان را گرد آورد، رشدهای آنان را کامل
گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان می‌افزاید.

۲. شادمانی

۲ - ۱. شادمانی زندگان: مسلمانان و مؤمنان

«اذا ادركت ذلك الزمان قرت عينك؛^۲ چون آن روز را درک کنی، چشمانت
روشن می‌شود».

امام صادق عليه السلام:

المهدى اذا خرج يفرج به جميع المسلمين خاصتهم و
عامتهم؛^۳ مهدی که قیام نماید، همه مسلمانان از خواص و
عوام به وسیله آن، خوشحال می‌شوند.

امام کاظم عليه السلام:

يفرج بخروجه المومنون و اهل السماوات و لا يلقى كافر و
لامشرك الا كره خروجه؛^۴ مومنان و اهل آسمانها با ظهور او
خوشحال و شاداب می‌شوند، ولی هیچ کافر و یا مشرکی
نمی‌ماند جز اینکه ظهور او را ناخوش دارد

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۵۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۲۲.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۵۲.

۳. المهدی، ص ۲۲۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۶.

۴. روزگار رهایی، ص ۵۲۶ به نقل از منتخب الاثر، ص ۴۳۹.

۲ - ۲. شادمانی مسلمانان و مؤمنان در گذشته

لا یبقی مؤمن الا دخلت علیه تلك الفرحة فی قبره و ذلك حیث یتزاورون فی قبورهم و یتباشرون بقیام القائم؛^۱ مؤمنی نیست جز آنکه، این شادمانی در قبر او نیز وارد آید، هنگامی که در قبرها به دیدار هم می‌روند و قیام قائم را به هم بشارت می‌دهند.

۲ - ۳. شادمانی همگانی

«یفرح بخروجه اهل السماوات و مکانها؛^۲ به قیام او، اهل آسمان‌ها و ساکنین آن‌ها شادمانی کردند».

امام صادق علیه السلام:

یفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیران الهواء و الحیتان فی البحر؛^۳ اهل آسمان و زمین به وسیله ظهور او خوشحال می‌شوند، پرندگان هوا و ماهیان دریا نیز با ظهور او شادی می‌کنند.

فعد ذلك تفرح الطیور فی او کارها و الحیتان فی بحارها و تفیضُ العیون و تنبت الارضُ ضعفَ أُكُلها؛^۴ در آن هنگام پرندگان در آشیانه‌های خود شادمان می‌شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی می‌کنند و چشمه‌ها سرازیر می‌شوند و

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۲۳.

۲. همان، ص ۲۲۳.

۳. المهدی، ص ۲۲۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۶.

۴. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۳۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۱.

زمین چندین برابر محصول خود، می‌رویاند.

امام حسن عسکری علیه السلام به امام زمان علیه السلام فرمود:

یود الطفل فی المهد لو استطاع الیک نهوضا و نواشطُ الوحشُ لو
وجد نحوک مجازا تهتز بک اطرافُ الدنیا بهجة و تهتز بک
اعطاف العزُّ نُصرةً؛^۱ کودکی که در گهواره آرمیده، آرزو
می‌کند که بتواند به سوی تو بشتابد، وحشیان صحرا آرزو
می‌کنند که بتوانند به سوی تو راهی یابند. اقطار و اکناف
جهان سبز و خرم می‌شود، چهره دنیا خندان و قله‌های شرف
و عظمت از تو شاداب و خرامان می‌گردد.

نهم. بهار، خیر و برکت، طراوت و... همه و همه زمینه محبت را فراهم
می‌آورد، نفرتها از بین می‌روند، گویی الفت و مهربانی و صمیمیت ارمغانی جدا
ناشدنی از بهار است.

۱. زدودن نفرتها و کینه‌توزی‌ها

و تذهب الشحاء من قلوب العباد و یذهب الشر و یقی الخیر؛^۲ کینه‌ها را از
دل مردم بیرون رود و شرّ از جهان رخت بریندد و تنها خیر باقی بماند.

۲. الفت

الفت، یکی از نعمتهایی است که قرآن بر آن تأکید فراوان دارد:
﴿واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعا و لا تفرقوا و اذکروا نعمت اللّٰه علیکم اذ
کنتم اعداءً فالّف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمة اخوانا و کنتم علی شفا حفرة

۱. وفات العسکری، ص ۴۹؛ روزگار رهایی، ص ۵۳۱.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۴۹؛ روزگار رهایی، ص ۶۴۰.

من النار فانقذكم منها...^۱؛ همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را برخورد، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد... .

ذریه پیامبر ﷺ چون رسول خدا ﷺ که بهار یتیمان (ربیع الانام)^۲ و بهار خیر (ربیع الخیر)^۳ بود، مظهر رحمت الهی‌اند. مهدی فاطمه علیها السلام که رحمت واسعة الهی^۴ است کمال رحمت، الفت و مهربانی را هدیه می‌آورد:

بنا يؤلف الله بين قلوبكم بعد عداوة الفتنة كما الف بين قلوبهم
بعد عداوة الشرك و بنا يصبحون بعد عداوة الفتنة اخوانا كما
اصبحوا بعد عداوة الشرك اخوانا في دينهم؛^۵ خداوند به دست
ما در میان آنها الفت و صمیمیت ایجاد می‌کند؛ چنانکه پس
از کینه توزی‌های شرک به دست ما در میانشان صفا و
صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیله
ما برادری خود را باز یابند، چنانکه بعد از عداوت شرک، به
دست ما برادر ایمانی گشتند.

۳. صمیمیت

إذا قام القائم جاءت المزاملة و ياتي الرجل الى كيس اخيه فيأخذ

۱. آل عمران (۳)، ۱۰۳.

۲. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۰.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۳۹۲.

۴. زیارت آل یس (رحمة الواسعه).

۵. البيان، ص ۸۶؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۴.

حاجته لا یمنعه؛^۱ هنگامی که قائم قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می‌شود. هر نیازمندی دست می‌برد و از صندوق برادر ایمانی خویش، به مقدار نیاز برمی‌دارد و صاحب صندوق هم او را منع نمی‌کند.

دهم. برترین بهار، محبوب‌ترین یار شاد از وی شو مشو از غیر وی او بهار است و دگرها ماه دی^۲ بهار، اگر سرسبزی و نشاط طبیعت را به همراه خویش به ارمغان می‌آورد، امام، سرسبزی، طراوت و زندگی را به روح جان‌ها می‌بخشد. انسان را فراتر از طبیعت می‌سازد و او را از خاکدان طبیعت می‌رهاند و به اوج می‌رساند. اینجاست که او از هر بهاری، بهارتر و از هر چیزی مهربانتر است.

۱. دلسوز و مهربان

امام صادق علیه السلام:

المهدی سَمح بِالْمَالِ شَدِید بِالْعَمَالِ رَحِیم بِالْمَسَاکِینِ؛^۳ مهدی بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد، بر مسئولین کشوری سخت می‌گیرد و بر بی‌نویان بسیار رئوف و مهربان است.

۲. پناه مردمان

«اوسعکم کھفا؛^۴ او از همه آغوش پناهِش برایتان گشاده‌تر است.»

۱. اختصاص مفید، ص ۲۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۱.

۲. مثنوی، دفتر سوم، ص ۳۶۵.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۸.

۴. غیبت نعمانی، ص ۲۱۲.

«مفرع العباد؛ پناهگاه بندگان است».

۳. رفیقی صمیمی، پدری مهربان، از مادر مهربانتر

الامام الانیس الرفیق و الولد الشفیق و الاخ الشفیق و الام البرة بالولد الصغیر؛^۲ امام انیسی رفیق، پدری شفیق و برادری همزاد است، همانند مادری نکوکار نیست به فرزند خردسال است.

۴. این بهار، دوست داشتنی ترین بهار است.

«المهدی محبوب فی الخلائق؛^۳ مهدی در میان همه مخلوقات، محبوب است».

۵. محبوب آسمانیان و زمینیان

«یحبه ساکن الارض و ساکن السماء؛^۴ ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند».

بی‌زبان گویند سرو و سبزه‌زار شکر آب و شکر عدل نوبهار^۵

۶. عشق و صفناشدنی امت

یأوی الی المهدی امته کما تأوی النحل الی یعسوبها؛^۶ امت

۱. تحف العقول، ص ۵۱۶؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. همان.

۳. بشارة الاسلام، ص ۱۸۵؛ روزگار رهایی، ص ۶۴۰.

۴. بشارة الاسلام، صص ۲۸ و ۲۸۰؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۱.

۵. مثنوی، دفتر ششم، ص ۱۱۲۳.

۶. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۳؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۹.

اسلامی به مهدی علیه السلام مهر می‌ورزند و به سویش پناه می‌برند؛
 آن چنان‌که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برند.
 عاشقان، چنان او را دوست دارند که چون حضرت سخن می‌گویند، آن قدر
 گریه می‌کنند که نمی‌فهمند حضرت چه می‌گوید:

يدخل المهدي الى الكوفة و... فيدخل حتى يأتي المنبر و
 يخطبُ فلا يدري الناس ما قال من البكاء؛^۱ ... مهدی داخل
 کوفه می‌شود.... بر فراز منبر قرار می‌گیرد و خطبه آغاز
 می‌کند (آنقدر مردم اشک شوق می‌ریزند که) از شدت گریه
 نمی‌فهمند که او چه می‌گوید؟!^۲

﴿تلك عشرة كاملة﴾^۲

آن سفر کرده که صد قافله دل هم‌ره اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش^۳

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۲۴؛ روزگار رهایی، ص ۴۹۹.

۲. بقره (۲)، ۱۹۶.

۳. حافظ.

دعایی برای بهاری شدن*

یکی از گنجینه‌های ارزشمند مذهب تشیع، دعاهایی است که از فراز و نشیب تاریخ، گذر کرده و در بستر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به دست ما رسیده است. مضامین بلند، استواری متن و عبارات دلنشین، از جمله ویژگی‌های این دعاها است. از جمله این دعاها گرانسنگ و تعهد آفرین، «دعای عهد» است که شهرتی ویژه دارد.

در این دعا که منتظران امام مهدی عجل‌الله‌فرجه، هر روز صبح با خواندن آن، با مقتدا و امام خویش عهد و پیمان تازه می‌کنند، فرازهایی وجود دارد که روح بهار را در دل و جان زنده می‌کند. در این نوشتار به این فرازها اشاره‌ای کوتاه خواهیم نمود:

آبادانی زمین و زمان

«وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ؛ و خدایا به وسیله او سرزمینهایت را آباد گردان!».

آباد کردن زمین وظیفه‌ای است عمومی که خداوند برای بشر معین کرده است:

﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾؛^۱ او شما را از زمین پدید آورد و به آبادگری در آن واداشت.

*. حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی.

۱. هود(۱۱)، ۶۱.

این آبادانی وقتی کامل می شود که به دور از هرگونه فساد و ناهنجاری باشد. ظهور حضرت از چند جهت آبادانی را ارتقا می بخشد و به صورت همه جانبه به پیش می برد:

۱. بالا رفتن توان علمی مردم

امام صادق علیه السلام فرمود:

دانش، بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران برای مردم آوردند، دو حرف است... زمانی که قائم ما به پا خیزد، بیست و پنج حرف دیگر علم را بیرون خواهد آورد و آن را در بین مردم منتشر خواهد کرد.^۱

۲. کامل شدن عقل های مردم

امام باقر علیه السلام فرمود:

زمانی که قائم ما به پا خیزد، دستش را بر سر مردم می گذارد، و به سبب آن عقل هایشان را متمرکز گردانده و فهم آنان به وسیله آن کامل می گردد.^۲

۳. از بین رفتن فقر و فساد در جامعه

امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر می فرماید:

... او آنچنان عدالت را برقرار می سازد و همگان را برخوردار می گرداند، که کسی که نیازمند زکات باشد نمی یابی (فقر از

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۵.

بین می‌رود).^۱

و باز، فرمود:

دنیا پایان نمی‌پذیرد، تا آن که مردی از ما، اهل بیت مبعوث خواهد شد که به کتاب خدا عمل می‌کند و هیچ منکری را نمی‌بیند مگر آن که آن را محو می‌نماید.^۲

۴. استفاده از همه ذخایر و گنجینه‌های زمین

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می‌فرماید:

...هیچ بدهکاری را فروگذار نمی‌کند، مگر آن که بدهی‌اش را می‌پردازد، و هیچ مظلومه‌ای را نمی‌بیند، مگر آن که آن را به صاحبش برمی‌گرداند.^۳

و باز فرمود:

زمین‌ها، میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد.^۴ ... زمین برکت‌های خود را بیرون می‌ریزد^۵ ... زمین پاره‌های جگر خود را مانند ستون‌های طلا و نقره خارج می‌سازد.^۶

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲. کافی، ج ۸، ص ۲۹۶.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۵. کشف الغمه، ج ۳، ص ۵۲۷.

۶. بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۱۰.

احیاء بندگان

«وَ أَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ؛ و بندگان خود را به واسطه او زنده گردان!»
از دیدگاه قرآن حیات دارای مراتبی است:

۱. حیات گیاهی (نباتی)

﴿وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾؛ و از آسمان آبی فرو می‌فرستد و زنده می‌کند با آن زمین را پس از مردن آن.^۱
مردن زمین در این آیه به معنای فاقد گیاه و سبزه بودن است.

۲. حیات حیوانی

﴿وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ﴾؛ شما مرده بودید و او شما را زنده کرد و جان بخشید.^۲

۳. حیات فکری و معنوی

﴿اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾؛ به دعوت خدا و رسول پاسخ دهید، آن هنگام که شما را به آنچه باعث حیاتتان است، می‌خوانند.^۳
جامعه‌ای دارای حیات واقعی و برتر است که عرصه برای شکوفایی همه استعدادهای انسان به دور از فساد و تبعیض و دغدغه‌های دیگر فراهم باشد و این همان جامعه موعود مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

۱. روم (۳۰)، ۲۴.

۲. بقره (۲)، ۲۸.

۳. انفال (۸)، ۲۴.

روزگار شکوفایی انسان‌ها*

دیر زمانی است که هوای زمین سرد شده، انسانیت در وجود آدمی، یخ زده است؛ کسی توان برخاستن از وضعیت مرگبار خویش را ندارد و بشر به خود، اجازه خروج از غار تنگ راحت طلبی را - که به زور رسانه‌ها به او تلقین کرده‌اند - نمی‌دهد؛ دیو سرما با نفس شیطانی و سرد خویش، همه جا را زمستانی کرده، فصل بهار را دیگر، جز در خیال‌ها نمی‌توان یافت؛ میلیاردها بذر انسانیت در زیر خروارها برف غفلت، مدفون شده است و اگر نبود، اشعه‌هایی که از پشت ابر به برخی رسیده، قطعاً از شکوفه‌های نیمه باز و استعدادهای نوری که با تلاش فراوان سربرآورده‌اند نیز، خبری نبود.

مگر نه این است که همان‌گونه که سرمای مرگ‌آور زمین، جز با گرمای حیات بخش خورشید از بین نمی‌رود، سرمای جهانی نادانی و غفلت نیز، جز با حرارت روشنی بخش وجود مهدی موعود عج و حکومت عدل جهانی وی، نابود نخواهد شد، همان‌گونه که علی بن موسی الرضا ع فرمود:

الإمامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ؛ امام مانند آفتاب

تابان است که روشنایی آن، هم عالم را فرا گرفته است.

نمی‌دانم انسان‌هایی که برای به دست آوردن لقمه‌ای نان، آن همه حرص

*. حسن ملایی.

می‌ورزند، چرا برای بهره برداری از امام مهربان به این جمله او بسنده می‌کنند که فرمود:

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا
عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛^۱ چگونگی بهره‌ای که مردم در غیبتم از
من می‌برند مانند بهره بردن از آفتاب پنهان در ابرهاست.

چرا ظهور خورشید مهدوی را بی‌واسطه ابرهای مستکبر، طلب نمی‌کنند؟
آنگاه که خلیفه خدا و امام عدالت و محبت، حکمران زمین و زمینیان گردد،
دست خود را بر عقل‌های آدمیان کشد و اندیشه ایشان را به تکاپو وا دارد.

به راستی تا کی باید شاهد از بین رفتن این همه استعداد نهفته و یخ زده
بود؟ بارها در کلام خدای عالمیان، درباره سیر آفرینش آدمی خوانده‌ایم که:
﴿وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۲ و برایمان گفته‌اند
که این مقام با تحقق صفات و نام‌های الهی در جان هر انسانی به او، افاضه
خواهد شد ﴿وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾^۳ پس کجايند انسان‌های خداگونه؟
چرا از انسانیت، جز دست و پایی، باقی نمانده است؟ چرا هیچ کس تفسیری
جز، موجود رفاه‌طلب برای واژه انسان ندارد و هدفی جز راحتی در سراپرده
دنیا، برایش تعریف نمی‌کند؟ چرا در انسان، لزوم قدردانی از کسی که به او
روزی عطا کرده، میل به جستجو درباره منعم حقیقی را نمی‌زاید؟ و چرا
انسان‌ها دنبال آفریدگار خویش نیستند تا فلسفه و هدف آفرینش خود را از او

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. بقره (۲)، ۳۰.

۳. بقره (۲)، ۳۱.

جوبا شوند؟ آن‌هایی هم که در اندیشه این مطلبند با ترفند حکمرانان ظالم به بند استضعاف کشیده می‌شوند؟

اما مژده به انسان، انسانیت و هزارشادباش به مستضعفان جهان که خداوند عالم درباره عاقبتشان فرمود: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.^۱

آنگاه که خلیفه خدا و امام عدالت و محبت، حکمران زمین و زمینیان گردد، دست خود را بر عقل‌های آدمیان کشد و اندیشه ایشان را به تکاپو وادارد، همان‌طور که حضرت باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ
وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛^۲ چون قائم ما قیام کند، خداوند دست
رحمتش را بر سر بندگان گذارد؛ پس عقولشان را جمع کند
و در نتیجه، خردشان (متانت و خودنگهداریشان) کامل شود.

او که معدن حکمت است از زلال علم و حکمت خویش بر مردم بخوراند و استعداد‌های راکد را به فعلیت درآورد، همان‌گونه که امام باقر علیه السلام فرمود:

تُوتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ
سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛^۳ در دوران او، شما از حکمت برخوردار می‌شوید تا آنجا
که زنی در خانه خود، برابر کتاب خدای تعالی و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به انجام

۱. قصص (۲۸)، ۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۵.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۳۹.

تکالیف شرعی خود می‌پردازد.

آری، اوست که با درهم شکستن همه بت‌ها و خدایان دروغین، به فلسفه آفرینش و کمال انسان که بندگی خداست ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱ عینیت می‌بخشد و البته رسول گرامی ﷺ به این امر، بشارت داده‌اند: «أُبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ... يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً؛^۲ شما را به قیام مهدی مژده می‌دهم، ... دل‌های بندگان خدا را از عبادت لبریز می‌نماید».

حرکت تاریخی انسان، آن وقت (ظهور حضرت مهدی) است؛ آن وقت است که استعدادهای انسان، ظهور خواهد کرد؛ هنوز دانشی که بشر تا امروز پیدا کرده، در برابر استعدادهایی که خدا در وجود بشر گذاشته، صفر است.^۳

۱. ذاریات (۵۱)، ۵۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

۳. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ﷺ، ۸۰/۱۰/۶.

امام مهدی بهار ایام*

عید است ولی بدون او غم داریم عاشق شده‌ایم و عشق را کم داریم
ای کاش که این عید ظهورش برسد این‌گونه هزار عید با هم داریم

نوروز، این عید باستانی ایرانیان، نوید بخش فرا رسیدن طراوت و سرسبزی
و شادابی زمین و مورد گرمی داشت این ملت است؛ اما بعد از اینکه ایرانیان
روشن ضمیر با معارف انسان‌ساز اسلام، به ویژه مکتب سراسر نور تشیع آشنا
شدند، زندگی خویش را بر اساس آموزه‌های ناب اسلامی و بر مدار ولایت
معصومین علیهم‌السلام استوار ساختند و دریافتند که شیعه - که میراث‌دار خط سرخ
حسینی و انتظار سبز مهدوی است یعنی طراوت، شجاعت و صلابت - و انتظار
یعنی حیات پویا و زندگی شاداب در مسیر هدفی الهی و مقدس.

هر شیعه ایرانی با الهام از طبیعت، با خود چنین نجوا می‌کند که اگر یک
سال شمسی، گردش دوازده ماهه زمین به دور خورشید است، عمر حقیقی و
الهی هر شیعه، چرخش بر مدار ولایت است که اگر با گذشت ایام و زیاد شدن
سنّ زمینی‌اش نسبت به ولیّ زمان خود، معرفت بیشتری پیدا نماید و بر مدار
شمس ولایت بچرخد، به همان اندازه، راه زندگی‌اش روشن‌تر می‌گردد؛ چرا
که پیامبر گرمی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «چراغ راه مؤمن، شناخت حق اهل

*. سید ابوالفضل موسوی آقداش.

بیت علیه السلام است و کورترین افراد کسی است که فضائل ما را نبیند.^۱
 شیعه اکنون و در عصر غیبت، منتظر ظهور امامی است که طبق روایات،
 بهار روزگاران^۲ است. اگر با آغاز سال جدید شمسی، بهار طبیعت آغاز می‌شود،
 با سپری شدن انتظار سبز مهدوی، بهار حقیقی انسانیت، هویدا شده و جهان
 هستی و انسان‌ها با ظهور حضرتش جان تازه‌ای می‌گیرند و علم، صنعت،
 کشاورزی، دین، سنت و... احیاء می‌شوند و تحویل حقیقی سال بر مدار ولایت
 و معرفت آن امام زمان علیه السلام خواهد بود که کتاب و سنت، احیا شوند، عقل‌ها
 تکمیل گردند، نعمت، فراوان شود و فطرت‌ها از خواب غفلت، برخیزند.

احیای کتاب و سنت

معارف حیات بخش اسلام، افزون بر خطر تحریف و بدعت و اهمال کاری،
 همواره در کانون حملات همه جانبه دشمنان دین و دیانت بوده است؛ لذا
 حضرت بعد از ظهورشان، گرد و غبار دین را می‌زدایند و آموزه‌های ناب
 اسلامی را آنچنان که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، آشکار می‌کنند و بنابر
 فرموده مولای متقیان علیه السلام، حیاتی تازه به آموزه‌های قرآنی می‌دمند^۳ و وحی
 الهی را رونق تازه‌ای می‌بخشند؛ تا جایی که برخی فکر می‌کنند که حضرت،
 دین جدیدی آورده‌اند و حال آنکه طبق روایات، دین حضرت، همان دین آباء و
 اجداد خویش است.

۱. «سراج المؤمن معرفة حقنا و أشد العمی من عمی عن فضلنا»؛ (جامع الاخبار، ص ۱۷۸).

۲. «السلام علی ربیع الأنام»؛ (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱).

۳. «یحیی میّت الكتاب و السنه»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ترجمه محمد دشتی).

شکوفایی علم و تکمیل عقل‌ها

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

علم و دانایی از قطعات و حروفی تشکیل می‌شود؛ تمام آنچه پیامبران تاکنون آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردمان تاکنون بیش از دو حرف آن را نشناخته‌اند. آنگاه که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌سازد و آن دو حرف را هم به آن ملحق می‌کند.^۱

یعنی با این همه پیشرفت و تکنولوژی، تنها دو حرف روشن شده و با ظهور حضرت است که علم و دانش به نقطه اوج خود می‌رسد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

نهمین امام از فرزندان امام حسین علیه السلام، قائم است که خداوند متعال به دست او زمین را پس از تاریکی با روشنی، پس از ستم با عدالت و پس از نادانی و جهالت با علم و دانایی پُر می‌کند.^۸

امام باقر علیه السلام نیز دربار کامل شدن عقل‌های انسان‌ها می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و بدین وسیله، عقل‌های آنان را جمع، و افکار و اخلاقشان را کامل می‌کند.^۲

فراوانی نعمت و شادابی طبیعت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

۱. «العلم سبعة و عشرون جزءاً...» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶).

۲. «اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد...» (همان، ص ۳۲۸).

در زمان حضرت مهدی علیه السلام، مردم به نعمت‌هایی می‌رسند که در هیچ زمانی به آن‌ها دست نیافته بودند، آسمان پیوسته بر آنها می‌بارد و زمین چیزی از رویدنی‌هایش را پنهان نمی‌کند.^۱

حضرت جان تازه‌ای به این کره خاکی می‌دهند و بنابر فرموده امام باقر علیه السلام، همه جا را آباد می‌کنند و هیچ جای خرابی بر روی زمین باقی نمی‌گذارند.^۲ همچنین حضرت به کارگزاران خویش دستور می‌دهند تا شهرها را آباد سازند^۳ و زمین، به برکت حضرتش، خرم و سرسبز می‌شود.^۴

حیات معنوی و بیدارسازی فطرت‌های غفلت زده

بدیهی است که بیدارسازی فطرت‌ها و طراوت بخشی به آن، از آبادانی و سرسبزی طبیعت بالاتر است. طبق روایات، حضرت مهدی علیه السلام فطرت‌ها را بیدار می‌سازند و دین اسلام و معارف حقّه الهی را برهمگان عرضه می‌نمایند^۵ و سرانجام همگان به دین اسلام می‌گرایند.^۶

آری، هرچند اکنون، در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام قرار داریم؛ ولی

۱. «...ولا تدخر الارض شيئاً من نباتها»؛ (همان، ج ۵۱، ص ۷۸).

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. «يا أمرهم بعمران المدن»؛ (يوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۵).

۴. «تعمر الارض و تصفوا و تزهر»؛ (منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۲۰۹).

۵. «فعرض عليهم السلام...»؛ (بهار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰).

۶. در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾ آمده است. (بهار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹).

طبق روایات، حضرت، همچون خورشید پشت ابر^۱ و همانند قلبی^۲ که در ظاهر پیدا نیست اما اعضا و جوارح انسان را مدیریت می‌کند، جامعه را اداره می‌نمایند؛ چرا که همان‌گونه که قلب اگر لحظه‌ای از کار بایستد، بدن از کار می‌افتد، بدون امام نیز زمین اهل خود را فرو می‌برد.^۳

حال، ما نیز ندبه‌کنان باید ناله سر دهیم که «جانم به قربان ناپیدایی که بیرون از جمع ما نیست، جانم به قربان دور از وطنی که کنار ما نیست»^۴ تا بدان جا که از شدت فتنه‌ها و غیبت ولی‌مان به درگاه الهی شکوه نماییم^۵ و بگوییم:

منتظران را به لب آمد نفس ای ز تو فریاد، به فریاد رس
ای یوسف فاطمه علیها السلام! تا کی سفره هفت سین دلمان را باز بگذاریم تا تو
بیایی و سالمان تحویل شود؟ ای بهار دلها بیا که بی تو بهار طبیعت، برایمان
خزان است.

روزها نونوشده کهنه‌تر از دیروز است گر کند یوسف زهرا نظری، نوروز است
لحظه‌ها در تپش تاب و تب آمدنش آسمان، چشم به راه قدمش هر روز است
حال، ما نیز در لحظه تحویل سال و دگرگونی احوال و قلوب، بنابر فرموده
خودتان برای فرج دعا می‌کنیم تا درمان دردهایمان بیاید و هستی، جانی

۱. «اما وجه الانتفاع بی...»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳).
۲. «ان القلب غائب عن سائر الجوارح...»، (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۱۰).
۳. «اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبة و لینا»؛ (مفاتیح الجنان، دعای افتتاح).
۴. «بنفسی انت من مغیب لم یخل منا...» و «یابن الخیرة المهدیین» «فقد طال الصدی و...»؛ (فقراتی از دعای ندبه در مفاتیح الجنان).
۵. همان.

۵۰ بهار و مهدویت

دوباره بگیرد.

از بهر ظهور تو، خود آراسته‌اند
اول فرج تو از خدا خواسته‌اند

گلها همه با اذن تو برخاسته‌اند
مردم همه در لحظه تحویل، بی‌شک

عید نوروز و آخرین مائده آسمانی*

عید نوروز یکی از اصیل ترین سنتها و اعیاد ایرانی است. نوروز نمادی از هویت ملت ایران است. عید نوروز آن چنان در فرهنگ ایرانی ریشه دوانده که هر ساله با آمدن خود، به تجدید خاطره‌ها و سنت‌های دیرینه و قدیمی می‌پردازد.

این عید آن چنان شور و هیجانی در افراد به وجود می‌آورد که با یاری یکدیگر به زدودن غبار از خانه و کاشانه خویش می‌پردازند. لباس تازه و جدید خریداری می‌کنند، به دیدار یکدیگر می‌روند و به شادی و سرور می‌پردازند و بار دگر حیاتی زیبا و تازه را همراه با شکفته شدن شکوفه‌های بهاری از سر می‌گیرند. آری، عید نوروز این قابلیت و توانایی را دارد که روز نو، روزی نو، سال نو، و انسانی نو را ایجاد کند.

ما ایرانیان مسلمان جدای از عید نوروز، ایام خاص دیگری را عید خود می‌دانیم:

عید قربان، عید فطر، عید مبعث، عید غدیر، ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام به ویژه نیمه شعبان سالروز ولادت امام زمان حضرت مهدی موعود علیه السلام و ...

*. رقیه سادات موسوی.

معنای لغوی

۱. در لغت‌نامه دهخدا آمده: واژه عید در اصل از فعل «عاد - یعود» است و به معنای «خوی گرفته، روز فراهم آمدن قوم» می‌باشد.^۱
۲. در لسان العرب آمده: اصل واژه «عید» از «عادت» است، زیرا اقوام بر گرد آمدن دور هم در آن روز عادت کرده‌اند.^۲

معنای اصطلاحی

مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرماید:

کل یومٍ لا یعصى الله تعالی فیهِ فهو یوم عید؛^۳ هر روزی که در آن معصیت خدا نشود و گناهی انجام نگیرد آن روز عید است.

نیز دوباره آن حضرت فرمودند: «اگر قدر بدانید هر روزی نوروز است».^۴ یعنی اگر قدر عمر خود را بدانید و معصیت نکنید و هر روزی پیشرفتی داشته باشید آن روزتان نو و تازه است؛ در غیر اینصورت هر روزتان مثل روز قبلی خواهد بود و در این صورت نه نوروز و عید، بلکه کهنه روز خواهد بود؛ چنانچه در حدیثی به آن اشاره گردیده است:

۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه عید.

۲. لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ح ۳۱۹.

۳. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۴.

«هر کس دو روزش با هم مساوی باشد زیان کرده است»^۱.
با توجه به مطالب و احادیث مذکور می‌توان عید را این گونه معنا نمود: هر گونه تحول و پیشرفت سازنده‌ای که در ایام زندگی فردی یا اجتماعی رخ دهد و آنان را بر سختی‌ها و مشکلات پیروز گرداند و آنان را به سمت اهداف متعالی سوق دهد، آن روز عید است و مبارک.

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۳۶۹ هـ ش فرمودند:

تحویل سال جدید شمسی که مصادف با نوعی تحول در عالم طبیعت می‌باشد فرصتی است برای این که انسان به تحول درونی و به اصلاح امور روحی و معنوی و مادی خود بپردازد. ایجاد تحول کار خداست ... اما ما موظفیم که برای این تحول در درون خود، در زندگی خود و در جهان اقدام کرده و همت و تلاش به عمل آوریم.

اقسام «عید»

۱. فردی: تک تک انسان‌ها با ترک منکرات و به پا داری معروفات شاهد انقلابی عظیم در درون خود باشند.
۲. اجتماعی: همه افراد یک جامعه با کمک و تعاون یکدیگر، تحولات سازنده و عظیمی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و ... ایجاد نمایند.

اعمال عید

گرچه عید نوروز مانند دیگر اعیاد نیست که در آن روایت‌های فراوانی آداب

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۳، ح ۵، باب ۶۴.

و دعاهای خاصی مطرح نموده باشند، اما مناسب است در کنار صله رحم‌ها و بازدیدها و تلاش برای اصلاح رفتارها و دعای تحویل سال به این روایت نیز عمل کنیم:

معلى بن خنيس از امام صادق عليه السلام درباره نوروز روایت کرده که فرمود:

هر وقت نوروز شد پس غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌ها را بپوش و خود را با بهترین عطرهایت خوش بو کن و آن روز را روزه بدار، پس زمانی که نافله‌های نمازهای ظهر و عصر و خود نمازها (ظهر و عصر) را خواندیدی پس بعد از این‌ها چهار رکعت نماز بخوان (دو رکعتی)، در اول هر چهار رکعت سوره فاتحة الكتاب بخوان و ده بار سوره «انا انزلنا فی لیلۃ القدر» و در رکعت دوم فاتحة الكتاب و بعد ده مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت سوم فاتحة الكتاب و بعد ده مرتبه «قل هو الله احد» و در رکعت چهارم فاتحة الكتاب و بعد ده مرتبه سوره «ناس و فلق» را بخوان و بعد از خواندن این چهار رکعت سجده شکر کن و در سجده، دعا کن (برای خودت) که گناه پنجاه سال تو آمرزیده شود.^۱

مهدی عليه السلام آخرین «مآئده آسمانی»

﴿رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنكَ...﴾^۲؛ خدایا نازل کن برای ما مآئده‌ای از آسمان که برای اولین و آخرین از ما عید باشد و نشانه‌ای از تو... .

۱. مصباح المتعجب، ص ۵۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۸.

۲. مآئده (۵)، ۱۱۴.

اولین مائده آسمانی پس از وجود نازنین و گرامی رسول اکرم ﷺ، حضرت علی علیه السلام بودند. حضرت رسول ﷺ در روز ۱۸ ذی الحجة در غدیر خم، حضرت علی را به عنوان امام و جانشین پس از خود معرفی نمودند و از همگان بیعت گرفتند و جمعیت حاضر به ولایت و امامت ایشان پس از رسول گرامی اسلام اقرار نمودند.

در این روز بزرگ، خداوند بر ما ممت نهاد و با نزول آیه ۳ سوره مبارکه مائده: ﴿... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾ و نصب آن حضرت به امامت، نعمتش را بر همگان تمام نمود و دینشان را کامل کرد.

اما متأسفانه نه ایشان و نه دیگر ائمه علیهم السلام به دلیل کارشکنی‌ها، مشکلات و وجود کوفته فکری و سطحی‌نگری عوام، موفق به اجرای بخشی از برنامه‌ها و پیاده نمودن اهداف الهی نشدند.

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تنها و آخرین مائده آسمانی، یگانه منجی عالم بشریت است که تمام اهداف الهی بر روی زمین پیاده خواهد شد. زمین زنده خواهد شد: ﴿يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾^۱ و هر آن چه درون خویش دارد آشکار می‌سازد، همدلی و برابری و برادری ایجاد خواهد شد، بدعت‌ها از میان می‌رود و آداب و سنن اسلامی جای آن را می‌گیرد، باطل شکست می‌خورد و حق جانشین آن می‌شود، دین اسلام بر سایر ادیان و همچنین بر شرک و نفاق غلبه می‌یابد و مومنین وارث زمین می‌گردند: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي

الصَّالِحُونَ^۱ و پس از آن عبادت پروردگار خالصانه و به دور از شرک بر سرتاسر زمین حاکم خواهد شد و دنیا روزی تازه و نو را شروع خواهد نمود.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...﴾^۲

آری، روزی که مهدی فاطمه، بقیه الله (روحی و ارواح العالمین له الفداء) بیاید؛ آن روز عید واقعی و حقیقی ماست، عید فردی و اجتماعی ماست، چه زیباست که قبل از آمدن حضرتش، درون خویش را همچون عید نوروز متحول کنیم و به خانه تکانی دل پردازیم و خویش و جامعه را آماده ظهور حضرت نماییم، چرا که بهار و عید واقعی، زمان ظهور حضرت است، چون عاشق واقعی، رنگ معشوق به خود می‌گیرد و همچون مجنون در راه لیلی جان می‌دهد، با آمدن او جان‌ها، تازه می‌شوند و از معرفت الهی سیراب می‌گردند.

گل همیشه بهارم خدا کند که بیایی اسیر طعنه خارم خدا کند که بیایی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... و هو اليوم الذي يظهر فيه قائمنا اهل البيت و ولاية الامر و يظفره الله تعالى بالدجال فيصليبه على كنانة الكوفة...^۳

نوروز همان روزی است که قائم ما اهل بیت و صاحب امر ظاهر خواهد شد و خداوند او را بر دجال غلبه می‌دهد. پس

۱. انبياء (۲۱)، ۱۰۵.

۲. نور (۲۴)، ۵۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۸؛ عوالي اللئالی، ج ۳،

ص ۴۱.

بخش اول. مقالات / عید نوروز و آخرین مائده آسمانی □ ۵۷

آن حضرت دجال را بر کناسه کوفه به دار می کشد. . . .

اینک دستی به دعا برمی داریم و با گریه و زاری می گوئیم: «این السبب

المتصل بین الارض و السماء».

سه بهار*

فرارسیدن بهار طبیعت، انگیزه‌ای برای توجه به سه بهار هستی است که با نسیم صفا و معنویت خود، به دنیا شکوفایی و شادابی می‌بخشد، این سه بهار عبارتند از:

۱. قرآن کریم، بهار دلها

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«جَعَلَهُ اللهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ وَ رِيْعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ؛^۱ خداوند، قرآن را آبی گوارا برای عطش عالمان و بهار دل‌های دین‌اندیشان قرار داد».

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهار شهرها و انسان‌ها

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ابْتَعَثَهُ [رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم] رَحْمَةً لِلْعِبَادِ وَ رِيْعًا لِلْبِلَادِ؛^۲ خداوند متعال، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بر انگیخت تا رحمتی برای بندگان و بهاری برای سرزمین‌ها باشد».

امیرالمؤمنین علیه السلام در فضیلت برترین رسولان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود:

*. حسین علی عبداللهی.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۴۴.

خداوند پاک و منزّه، حضرت محمد ﷺ را به حق مبعوث نمود و ایشان را ابلاغ کننده رسالت، کرامت دهنده امت و بارانی بهاری برای اهل روزگار و مایه سربلندی مسلمانان و شرافت یارانش قرار داد.^۱

در حقیقت، بعثت حضرت همانند باران موجب سیراب گشتن دل‌های خشکیده بشر و علت غایی بعثت او تکمیل اخلاق انسانها، نامیده شد.

۳. حضرت مهدی ﷺ بهاری‌ترین فصل‌ها:

«السلام علی ربيع الأنام و نضرة الأيام؛^۲ سلام بر بهار مردمان و خرمی روزگار».

امام مهدی ﷺ منشأ نشاط و شادابی و خرمی در عالم هستی است و منتظران مهدی ﷺ هر لحظه مشتاق آمدن بهار حضور و تنفس در فضای عطر آگین حکومت اویند تا جان‌های خسته از ظلم و ظالمان را، صفای دیگری بخشند.

تو با بهار می‌رسی، تو ای نجابت زمین و با تو سبز می‌شود، خزان طاقت زمین
اگر چه داغ کربلا، شکسته قامتت بیا که با تو راست می‌شود دوباره قامت زمین
تو با بهار می‌رسی نه، با تو می‌رسد بهار تویی شکوفه زمان و سبز قامت زمین

لزوم آمادگی برای آمدن بهار دلها، حضرت مهدی ﷺ

همان گونه که برای آمدن بهار طبیعت، باید خانه تکانی کنیم، باید خواب زده‌ها را بیدار کنیم و چشم‌های بسته را بگشائیم؛ باید آمدن بهار را لحظه به

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۲. المصباح، کفعمی، ص ۴۹۷.

لحظه در گوش جهانیان، زمزمه کنیم؛ باید حرمت بهار را پاس داریم تا رویش گلها را ببینیم و باید سوگند بخوریم تا هنگام آمدن بهار، به او عشق بورزیم. برای آمدن، بهار دلها و جانها یعنی امام زمان علیه السلام نیز:

- باید دل تکانی کرد؛ و کدورتها و کینه‌ها را برطرف نمود؛

- باید بذر خوبی‌ها، صلح و دوستی را به همه دل‌های بشریت هدیه کرد؛

- باید دل‌های زنگار گرفته از غفلت را بیدار کرد و به اوج هوشیاری و

بصیرت رساند؛

- باید به گوشه‌های غافل، فریاد زد تا بیدار شوند؛ آن هم نه یک بیداری

معمولی، بلکه بیداری همراه با معرفت امام علیه السلام؛

- باید حرمت دل‌های منتظر و حرمت صاحب دل‌ها را نگه داشت؛

- باید سوگند بخوریم که تا آمدن بهار دل‌ها، به ولایت او مؤمن باشیم و به

آمدن او، به قیام او و به عدالت گسترگی او عشق ورزیم؛

- و بالاخره باید زمینه‌های ظهور بهار را آماده کرد، با تمام وجود و متانت و

بردباری.

به امید شکوفایی و شادابی تمام دل‌های عاشق مهدی فاطمه علیها السلام.

مبارک شما مید*

اشاره

روزهای آخر سال است و نوروز در پیش. کم‌کم خانه‌تکانی‌ها شروع می‌شود. در این که خانه‌تکانی از منازل کاری پسندیده است شکی نیست؛ اما تکلیف خانه‌تکانی دل‌ها و قلب‌ها چه می‌شود؟ اصلاً برایمان اهمیت دارد؟ چقدر به فکر غبارروبی درونمان هستیم؟ اوضاع دکوراسیون خانه جانمان برای ورود به سال جدید چطور است؟ کاش همان قدر که به خانه‌تکانی منازل حساسیم، خانه‌تکانی دل هم برایمان مهم باشد.

دل بتکانیم یا خانه؟

خانه‌تکانی و تغییر دکوراسیون خانه، تأثیرات مثبتی بر روحیه انسان دارد و زندگی را از یک نواختی خارج می‌کند. تنوع و تمیزی محیط اطراف ما در پیشگیری از افسردگی نیز بسیار مؤثر است؛ بنابراین یک خانه‌تکانی ساده، سلامت روان فرد را تا حد زیادی تأمین می‌کند؛ اما اگر این تنوع و نو کردن منجر به زیر بار قرض رفتن و ایجاد استرس برای او شود، نتیجه عکس خواهد داشت و در واقع آرامش فرد را از او خواهد گرفت.

راستی شما دنبال کدام هستید، آرامش یا چشم و هم‌چشمی؟ اگر واقعا

*. حمیده رضایی.

دنبال آرامش هستید، راه‌های بهتری هم هست، راه‌هایی که نه تنها آرامش دنیا، که آرامش آخرت را هم به دنبال دارد، آن راه بهتر، دل‌تکانی است.

مواد لازم: قرآن، تسبیح و...

در خانه تکانی، برای تمیز کردن هر بخش، به یک نوع شوینده خاص نیاز داریم؛ چون تمام وسیله‌ها را نمی‌شود فقط با یک نوع ماده تمیز کرد. در خانه تکانی دل هم، اوضاع همین است. اصلاح نفس و پاک شدن از زنگار گناه و...، اشک و آه، یاد خدا، یاد مرگ و قیامت، تلاوت قرآن، تفکر، سحرخیزی، استغفار، ادای حقوق خلق و خالق و... هر کدام اثر خاص خودش را دارد. فقط یادمان باشد که شاید خداوند از بخشی از حق خود بگذرد، اما از حق بندگانش نه! پس ادای حق الناس را جزو اولویت‌هایمان بگذاریم.

حال دلتان چطور است؟

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که در نگاه اول به خانه، گمان کنید نیاز چندانی به نظافت ندارد، اما همین که دست به کار می‌شوید و بخشی را تمیز می‌کنید، بخش‌های دیگر خود را نشان می‌دهد و تازه می‌فهمید کار سنگینی در پیش است. اوضاع دل انسان هم، چنین است؛ وقتی حرف از توبه و استغفار و اصلاح عیب‌ها پیش می‌آید، شاید خیلی‌هایمان در نگاه اول، خود را بی‌گناه و کم‌عیب می‌دانیم، اما اگر کمی بیشتر به اوضاع و احوال دلمان دقت کنیم، تازه می‌فهمیم چقدر آلوده شده و چه راه طولانی‌ای برای غبارروبی از این خانه خاک گرفته در پیش داریم.

ذره ذره جمع گردد!

کسانی که در طول سال برنامه منظمی برای نظافت منزل و رسیدگی به کارهایشان دارند، در این روزهای پایانی سال کار چندانی ندارند و کافی است دستی به سر و گوش خانه بکشند تا همه چیز مثل اول مرتب شود. این حکایت دل آدمی زاد است؛ کسانی که با عمل به توصیه‌های بزرگان، راه رفته و به مقصد رسیده‌اند و از قلب خود و آنچه به آن وارد می‌شود، مراقبت می‌کنند، این روزها کار زیادی ندارند؛ چون یاد گرفته‌اند که اگر لغزشی از آنها سر زد، همان وقت دنبال جبران و آموزش خواهی از خداوند بروند. آنها هر روز و هر لحظه در حال خانه تکانی دلشان هستند، نه سالی یک مرتبه. آنها خوب می‌دانند: ذره ذره جمع گردد، وانگهی... .

در جستجوی جان از دست رفته

خیلی از چیزهایی که مدت‌هاست گم شده و دنبال آن می‌گشتیم، در خانه تکانی‌ها پیدا می‌شود. خانه تکانی دل هم همین‌طور است. کافی است کمی وقت بگذاریم و با خودمان خلوت کنیم و مروری روی اعمال و اخلاق خود داشته باشیم؛ تازه آن وقت است که می‌فهمیم چه گم کردیم و کجا؟ آن وقت است که دلمان هوای پاکی دوران کودکی‌مان را می‌کند، هوای سجاده مادر بزرگ و عطر تسبیح تربت آقا بزرگ. یادمان می‌آید آن وقت‌ها چه دل بی‌کینه‌ای داشتیم و بزرگ‌ترین گناهمان همان قهرهای یک دقیقه‌ای‌مان بود و بس! نه چیزی از غیبت و خوردن گوشت برادر مؤمن سرمان می‌شد و نه کم‌فروشی و نه احتکار و نه... .

ایام را از شما مبارک باد

حالا دیگر حال و هوای عید را همه جا می شود حس کرد؛ از خریده‌ها و خانه تکانی‌ها گرفته تا نو نوار کردن رخت و لباس‌ها. این حضور عید در بیرون از وجود ماست، اما آیا حضور عید را در درون خود نیز احساس می کنیم؟ اگر با تحویل سال، تحول حالی هم داریم، پس عید بر ما مبارک باد؛ چرا که بزرگان گفته‌اند: «مبارکی ایام به مبارکی جان ما است».

راستی که چه زیبا گفت:

«ایام را از شما مبارک باد

ایام می‌آیند تا بر شما مبارک شوند

مبارک شمايید».

عید و صلہ رحم*

﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۱

«فاسقان، کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم بستند می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع می‌کنند، و در زمین فساد می‌کنند. قطعاً آنان زیان‌کار هستند».

علامه مجلسی رحمته به دنبال آیه ﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾^۲ یکصد و ده حدیث درباره اهمیت صلہ رحم، بیان، و آنها را بررسی کرده است.^۳ برخی از نکات جالبی را که ایشان آورده است، نقل می‌کنیم:

* صلہ رحم، عمر را زیاد، و فقر را دور می‌کند.

* با صلہ رحم، رزق، توسعه می‌یابد.

* بهترین قدم‌ها، قدمی است که برای صلہ رحم و دیدار اقوام برداشته شود.

* صلہ رحم، انسان را به مقام مخصوصی در بهشت می‌رساند.

* صلہ رحم، مرگ و حساب روز قیامت را آسان می‌کند.

*. حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی.

۱. بقره (۲)، ۲۷.

۲. رعد (۱۳)، ۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۷.

- * صلّه رحم، باعث تزکیه عمل و کثرت اموال می‌شود.
- * کمک مالی به فامیل، بیست و چهار برابر کمک به دیگران پاداش دارد.
- * بوی بهشت، به کسی که صلّه رحم را ترک کند، نمی‌رسد.
- * به سراغ بستگان بروید، گرچه آنها بی‌اعتنایی کنند.
- * صلّه رحم کنید، هر چند آنها نیکوکار نباشند.
- * صلّه رحم کنید، گرچه به اندازه سلام کردن باشد.
- * با بستگان خود دیدار و رابطه داشته باشید، هر چند در حدّ نوشتن آبی باشد.

- * صلّه رحم کنید، گرچه برای انجام آن، لازم باشد یک‌سال راه بروید.
- * صلّه رحم تنها به دیدن و ملاقات کردن نیست، کمک‌های مالی نیز از مصادیق صلّه رحم به شمار می‌رود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «در اموال انسان، غیر از زکات، حقوق دیگری نیز واجب است»^۱.

- البته شاید مراد امام علیه السلام از حقوق دیگر، همان خمس باشد.
- * در اهمیت صلّه‌رحم، همین بس که خداوند آن را در کنار ذکر خود قرار داده است: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾^۲.
- * ارحام تنها منحصر به خانواده و بستگان نسبی نیست؛ بلکه جامعه بزرگ اسلامی را که در آن، همه افراد امت با هم برادرند،^۳ و پدرشان پیامبر صلی الله علیه و آله و

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲. نساء (۴)، ۱.

۳. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ (حجرات (۴۹)، ۱۰).

حضرت علی علیه السلام است^۱ نیز در برمی گیرد.

* امام صادق علیه السلام در آستانه رحلت از دنیا، دستور دادند به بستگانی که نسبت به ایشان جسارت کرده بودند، هدیه‌ای بدهند. وقتی حضرت در انجام این کار مورد انتقاد قرار گرفتند، آیه بیست و یکم سوره مبارکه رعد را تلاوت فرمودند^۲ و این گونه به ما یاد دادند که شرط صلہ رحم، خوش بینی، علاقه و رابطه آنها با ما نیست.

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أنا و علیّ ابوا هذه الأمة»؛ (بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۹۵).

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۶.

بهار یک دانشگاه بزرگ است *

من می‌دانم، شما می‌دانید، خدا هم می‌داند، گاهی بخشیدن دوست و فامیلی و آشتی کردن با او چقدر سخت و سنگین است. چه اشکالی دارد گاهی با انجام کارهای سنگین، جوانمردی خود را ثابت کنیم؟ یادمان باشد آنها که می‌توانند وزنه‌های سنگین تری بردارند و بر نمی‌دارند، جایزه‌ای که نمی‌گیرند هیچ، نزد خدا و خلق هم محبوبیتی ندارند.^۱

من و شما تلاش کنیم جزء کسانی شویم که به تدریج وزنه‌های سنگین بر می‌دارند. آقای حسین رضا زاده را که فراموش نکرده‌اید.

گفتم به تدریج، یادم آمد که فصل بهار در راه است. راستی بهار هم همین کار را می‌کند، یعنی در زمستان که آب و خاک با هم قهر بودند هیچ اتفاقی نمی‌افتاد؛ نه خاک رویشی داشت و نه بذره‌های پنهان شده در خاک زایشی. ولی با پیدا شدن چشم و ابروی بهار ماجرا طور دیگری شد. خاک که از آمدن این مسافر خوش قدم بو برد، لحاف زمستان را کنار زد و برخاست. چند روز دیگر معلوم می‌شود که از آشتی آب و خاک، بلکه از وصلت این دو چه اتفاقات مبارکی در راه است.

*. ناصر نقویان.

۱. در زیارت امین الله به ما می‌آموزند که از خدا درخواست کنیم تا در زمین و آسمان محبوب باشیم، محبوبه فی ارضک و سمائک.

با کنار رفتن نقاب برف و سرما کم کم معلوم می‌شود کدام درخت خشکیده و هیزم شده و کدام سرسبز و زنده است، کدام دشت چادر در چمن بر سر کرده و کدام برهنه و بی چیز است، حاصل کدام خاک یا علی گفته و برخاسته و بر کدام خاک بذر مرگ و مردگی پاشیده اند، کجا سنگستان است و کجا گلستان. کجا گل است و کجا گل، به قول مولوی:

در بهاران کی شود سرسبز سنگ خاک شو تا گل برویی رنگ‌رنگ

چشم دانه‌های برف که به بهار می‌افتد از شدت خجالت چنان آب می‌شوند که آبروی رفته زمین دوباره به جویبارها بر می‌گردد. مهم این است که یادمان باشد اگر درختی با نگاه پر مهر بهار بیدار نشد به قهر آتش گرفتار می‌شود، همان که بیش از هزار سال پیش ناصر خسرو می‌گفت:

بسوزند چوب درختان بی‌بر سزا خودهمین است مر بی‌بری را

همان که سعدی شیرین گفتار می‌گفت:

هر که امروز نبیند اثر قدرت او غالب آن است که فرداش نبیند دیوار

سعدی می‌خواست بگوید: نگو، سیزده به دامن طبیعت می‌رویم و صفایی می‌کنیم، بگو می‌رویم در دامن خلقت خدا و درسی می‌گیریم و برمی‌گردیم.

البته او از پیش خود نمی‌گفت، از قرآن می‌گفت:

﴿فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ به نشانیهای رحمت خداوند بنگر که چگونه از دل خاک مرده حیات و نشاط بیرون می‌کشد. هم او مردگان را نیز زنده خواهد فرمود.^۱

بله، خوب متوجه شدید، بهار یک دانشگاه بزرگ است که اگر درست به آن نگاه کنیم درسهای فراوانی به ما می‌دهد. یعنی به چشم دانشجویی، نه به چشم مدرک جوئی!

حالا به قول قرآن، خوب نگاه کن، دوباره نگاه کن، چه می‌بینی؟ درختانی که از درخت بودن فقط نقش و نقشه آن را داشتند الان از چوب خشک بودن بیرون آمده و در حال سبز شدن و شکوفه دادن هستند، و کم‌کم آن انتظار سرخ به بارداری سبز تبدیل شده و معلوم شد زمستان و سرما به همه هارت و پورتش حریف ریشه‌های پنهان و گرم درختان نشده و امروز که سرما، سایه اش را از سر ما کم کرده این جوانه ها هستند که خودی نشان داده و آرام آرام، باد و طوفان‌های بهاری را نیز رام خود می‌کنند و دیری نمی‌پاید که بار درختان چنان سنگین می‌شود که کسی باورش نمی‌آید که همان شکوفه‌های کوچولو تبدیل به گلابی و هلو شده، نارگیل و آناناس به آن عظمت که بماند.

حالا دیدی که نباید از درخت کمتر بود و اگر تمرین و تکرار در کار باشد ما هم می‌توانیم وزنه بردار سنگین وزنی بشویم و نرمک، نرمک و گرم گرم هم که شده به وزنه ها اضافه کنیم، درست همان کاری که وزنه بردارها می‌کنند. از بخشیدن کسی که جواب تلفن ما را نداده شروع کنیم تا بخشش کسی که جفای بزرگی در حق ما کرده است، خدا رحمت کند آیت الله مجتهدی تهرانی را، می‌گفت:

«اگر می‌خواهی محبت دنیا از دلت بیرون برود، موقع خرج کردن پول ها، اول اسکناس‌های نو را خرج کن.»

بخش اول. مقالات / بهار یک دانشگاه بزرگ است □ ۷۱

پس تا دیر نشده دست به کار شویم و با همه آنهایی که در زمستان عمر قهر بودیم آشتی کنیم و دید و بازدید عید را ولیمه و سور این آشتی کنان قرار دهیم که در غیر این صورت دیر یا زود با آتشی دیدار خواهیم کرد که وجودمان را همچون هیزم در قهر خود که نتیجه همان قهر با دوستان و بستگان است؛ خواهد سوزاند.

بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان عجل الله فرجه است*

اشاره

ما منتظریم و انتظار تو یعنی بر قله ایستادن، یعنی تاریخ را از سرگردانی در کوچه های بیهودگی بازداشتن، یعنی رشته اتصالی که کتاب زندگی تاریخ را شیرازه می بندد و تاریخ زندگی آمدگان و رفتگان و آیندگان را مربوط و مفهوم می کند. حجت الاسلام مجتبی کلباسی، مدیر مرکز تخصصی مهدویت قم با نگاهی نو و لطیف، بهار طبیعت و بهار مهدویت را مقایسه کرده است؛ بهاری که ابتدا باید در دل همامان نسیم آن را حس کنیم. بد نیست ویژگی های جامعه مهدوی و شرایط زندگی در بهار با طراوت حکومت حضرت را با هم مرور کنیم.

حکومت مهدوی و فصلی نو

«بهار فصل نو شدن، انتظار و خواستن است. ظهور امام زمان عجل الله فرجه مانند بهار احیاگر دل های مرده و تجلی بخش انسانیت است. در قرآن کریم نیز از ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه به احیا شدن تعبیر شده است. بهار چون ظهور حضرت بقیت الله عجل الله فرجه پیامدهای گوناگونی دارد و حیات و رویش و زندگی جدید در آن احیا، پیدا می شود. نوروز، روزی نو برای آسمان و زمین و ساکنان آن است. روزی است که کشتی نوح پس از تلاطم و سختی بسیار به آرامش رسید.

*. گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی.

نوروز روز خلاصی حضرت ابراهیم از آتش نمرودیان است و روز دوستی با خداست...».

به گفته مدیر مرکز تخصصی مهدویت، دوره مهدویت، دوره تجدید حیات بشری با تمام ابعاد متصور و مطرح برای آن است. در عصر حاضر، بشر در شرایط زمستانی به سر می‌برد. ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها سراسر جهان را فرا گرفته و قدرت‌های استعماری پنجه خود را بر مسایل مهم مربوط به بشریت گشوده‌اند و ما در حال حاضر شاهد وضع ناهنجاری بر جامعه انسانی هستیم و هنگامی که این زمستان به اوج خود برسد، در ورای آن شرایطی جدید و فصلی نو ظهور پیدا می‌کند. منتظران و معتقدان مهدویت، این فصل جدید را بهار جامعه مهدوی و حکومت ناب مهدوی می‌نامند.

رو به خورشید شویم!

وی معتقد است: «نوروز، روزی عادی، کوتاه، موقت و گذرا است و برای نهادینه کردن و پایداری این روز باید به دعای تحویل سال عمل کرد. ویژگی نوروز اعتدال و هماهنگی است و این هماهنگی موجب ایجاد نشاط در طبیعت شده است و این اعتدال است که ممکن است نوروز را به روز ظهور تبدیل کند. احسن الحال در زندگی می‌تواند به اعتدال و نظم با پشتوانه معنویت منجر شود. اگر بین معنویت و دنیویت و جسم و روح و ابعاد مختلف زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی اعتدال برقرار شود، احسن الحال در انسان محقق می‌شود. در چنین شرایطی اگر نوروز بتواند آغاز ظهور باشد ما به عنوان یاران حضرت باید آماده باشیم. در حالی که باران بهاری می‌بارد و ایام زیبا و همیشه بهار برای همیشه حضور دارند، در این شرایط وجود گل‌های هماهنگ

و رو به خورشید کم است. اگر انسان به معنای دعای تحویل سال به دقت نگاه کند و آرزوی احسن الحالی به معنای عدل خواهی داشته باشد و عدل را اول در خود و روابط اجتماعی محقق کند، نوروز می‌تواند برای او عید واقعی باشد.»

جامعه مرده، جامعه جاهل

وی تأکید دارد: «در انقلاب امام زمان عج مردم به شکوفایی عقلی می‌رسند و در روایات تعبیر شده است که حضرت دست معنویشان را بر سر انسان‌ها می‌گذارند و آنها را به کمال عقلی می‌رسانند. در روایات داریم که بشر با همه رشدی که در زمینه عقلی داشته پیش از ظهور به دو حرف از الفبای علوم دست پیدا می‌کند و بعد از ظهور در ۲۷ مرحله به تکامل علمی می‌رسد. از سوی دیگر بشر هنگام ظهور به امنیت کامل می‌رسد و فصل تجاوزها و ظلم‌ها و ستم‌ها سپری می‌شود و بشر در تناسبات خود احساس امنیت می‌کند. عدالت فراگیر در همه بخش‌های زندگی یکی دیگر از آثار ظهور است. همان طور که قرآن کریم از بهار تعبیر به زنده شدن می‌کند از عدالت نیز چنین تعبیری دارد؛ به عبارتی قرآن، جامعه‌ای را که در تناسب و ارتباطش عدالت را رعایت نمی‌کند، جامعه‌ای مرده دانسته است.»

هماهنگی آسمان و زمین

«در روایاتی که در باب مهدویت انعکاس داده‌اند، جامعه مهدوی و حکومت عدل امام مهدی عج را دوره هماهنگی همه اجزای حیات آن از زمین تا آسمان توصیف کرده‌اند. در دوران حکومت حضرت مهدی عج آسمان

نعمت‌های خود را فرو می‌ریزد و زمین با کمال پذیرش، این نعمت‌ها را جذب می‌کند و در مسیر رشد، حیات و طراوت انسان‌ها قرار می‌دهد. جامعه مهدوی، جامعه‌ای است که در تمام ابعاد مادی و معنوی، ظرفیت‌های خود را به کار می‌گیرد و هماهنگ با یکدیگر برای تکمیل هم، بی‌بدیل‌ترین شرایط عدل را می‌گستراند. در جامعه مهدوی، درون و برون انسانی، مرز جامعه با کلیات جامعه، انسان با محیط زیست و همه اجزای آن در یک مسیر هماهنگ و تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند».

انسان‌هایی که خیال می‌کنند زنده‌اند!

یکی دیگر از آثار ظهور امام زمان علیه السلام هدایت و راهیابی انسان‌ها از بالقوه بودن به بالفعل شدن است؛ این عبارتی است که حجت الاسلام کلباسی به آن اشاره می‌کند و در ادامه می‌گوید: «همان طور که قرآن از بهار تعبیر به زنده شدن می‌کند از هدایت نیز تعبیر به زنده شدن شده است. قرآن کریم می‌فرماید هر کسی مرده‌ای را زنده کند گویا همه بشر را زنده کرده است... که مراد از زنده کردن هدایت کردن است. انسانی که هدایت نشده باشد، مرده است». در عصر ظهور، ملت‌ها و افراد مسالمت‌آمیز در صلح کامل با یکدیگر زندگی می‌کنند. مشکلی که انسان در طول تاریخ به آن دچار بوده و حالتی که پیوسته از آن رنج می‌برده، اختلاف مرزی، شخصی، نژادی، خانوادگی، قومی و سیاسی است که در زمان ظهور این اختلاف‌ها برچیده می‌شود و بشر به حیاتی نوین دست پیدا می‌کند و زندگی مسالمت‌آمیز را تجربه می‌کند. در زمان ظهور به جای حاکمیت شاهان، شهوت و غضب و تمایلات و هوس‌ها؛ خدا و عدالت حقیقی بر انسان حاکم می‌شود و همان طور که بهار،

نماد نوین زیستن و زنده شدن است، زمان ظهور نیز زمان شکوفایی، رویش‌ها و حیاتی نوین است».

بهار واقعی هستی

مدیر مرکز تخصصی مهدویت در ادامه به نقش امام زمان علیه السلام در هدایت انسان‌ها در دوره حکومت عدل مهدوی نیز اشاره کرد و گفت: «در روایتی از امام زمان علیه السلام به عنوان بهار واقعی هستی یاد شده است و این تشبیه انسان را به مفاهیم والایی متوجه می‌کند. در واقع حضرت حجت علیه السلام احیاگر جان‌های مرده است. همان طور که بهار موجب احیای طبیعت می‌شود، امام نیز جامعه را که در اثر ظلم و فساد مرده است، احیا و جامعه فاسد را به جامعه صالح تبدیل می‌کند، دل‌های انسان‌های فرسوده و جاهل را با دانایی زنده می‌کند. ضمن اینکه روز ظهور امام زمان علیه السلام سرآغاز سرازیری نعمت‌ها و برکات و رحمت‌های خاص و ویژه الهی است. انسان‌ها همواره در طول تاریخ از نعمت‌های الهی برخوردار می‌شوند، اما گاهی به دلیل کم‌کاری‌های خودشان، از برخی برکات الهی بی‌بهره می‌مانند که ظهور امام، آغاز سرازیری همه این نعمت‌ها است؛ همان طور که بهار شاهد سرازیری شکوفه‌های الهی هستیم».

وی اضافه کرد: «همچنین ظهور امام زمان علیه السلام جشن انسانیت است، انسان‌ها در آن دوران لباس واقعی بصیرت، انسانیت و معنویت می‌پوشند؛ این در حالی است که جشن واقعی انسانیت در این دوران شکل می‌گیرد و با ظهور امام انسانیت، انسان کامل متجلی می‌شود».

بالاخره کی زمان ظهور فرا می رسد؟

«بهار وجود امام زمان علیه السلام بعد از سختی‌ها و فتنه‌ها ظهور می‌کند. آن حضرت زمانی ظهور می‌کند که بسیاری از انسان‌ها و مستضعفان و انسان‌های مؤمن از ظلم‌ها و فتنه‌ها و پلیدی در رنج و عذاب و سختی باشند و پس از آن سختی، امام می‌آید و آرامش و آسایش و زندگی زیبا را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد؛ همان‌طور که بهار نیز پس از سختی‌ها و سرما و تاریکی‌ها پدیدار می‌شود».

به گفته حجت الاسلام والمسلمین کلباسی، فرا رسیدن بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان علیه السلام است. پس از ظهور امام علیه السلام تغییر و تحولات دیگر زودگذر نیست، بلکه قلب و احوال و دانایی و بصیرت انسان‌ها دگرگون می‌شود و معنای واقعی دعای سال تحویل در زمان ظهور امام زمان علیه السلام تحقق می‌یابد.

«باید بدانیم ظهور امام زمان علیه السلام موجب خشنودی و رضایت همگان است؛ فرشتگان و آسمانیان پس از ظهور به حال انسان‌ها غبطه می‌خورند و انسان‌ها به وجود امام زمان علیه السلام افتخار می‌کنند، همان‌طور که با فرارسیدن بهار خشنود می‌شوند؛ در واقع حضرت، مایه انبساط خاطر همگان از هر نژاد و قوم و آیینی می‌شود و نارضایتی فقط مربوط به شیطان و شیطان پرستان است».

طعم شیرین رفاه و امنیت

«مردم در عصر ظهور همه خوبی‌ها را به شکلی آشکار مشاهده می‌کنند. در روایات آمده که در عصر ظهور عدالت وارد خانه‌های مردم می‌شود و همان‌طور که ورود سرما و گرما را به خانه‌های خود لمس می‌کنند؛ طعم امنیت و

آسایش و رفاه را می‌چشند.

امام زمان علیه السلام عابدترین، حکیم‌ترین و عالم‌ترین انسان در کره زمین است. آن حضرت، طاووس اهل بهشت و به طریق اولی برترین موجود است، همان طور که بهار زیباترین فصل است».

در روایات آمده که جهان بعد از قیام مهدی علیه السلام پر از عدل می‌شود و اگر می‌خواهیم نمونه آن را در عالم مادیات به صورت بالفعل ببینیم، می‌توانیم به بهار بنگریم. حجت الاسلام کلباسی با بیان این نکته ادامه می‌دهد: «هنگام بهار، همه جا پر از حیات و سرزندگی، دنیا متحول و دگرگون می‌شود و طبیعت طراوت پیدا می‌کند. در جامعه مهدوی نیز همه جا پر از عدل و حیات و رشد می‌شود. در جامعه مهدوی، علوم مادی و معنوی مسیر واحدی را طی و همدیگر را تکمیل می‌کنند، همچنان که همه اجزای طبیعت در فصل بهار نقش تکمیل‌کنندگی یکدیگر را پیدا می‌کنند. عدالت مهدوی، عدالت در یک بعد یا عدالت صرفاً اجتماعی نیست، بلکه عدالت درونی و نهفته در ذات انسان و ارتباط تعامل یافته قوای انسانی است».

نسیم روح بخش بهاری...

به گفته مدیر مرکز تخصصی مهدویت؛ با آمدن بهار، باران فراوان، غرش رودها و جوشش چشمه‌ها و نهرها را شاهد هستیم و باید عنوان کرد که حضرت مهدی علیه السلام خود ابر باران خیز و چشمه جوشان است. در جلد یک کتاب ارزشمند کافی در صفحه ۱۹۸ حدیثی به این مضمون نگارش شده است:

«امام ابر بارنده، باران پیاپی، آسمان سایه افکن، زمین گسترده، چشمه

بخش اول. مقالات / بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان علیه السلام است □ ۷۹

جوشان بر که و گلزار است». مهدی علیه السلام هر جا قدم نهسد، به آن سرسبزی و نشاط می‌بخشد و در هر منزلی اقامت گزیند، آنجا را خرم و باطراوت می‌کند. در همین زمینه در کتاب روزگار رهایی آمده است: «امام مهدی علیه السلام در هیچ مکانی اقامت نمی‌کند، جز آنکه از مقدم او چشمه‌ها می‌جوشد. پس گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب می‌کند...».

در حدیثی از امام علی علیه السلام نقل شده است:

هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند، آسمان باران خویش را فرو می‌فرستد و زمین گیاهان خویش را بیرون می‌فرستد و... تا جایی که اگر زنی از عراق تا شام برود پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد... و ترسی برایش نخواهد بود.^۱

سلام بر مهدی، بهار بشریت

حجت الاسلام کلباسی در ادامه توضیحات خود با اشاره به فرآزی از زیارت‌نامه حضرت مهدی علیه السلام ادامه می‌دهد: «در این زیارت‌نامه می‌خوانیم «السلام علی الربیع الانام»: سلام بر مهدی، بهار بشریت. البته در خصوص معنی کلمه بهار و بشریت، معانی و توضیحات دیگری نیز عنوان شده است. «طریحی» در کتاب مجمع البحرین، ربیع را باران بهاری عنوان می‌کند. بارانی که زمین را سرشار از نعمت و طراوت می‌کند و به گیاهان زندگی تازه می‌دهد. طریحی در خصوص واژه انام نیز، آن را تمامی مخلوقات معنا می‌کند. به نظر وی انام، تنها شامل انسان‌ها نیست و معنای گسترده تری دارد و جن

۱. تحف العقول، ص ۱۱۵.

و انس و تمام موجودات را در بر می‌گیرد و حتی همه هستی در کل کائنات و نظام آفرینش را شامل می‌شود. در زیارت‌نامه حضرت مهدی علیه السلام حضرت صاحب الامر به باران بهاری که ثمربخشی بسیاری دارد، تشبیه می‌شود. نور ملکوتی و جلوه ایزدی پروردگار مثل بهار نشاط می‌آورد و قلب‌های پژمرده را که به واسطه گناه افسرده شده‌اند، نشاط و شادابی می‌بخشد. برای همین هر پدیده‌ای که بخواهد زنده شود و شادابی معنوی و کمال و بصیرتش را کسب کند، می‌تواند از وجود امام عصر علیه السلام بهره ببرد و بهار، فصل روی آوردن به آستان مبارک امام مهدی علیه السلام است.

درختکاری برای وقف امام زمان

سیزدهمین روز فروردین، به روز طبیعت نامیده شده است و روشن است که وجود درختان یکی از ارکان شادابی در طبیعت است. کاشت درخت از آن رو اهمیت دارد که یکی از آموزه‌های دینی و از توصیه‌های انبیاء و اولیاء الهی بوده و خودشان نیز به آن اشتغال داشته‌اند. به طوری که همه انبیای الهی به گونه‌ای در عصر خویش، در ایجاد باغ و بستان و حفظ آن کوشا بوده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه به زراعت می‌پرداخت.»

درختکاری دارای فوائد دنیوی و اخروی است. یکی از فوائد اخروی کاشت درخت، بهره‌مندی از پاداش تسبیحی است که درخت در برابر خداوند متعال انجام می‌دهد؛ چرا که درخت، موجود زنده‌ای است که لباس هستی پوشیده و هر آن چه که موجود می‌شود به تقدیس و تسبیح خداوند مهربان مشغول است. چنان که پروردگار عالم در قرآن کریم می‌فرماید: «و هیچ چیز نیست مگر اینکه به تسبیح و ستایش او مشغول است.»

علاوه بر این پاداش، کسی که درختی می‌کارد در واقع پا به عرصه روشنگری آیات الهی گذاشته است؛ چرا که درخت یکی از نشانه‌های عظمت الهی است و راه و دلیل روشنی است برای خداشناسی و تفکر و اندیشه در

قدرت و حکمت بی‌انتهای پروردگار. در یک کلام به حق می‌توان گفت: برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتریست معرفت‌کردگار از دیگر فوائد درخت، نقش مهم آن در تأمین غذای انسان‌ها و حتی حیوانات و همچنین تأثیر بسیار بالای آنها در حفظ طبیعت و محیط زندگی موجودات است.

علاوه بر این، باغ‌ها و بستان‌ها از لحاظ آرامش روحی و روانی تأثیر زیادی در زندگی انسان‌ها می‌گذارد. گشت و گذار در باغ‌ها آنقدر لذت‌بخش است که خداوند متعال در بسیاری از آیات مربوط به بهشت وجود آن را از نعمت‌ها و پاداش‌های بزرگ شمرده و بهشت خود را با عبارت‌هایی مثل: «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» توصیف کرده است. از سوی دیگر نیاز به تفریح در وجود هر انسانی نهفته است که باید این نیاز را برآورده کرد تا انسان در پیچ و خم زندگی، توان مقابله با سختی‌ها و مشکلات زندگی را از دست ندهد و هر از گاهی با تفریحات سالم - که استفاده از باغ از بهترین آنهاست - نیرویی دوباره بگیرد، لذا در فرهنگ اسلامی توصیه‌های گوناگونی نسبت به این امر شده است. از این رو بسیاری از مردم برای تفریح و استراحت به باغ‌ها و جنگل‌ها می‌روند.

اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که در همه جای کشور باغ و فضای مناسب برای تفریح همگان وجود ندارد و بسیاری از مردم نیز به علت پایین بودن توان مالی‌شان قادر به مسافرت و بهره‌مندی از لذت باغ و گشت و گذار در آن نیستند. سؤال اینجاست که چگونه می‌توان زمینه استفاده آنان را از این موهبت الهی فراهم کرد؟

پاسخ آن است که می‌شود با احیاء برخی از زمین‌های خشکی که در شهرها و یا اطراف آن است، آنجا را به باغ‌های زیبایی تبدیل کرد که امکان دسترسی و استفاده همه مردم از آرامش و لطافت طبیعت به وجود آید.

همچنین در هر شهری، افراد مستمند فراوانی هستند که ممکن است قادر به خرید میوه نیز نباشند که می‌توان با پرورش باغ‌های میوه علاوه بر فوائد گوناگونش، قدم‌های مؤثری در رابطه با اطعام مستمندان برداشت و حتی با این کار برای چندین نفر هم شغل و درآمد ایجاد کرد.

تصورش را بکنید که اگر کسی زمین بایری را با کاشت درخت احیا کند و آن را برای اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام زمان، حضرت حجت‌بن‌الحسن علیه السلام وقف نماید، چه پاداش عظیم و با دوامی از این کار می‌برد. به راستی درخت کاری و پرورش باغ و وقف نمودن آن از کارهای با ارزش اهل بیت علیهم السلام بوده که با دست مبارک خویش به انجام آن اقدام نموده‌اند؛ اگر ما پیرو آنها هستیم لازم است ما نیز به این کار مقدس توجه بیشتری بنماییم.

حسابش را بکنید، پاداش شریک شدن در تسبیح درختان، کاشتن و احیای آیه‌ای از نشانه‌های شناخت خداوند، تأسی به پیامبران و معصومین علیهم السلام، ایجاد محلی برای آرامش مردم و ایجاد مکانی برای همگان و مخصوصاً نیازمندان و اطعام فقرا و... آنقدر زیاد است که به شماره نمی‌آید. حال که این‌گونه است هر کدام از ما باید به اندازه توان خود در این راه قدم برداریم و برای دستیابی به این پاداش بزرگ کاری انجام دهیم.

حکومت مهدوی و بهار دل انگیز معنویت*

مقدمه

هر نظام سیاسی به منظور ایفای وظایف خود از فرایندهای ثلاثه (نهاد، تبدیل و خروجی) تشکیل می‌شود. مهمترین و ارزشمندترین بخش آن پیامدها و به اصطلاح خروجی آن است که کارآمدی و کارایی نظام در آن متجلی شده است. در تحلیل و ارزیابی سیستم دولت عدل گستر مهدوی و بررسی کارآمدی آن نظام جهانی، توجه به آثار و نتایج آن در ابعاد گوناگون ضروری به نظر می‌رسد. این نوشتار این امر را از منظر گسترش معنویت مورد بررسی اجمالی قرار داده است.

حضرت مهدی علیه السلام عامل تحقق دین الهی و نظام توحیدی است که انبیای عظام الهی برای برقراری آن آمدند و با نابودی مرزها و فاصله‌ها و هرگونه اختلاف طبقاتی، همه را زیر پرچم پرافتخار توحید گرد می‌آورد و پیرو یک آیین ساخته و در تمام نقاط عالم بانگ روح افزای «لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله» را طنین انداز می‌نماید.

رشد و تعالی و تکامل جامعه از جهات اخلاقی، دینی و فرهنگی، گسترش فضایل و گرایش به خیرات و تحقق معنویت و عقلانیت از ره‌آوردهای

*. زهرا سبحانی.

شکوهمند دولت مهر و عدل مهدی علیه السلام آخرین وصی رسول الله صلی الله علیه و آله است. بر این پایه و اساس هر آن چه شرّ و بدی و آلودگی است که منشأ و پیدایش آن‌ها به واسطه وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی است نابود و ردایلی مانند حرص و آز، طمع، کفر، فساد، دروغ از کره زمین محو می‌گردد. با ظهور امام عصر علیه السلام جهان غرق در نورانیت، قداست و طهارت گشته و آیین توحیدی و یکتاپرستی و اخلاق فراگیر می‌شود. در این روزگار انسان‌ها از تعالی روحی و تکامل عقلانی بهره‌مند شده و موانع و عوامل فساد و تباهی، ریشه‌کن می‌گردد.

آری، این عنایت ویژه خداوندی است که در آینده تاریخ و با تشکیل دولت فرهنگی مهدوی و دولت مستضعفان صالح یعنی ائمه طاهرین علیهم السلام و در سایه تربیت دینی مردم، اخلاق آنان تکامل یافته و خردهای ایشان شکوفا می‌شود و جامعه آلوده قبل از ظهور، به مدینه فاضله اسلامی تبدیل می‌گردد:

إذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و کملت به احلامهم؛^۱ وقتی قائم ما قیام کند، دست [عنایت خود را] را بر سر بندگان می‌نهد و بدین وسیله عقل آنان زیاد شده و فهمشان بالا می‌رود (کامل می‌گردد).

پیداست که هرگاه فرهنگ جامعه از هر جهت سالم و اخلاقی باشد، کوچک‌ترین اثری از ظلم، فساد، تباهی و تبعیض نخواهد بود و کاستی‌های جامعه از نظر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... از میان خواهد رفت. مردم گرفتار مشکلات گوناگون چون هواپرستی، جنگ و خون‌ریزی، کفر و الحاد و غیره

نخواهند شد و سعادت حقیقی خود را در عبودیت و عبادت؛ یعنی همان فلسفه اصلی خلقت که تقرّب به خداوند متعال است خواهند دید. برخی از آثار و نتایج چنین رویکردی عبارت‌اند از:

الف) نورانیت و پاکی جهان

یکی از برکات حکومت مهدی نورانیت جهانی است و این مطلب در سخنان معصومین یادآوری شده است.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «یظهر الله به الارض؛ خداوند به وسیله [مهدی] زمین را پاک می‌سازد».^۱ همچنین امام علی علیه السلام فرمود:

إذا قام اشرفت الارض بنور ربها و استغنی العباد من ضوء الشمس؛ آن گاه که قائم علیه السلام قیام نماید، زمین به نور پروردگار، روشن می‌شود و بندگان به نور خورشید، نیازی نخواهند داشت.^۲

ب) عبادت و عبودیت

با تکامل عقول و علم و گسترش فرهنگ و ارتقای سطح معرفتی انسان‌ها مردم به عبادت رو می‌آورند و در مسیر عبودیت خدای رحمان گام بر می‌دارند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فلایبقی فی الارض معبود من دون الله عزوجل، من صنم، [و]

۱. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۶۴.

وثن] و غیره الا وقعت فيه نار فاحترق؛^۱ غیر از خدای عزوجل هر معبودی که بر روی زمین باقی باشد، اعم از بت های بی جثّه با صورت و با جثّه بی صورت و جز آن آتش گرفته و بسوزد.

و در همین رابطه حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:
«اذا قام القائم لم یعبد الا الله عزوجل؛^۲ زمانی که قائم علیه السلام قیام می کند، جز خدا را عبادت نمی کنند».

ج) کمال اخلاقی مردم

در عصر درخشان حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام آلودگی های اخلاقی از جامعه رخت بر می بندد و طبق فرموده امام صادق علیه السلام: «در زمین خدای تعالی معصیت نشود و حدود الهی در میان خلق اقامه گردد».^۳
امام علی علیه السلام نیز فرمود:

روی زمین کافری باقی نمی ماند، مگر این که ایمان می آورد
و شخص ناشایستی نمی ماند جز این که به صلاح و تقوا
می گراید.^۴

و: «زنا و شراب خواری و ربا از میان می رود».^۵

۱. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲. تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۶۹.

۳. کمال الدّین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۰.

۴. الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۵. عقد الدرر، ص ۲۱۱.

د) جلب رضایت و دوستی مردم جهان

حکومت فرهنگی و ارزشی امام مهدی عجله الله تعالی فرجه حکومت بر دل و جان مردم و سیاست محبت و تألیف قلوب است نه با ضرب و نیزه و شمشیر و ارباب و سرکوب. دولت عدالت گسترش برای تأمین منافع فردی و گروهی کار نمی‌کند و خواسته‌های مادی هم ندارد؛ بلکه برای تحقق حاکمیت دین خدا و خدمت به مؤمنان و صالحان و ذلت ظالمان زراندوز و ستم پیشه، تلاش می‌کند. از این رو تمامی امکانات و منابع مادی و معنوی را در اختیار آنان قرار داده و در راه رشد و تعالی ایشان کوشش می‌کند. در سایه این اقدام، عموم مردم جهان به آرزو و خواسته خود می‌رسند و عاشق و دوستدار پیشوای عادل و عالم خود گشته و از حکومت و فرمانروایی حضرت خردسند می‌گردند؛ «در خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا راضی و خشنودند»^۱ و «آسمانیان و زمینیان شادمان می‌گردند».^۲

همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر از عمر جهان به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را چندان دراز کند تا مردی از خاندان من خروج کند و زمین را همان گونه که از ستم و بیداد لب ریز شده باشد از عدالت و داد لب ریز سازد.^۳

هنگامه پر برکت ظهور و قیام نورانی مهدی عجله الله تعالی فرجه با بسته شدن طومار ستم و صحنه ظلمت و برقراری عدالت کامل، حیات حقیقی به تمامی آشکار می

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۸۶.

۲. عقد الدرر، ص ۱۴۷.

۳. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶.

گردد و بدین ترتیب بهار دل انگیز زمین فرا می‌رسد. «این همان بهار دل انگیزی است که هستی به دنبال زمستان طولانی به انتظارش نشسته است تا با قدم خویش، تاریخ تاریک بشر را به مدار نور و روشنایی بازگرداند و هر آن چه نماد مرگ معنوی زمین است به زیر کشد»^۱.

بهار عالمیان و خرمی روزگاران *

بی تو هر بهاری خزان است و با تو هر فصلی بهار. با تو هر دل غمدیده ای شاد است و بی تو هر سعادت‌مندی غمگین. کجا باید تو را جستجو کنم؛ ای معنا بخش هستی و قوام بخش گیتی! ای خلاصه همه خوبی‌ها^۱ و خط بطلان بر همه نامردمی‌ها!^۲ ای خورشید حقیقت و ماه تابان!^۳ ای آخرین ذخیره خدا!^۴

بهار پیوندی است دوباره با سرآغاز حیات و جوشش. بار دیگر زندگی و بالندگی. و این خود تلنگری است چند باره در آغاز هر سال، برای حرکتی دوباره در مسیر کمال. الگویی است برای تغییر از زندگی مرده به حیاتی پرتلاش، که محصول آن را به زودی درو خواهیم نمود.

نماد سرسبزی بیرونی است که نشاط و سرزندگی درونی را در پی خواهد داشت.

*. محمد مهدی یاوری.

۱. «الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَوْصِيَاءِ» (بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۸۳).
۲. «يَمَلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا» (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۲).
۳. «السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَ بَدْرِ التَّمَامِ» (بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱).
۴. «السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ» (همان).

او که بیاید همیشه بهار خواهد بود؛ فصل رویش و بالندگی. دست خویش را بر سر مردمان خواهد کشید و عقل‌ها را صد افزون خواهد نمود. زمین ذخایر خویش را سخاوتمندانه عرضه خواهد کرد و آسمان باران رحمتش را بی دریغ هدیه خواهد نمود. ظلم و بی عدالتی از زمین برچیده شده، عدالت، امنیت و دین برقرار خواهد شد.

به جای هوای نفس، علم قرآن حاکم گشته و به جای خود خواهی، مردم به خداخواهی روی خواهند آورد. دریچه‌های علم مفید به روی مردم گشوده خواهد شد؛ همان علمی که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شهر آن بود و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام دروازه آن. زنان و دختران به جای بازیچه هوسهای مردان بودن، به کرامت و بزرگی انسانی خویش خواهند رسید. رهزنان فرهنگی خلع سلاح شده و اخلاق و کرامت انسانی جایگزین رذالت خواهد شد.

ثروت‌های جامعه فزونی یافته و به عدالت و مساوات بین آحاد مردم تقسیم خواهد شد؛ به گونه‌ای که دیگر نیازمند و فقیری باقی نخواهد ماند. کینه و دشمنی از میان مردم رفته و رفاقت و مدارا جریان خواهد یافت. ظالمان و زورگویان را به زیر کشیده و مستضعفان را حاکم و وارث زمین خواهد ساخت.^۱

این حیات واقعی و بهار جاودانی است. باید در این بهار و هر بهار، بار دیگر به حیات اندیشید. باید زندگی را دوباره شناخت و راه را دوباره دید و با تو ای رهبر! عهدی دوباره بست. از جنس نور و باران؛ از جنس روشنایی و طراوت؛ از جنس حرکت و تلاش.

۱. در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام رسیده است: «ما در نوروز انتظار فرج را داریم»؛ (بهار/انوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸).

خدایا این نوروز را نوروز موعود شیعه قرار ده. آمین

وقتی نوروز، ناگهانی می آید!*

به نیمه‌های اسفند که می‌رسیم همه‌چیز رنگ تحول می‌گیرد و گویی اتفاق تازه‌ای در شرف وقوع است. قرار است همه چیز به پایان برسد و زمانه تمام شود. همه جا صحبت از تسویه حساب است. بعضی‌ها کم آورده‌اند، بعضی‌ها اضافی و بعضی دیگر منتظر امدادها و کمک‌های خارج از برنامه نشسته‌اند. زمان سریع‌تر از حالت عادی سپری می‌شود. روزها، زمستانی‌تر از قبل، کوتاه و کوتاه می‌شوند. تغییرات جدی به نظر می‌رسند. کارها باید به اتمام برسند. از اضافی آنها صرف نظر می‌شود و اگر نتوان آنها را به سامان رساند، باید تعطیل کرد تا روز و روزگاری دیگر از راه برسد. خیابان‌ها و اجتماعات شلوغ شده است و همه از یک سو به سوی دیگر در حرکتند. بعضی تازه به فکر افتاده‌اند و بعضی دیگر تازه از راه رسیده‌اند و خلاصه همه‌چیز یک جور دیگر است. حتی دنیای درون آدم‌ها هم به هم ریخته است و اصلاً این همه این در و آن در زدن ریشه در بلبشویی دارد که در درون آدم‌ها به راه افتاده است. هرچند ساعت یک‌بار آدم‌ها می‌ایستند و از خود می‌پرسند که دیگر چه کاری باید انجام دهند و چقدر زمان دارند. تازه وقتی حساب کارها و دوروبری‌ها را صاف کنی، به خودت می‌آیی و سراغ خودت را می‌گیری؛ از سر و وضع و

*. یاسر آیین.

لباس‌هایت گرفته تا غم‌ها و آرزوهایت. گوشه‌ای می‌نشینی و چشمانت راه می‌کشند. یاد فروردین و اردیبهشت و خرداد می‌کنی و بعد سراغ تابستانی که گذشت را می‌گیری و همین‌طور تا اسفند جلو می‌آیی؛ کارهایی را که کرده‌ای و آنهایی که می‌خواستی انجام دهی اما نشد. لازم نیست که حتماً کسی را از دست داده باشی یا اتفاق بدی را تجربه کرده باشی، همین که یک سال گذشت و تو در پایان آن ایستاده‌ای، احساس خاصی دارد و دلت بی‌خودی بی‌تاب می‌شود. آسمان هم این روزها غوغا می‌کند. اصلاً در صبح‌های روزهای آخر اسفند، همه‌چیز و همه‌کس، همه گل‌ها و گیاه‌های تازه سبز شده، همه جوانه‌های تازه سر زده و حتی آجرها و آسفالت‌ها و آنتن‌های روی پشت‌بام‌ها جور دیگری با آدم حرف می‌زنند تا این تغییر و تحول نه فقط دادوستد آدم‌ها و درون آنها، که تمام هستی تو را در بر بگیرد.

نوروز است دیگر. اگر نجومی هم نگاه کنی، هنگامه انقلاب در سیر زمین و خورشید است و این یعنی آنکه طبیعت نیز به پایان خود نزدیک می‌شود. هنگامه‌ای است که تغییرات بیشتر از هر زمان دیگر احساس می‌شوند. چرتکه بیاندازی، این روزها هم مثل روزهای دیگر تقویم هستند، اما این حس و حالی که الان وجود دارد، در هیچ روز و ساعتی پیدا نمی‌شود. همه آدم‌ها در طول سال - کوچک و بزرگ - می‌دانند که نوروز می‌رسد و سال به پایان آن می‌رسد و همه چیز نو می‌شود، اما انگار هیچ‌کس باور نکرده است. تنها گوشه ذهن آدم‌ها به نوروز رسیده است و باقی وجود آنها درگیر روزمرگی‌ها و بده‌بستان‌های جاری زندگی است. اما وقتی به اسفند می‌رسییم ماجرا جدی می‌شود. آنچه همه می‌دانستند و می‌گفتند، نزدیک می‌شود و عن‌قرب واقع

می‌شود. از اینجاست که آن همه رفت و آمد و های وهوی پیدا می‌شود و هر که را ببینی، به کاری مشغول است.

مسئله این است که همه می‌دانستند نوروز می‌رسد، اما هیچ‌گاه آن را باور نکرده بودند و با آن نزیسته بودند و از این رو هیچ وقت حس و حال روزهای پایان اسفند را تجربه نمی‌کردند. نوروز برای اکثر آدم‌ها یک اتفاق خارج از برنامه و فوق‌العاده است که می‌دانند می‌رسد، اما دلیلی برای استقبال از آن در طول سال ندارند و تنها وقتی صدای پای آمدنش به گوش رسید، تازه از خواب برمی‌خیزند و دست‌به‌کار می‌شوند. اما مسئله برای همه این‌طور نیست. عده‌ای، اگرچه کم، هستند که از فروردین فکر نوروز را برداشته‌اند و تحویل سال از هم‌اکنون در برنامه‌ریزی و طرح‌بندی‌های آنان حضور دارد. آنها کارهایشان را با نوروز تنظیم می‌کنند و از هم‌اکنون در فکر حساب و کتاب پایان سال به سر می‌برند. قبول دارم، تعدادشان کم است، اما تا بوده همین بوده که راه‌های موفقیت، باریک و کم مشتری باشد.

باز می‌گردیم و دوباره حساب می‌کنیم. نوروز از راه می‌رسد. این یعنی این که طبیعت به پایان یک مرحله از زندگی خود نزدیک می‌شود و آماده مردن و رستاخیز دیگری است. این یعنی اینکه جامعه انسانی به منزل نهایی خود رسیده و همه روابط و تعاملات آدم‌ها بر محوریت این تغییر، شکل می‌گیرد و این یعنی اینکه هر انسان، پایان دیگری را تجربه می‌کند و در انتظار شروع دیگری به سر می‌برد.

اولی ما را به یاد قیامت می‌اندازد؛ بساط همه چیز جمع می‌شود و هستی درهم پیچیده می‌شود تا رستاخیز محقق گردد. دومی ما را به ظهور پیوند می‌دهد؛ بساط زیست ظالمانه و تاریک اجتماع انسانی در طول تاریخ از میان

برچیده می شود تا نور به دالان تاریخ جریان یابد. و سومی بانگ سفر را در قافله وجود ما به صدا درمی آورد تا ترک این خانه و قصد آن خانه کنیم.

اکنون مسئله این است که ما چه نسبتی با این تحولات داریم و اینها چقدر در زندگی ما مؤثرند و این تأثیر چگونه است؟ آیا همان طور که نوروز برای اکثر مردم ناگهانی از راه می رسد و به اتفاقی اگرچه محتمل و حتی قطعی در ذهن، اما بیگانه در عمل تبدیل شده است؛ ما نیز مرگ، ظهور و قیامت را دور می پنداریم و تنها در گوشه های ذهن خود میزبان آنها هستیم یا آنکه وضعیت به گونه دیگری است؟ مرگ، ظهور و قیامت که می توان از همه آنها به یوم الموعود تعبیر کرد، در زندگی ما چه حضوری دارند؟ آیا یوم الموعود تنها آن هنگام که فرا برسد مهم می شود یا آنکه در برنامه ریزی و طرح بندی امروز ما برای زندگی، نقش دارد؟ چگونه می توان از این ور و آن ور زدن ها و هیاهوها و سرگشتگی های یوم الموعود به دور بود و در آن بی نصیب ماند؟ آنها که با طلوع آفتاب از خواب برمی خیزند فرصتی برای نماز ندارند، آیا نباید پیش از طلوع آفتاب یوم الموعود به نماز ایستاد و خورشید را به انتظار ماند؟

تعطیلات نوروز فرصت مناسبی است تا پاسخ مناسبی برای این پرسش ها به دست آوریم.

دید و بازدید عید و ذکر امام زمان علیه السلام *

روز نوروز است سرو گلغذار من کجاست؟
درچمن یاران همه جمعند یار من کجاست؟
مونسیم جز آه و یارب نیست شبها تا به روز
آه و یارب مونس شبهای تار من کجاست؟
نیست یک ساعت قرار، این جان بی آرام را
یا رب آن آرام جان بی قرار من کجاست؟
سوخت از درد جدایی دل به امید وصال
مرهم داغ دل امیدوار من کجاست؟!

طلیعه

اکنون که در آستانه فصل بهار و مراسم ویژه عید نوروز هستیم و فرصتی پیدا شده تا سنت حسنه صله ارحام و مجالس دید و بازدید، با شور و حال خاصی برپا شود، چه زیبا و بجاست که این مجالس را با ذکر فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نورانی و با نقل حتی یک آیه یا حدیث و یا داستان مربوط به امام عصر علیه السلام، جمع خود و لوح دل را سرشار از معنویت کرده و توجه آن حجت‌های الهی را به خویش معطوف کنیم و در زمره

*. فیض الله خشجان.

منتظران حقیقی آن حضرت ﷺ قرار بگیریم. علاوه بر اینکه با این کار، جلوی هرگونه گناه و بیهوده‌گویی و بطالت عمر گرانمایه نیز گرفته خواهد شد.

سابقه طولانی ذکر فضایل اهل بیت ﷺ

گفتگو از فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ سابقه‌ای بس طولانی دارد و پیشینه آن به تاریخ اسلام و اولین روزهای بعثت پیامبر خدا ﷺ باز می‌گردد؛ اگر چه جستجوی ریشه‌های ذکر فضایل و مناقب این خاندان مطهر ﷺ در بستری به وسعت تاریخ بشریت، نه تنها ادعای گزافی نیست، که حقیقی است غیر قابل انکار، و احادیث و روایات، شاهد و دلیل واضحی است بر این مطلب که در خلال مباحث پیش‌رو به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم، اما بازگو کردن خوبی‌ها در قالب محافل و مجالس رسمی و غیررسمی و به شکل سینه به سینه یا تألیف کتاب‌ها و نوشتن مقالات، به صورت سیره‌ای مستمر و سنتی حسنه، از دوران باشکوه تشکیل حکومت اسلامی توسط رسول اکرم ﷺ و زمان عظمت و اقتدار مسلمین، شروع شده و تا زمان ما برقرار بوده است و از این پس هم ان شاء الله ادامه خواهد یافت. این فضایل - که غالباً از ناحیه مقدسه نبی اعظم ﷺ صادر شده‌اند - دلیل محکمی بر عنایت ویژه آن حضرت بر این گونه مباحث و مطالب است.

علت گفتگو از فضایل و مناقب اهل بیت ﷺ

شاید اولین پرسشی که در این زمینه ایجاد می‌شود این است که چرا باید در مجالس از فضایل و معارف مربوط به اهل بیت ﷺ گفتگو کنیم؟ در پاسخ این سؤال، گفتنی‌ها بسیار و روایات، بی‌شمار است؛ لکن در این نوشتار به بعضی از

مهم‌ترین روایات وارده در این مبحث اشاره می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام به یکی از یارانشان به نام فضیل فرمودند: «آیا دور هم می‌نشینید و حدیث ما را برای یکدیگر بازگو می‌کنید؟» گفتیم: آری فدایت شوم. حضرت فرمودند: «من این‌گونه مجالس را دوست دارم، پس با برپایی این مجالس، امر (ولایت) ما را زنده کنید. خدا رحمت کند هر آن کس را که امر (ولایت) ما را زنده می‌کند. ای فضیل! هر کس که ما را یاد کند یا ذکر و یاد ما نزد او به میان آید و به اندازه بال پشه‌ای، اشک از چشم او خارج شود، خداوند گناهانش را - ولو به اندازه شن‌های کف دریاها باشد - می‌آمرزد.»^۱

از این روایت زیبا چهار مطلب استفاده می‌شود:

- برقراری مجالس فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام مورد توجه و عنایت حضرات معصومین علیهم السلام است.

- این‌گونه محافل، باعث زنده شدن و زنده ماندن نام و یاد اهل بیت علیهم السلام می‌شود.

- افراد حاضر در این جلسات، مشمول دعای حضرات معصومین علیهم السلام و رحمت حضرت حق تعالی قرار می‌گیرند.

- حضور در این مجالس، موجب آمرزش گناهان است.

نکته مهم دیگر، این است که وقتی افراد، در این محافل و مجالس شرکت می‌کنند، در اثر گفت و شنود فضایل ائمه معصومین، با کمالات نفسانی و ویژگی‌های خدایی ایشان آشنا شده و به آنان معرفت پیدا می‌کنند و با پیدایش

زمینه‌های معرفت، عشق و محبت هم ایجاد می‌شود که کسب این محبت، بر هر مسلمانی واجب است؛ چنانکه خداوند از پیامبر خود خواسته است که به مردم بگوید: «در قبال زحمات رسالت و هدایت، از شما اجر و مزدی جز محبت به اهل بیت نمی‌خواهم».^۱ و در این فضای نورانی سراسر محبت و عشق است که زمینه‌های تعلیم و تعلم معارف و آموزه‌های دینی فراهم می‌شود؛ چنانکه در فرازهای پایانی زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «بموالاتکم علّمنا الله معالم دیننا؛ با دوستی و محبت شماست که خداوند آموزه‌های دین را به ما می‌آموزد».

یکی دیگر از اثرات تشکیل جلسات فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام)، دور کردن و جریحه‌دار نمودن ابلیس است. امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) می‌فرماید:

هیچ چیز برای شیطان و لشکرش، کشنده‌تر از این نیست که عده‌ای که در راه خدا با هم پیمان برادری بسته‌اند، همدیگر را زیارت کنند. به درستی که وقتی دو نفر مؤمن یکدیگر را ملاقات، و خدا را یاد می‌کنند و فضایل ما اهل بیت را می‌گویند، پاره‌های گوشت از صورت شیطان کنده می‌شود و می‌ریزد و او از شدت درد، فریادش بلند می‌شود. پس در این حال، ملائکه آسمان و مأموران بهشت، با شنیدن صدای ناله او، وی را لعن می‌کنند تا جایی که هر ملک مقربی او را لعن گوید. سپس او در حالی که افسوس می‌خورد، مانند سگی که او را دور کرده باشند، می‌رود.^۲

۱. شوری (۴۲)، ۲۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۷.

رؤیایی صادق

علامه سید احمد مستنبط رحمته الله این غواص دریای فضایل اهل بیت علیهم السلام - که کتاب دو جلدی اش، به نام «قطره‌ای از دریای مناقب اهل بیت علیهم السلام» از شاهکارهای این موضوع به حساب می‌آید - پس از نوشتن جلد اول از این کتاب، خواب دید که فوت کرده و سرش در دامان مادرش حضرت زهرا علیها السلام است. از این حالت - که نشان از مقام بلند و بزرگی رتبه‌اش دارد - متعجب شد و پیش خود فکر کرد که در اثر چه کاری به این مقام بالا دست یافتیم؟ به محض آمدن این سؤال در ذهنش، حضرت صدیقه کبری علیها السلام به او چنین الهام فرمودند که: «این پاداش کسی است که کتاب «القطره» را تألیف کرده است»^۱.

پایان این نوشتار روایتی است که ابن عباس از وجود نازنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است. ایشان فرمودند:

خداوند، این خلق را عذاب نمی‌کند مگر به واسطه گناه علمایی که فضایل حقه علی علیه السلام و عترت پاکش علیهم السلام را کتمان می‌کنند. به درستی که بعد از پیامبران و رسولان الهی علیهم السلام هیچ کس با فضیلت‌تر از شیعیان و دوستان علی علیه السلام بر روی زمین راه نمی‌رود، آنانی که امر آن حضرت را آشکار می‌کنند و فضایلش را انتشار می‌دهند. رحمت خدا ایشان را در

۱. *القطره من بحار مناقب النبی والعترة*، سید احمد مستنبط، ج ۱، ص ۱۵.

برگرفته و فرشتگان برایشان طلب آمرزش می‌کنند.^۱
چنین احادیث قابل توجهی، ما را به یادآوری فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم‌السلام) -
که امام زمان (علیه‌السلام) نیز از جمله آنهاست - تشویق می‌کنند. چه نیکوست که
این محبت درونی را به بیرون از خود تراوش داده و همگان را با نام و یاد و
معارف آن غایب همیشه حاضر، آشنا کرده و به ایشان، متوجه سازیم.
ای که می‌پرسی ز من، کان ماه را منزل کجاست
منزل او در دل است، اما ندانم دل کجاست

مهدی موعود، بهار دل‌ها و جان‌ها*

زندگی، شیرین است و با عمری پربرکت و طولانی و با عافیت و سلامتی، شیرین تر؛ «طبیعت»، زیباست و با بهاری خرمی بخش، روح‌افزا و مهر گستر زیباتر؛ «جامعه» شکوهمند است و با حاکمیت عدالت، مساوات، صلح و حق طلبی شکوهمندتر؛ «حیات بشری»، دوست داشتنی است و با آرایه‌های اخلاق انسانی، خردورزی و دین داری، دوست داشتنی تر و...؛ اما افسوس که مرگ و نابودی همواره در کمین اینها است!!

زندگی دنیوی با «قطع روح» از بدن به پایان می‌رسد؛ طبیعت در آغوش «پاییز و زمستان» سرد و بی‌روح می‌شود، جامعه به فساد و انحطاط دچار می‌گردد و حیات بشری، حالت حیوانی به خود گرفته و در مصیبت دل‌مردگی و قساوت، ظلمانی و سیه پوش می‌شود!! پس مرگ و میرایی، سراغ همه می‌آید و هشدار تلخ برای همگان است!!

مرگ قلب و جامعه‌ها

«مرگ» در لغت به معنای از دست رفتن قدرت و توان چیزی است. بدین جهت عرب در موارد خاموشی آتش و از کار افتادن زمین از قابلیت کشت و زرع، و حتی در مورد خواب انسان، کلمه «موت» (مرگ) را به کار می‌برد.

*. دکتر رحیم کارگر.

چون در همه اینها یک قدر مشترکی وجود دارد و آن اینکه قابلیت‌ها و توان‌ها از میان می‌رود.^۱

در قرآن علاوه بر قبض روح انسان‌ها، برای بت‌های فاقد حرکت و جنبش و یا زمین بایر و فاقد سبزه و درخت نیز از این لفظ (موت) استفاده شده است.^۲ پس جهان طبیعت با فرا رسیدن پاییز و زمستان دچار مرگ موقت می‌شود و در بهار زنده می‌گردد.

غالباً مرگ را به جسم و تن نسبت می‌دهند (زمانی که رابطه روح از آن گسسته می‌شود)؛ ولی از نظر قرآن، آن انسانی که از نظر تفکر و تعقل در درجه بسیار پایین باشد، زنده نما است: «تو ای پیامبر! مردگان و کران را نمی‌توانی بشنوانی، آن گاه که بر تو پشت کنند و از پذیرش حق سرباز زنند».^۳

قلب انسان نیز اگر دارای قساوت و ظلمت باشد، مرده‌ای بیش نیست و این زمانی است که پی در پی مرتکب گناهان شده و نه تنها از آن‌ها احساس ندامت نمی‌کند؛ بلکه آن را پیروزی می‌داند و خشنود می‌شود! شیطان قلب آنان را اشغال کرده و فرشتگان مقرب الهی را از آنجا خارج کرده است! قرآن می‌فرماید: «وای بر کسانی که قلوبشان از یاد خدا قساوت یافته است! چنین افرادی در ضلالت آشکار هستند».^۴

۱. مقائیس اللغه، ح ۵، ص ۲۸۳.

۲. تفسیر منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۱۰.

۳. نمل (۲۷)، ۸۰.

۴. زمر (۳۹)، ۲۲.

«قلوب آن‌ها قساوت یافته و شیطان کردار زشت را در نظرشان زیبا نموده است.»^۱ این مرگ اخلاقی انسان است که او را از درون تهی نموده و به صورت حیوانی درمی‌آورد. برای جوامع نیز مانند انسان‌ها برگ و حیات قابل تصور است؛ یعنی، همان طور که یک فرد به دلیل اینکه حرکت و پویایی دارد، پس زنده است و سپس می‌میرد؛ جامعه و امت نیز واحدی است زنده که گرفتار مرگ و نابودی می‌شود. یعنی مانند انسان رشد می‌کند؛ سپس فرتوت شده و می‌میرد.

قرآن می‌فرماید: «برای عمر هر امتی پایانی است؛ هر گاه پایان عمرشان فرا رسد، نه لحظه‌ای تأخیر می‌کنند و نه لحظه‌ای زودتر فانی می‌گردند.»^۲

قرآن ستمگری و سرکشی و خروج از خط عدالت و دادگری را مایه هلاکت و نابودی امت‌ها می‌داند؛ بر عکس صلاح و تقوا و درستکاری را مایه بقای دولت و ملت می‌اندیشد. ظلم و تعدی در میان ملل از نقطه کوچکی شروع می‌شود و به مرور زمان به پایه‌ای می‌رسد که انفجار به دنبال می‌آورد:^۳

«هرگز پروردگار تو، نابود کننده ملت‌ها از طریق ظلم نیست، در حالی که آن ملت‌ها در راه صلاح و پاکی گام بر می‌دارند.»^۴

اما اگر جوامع و ملت‌ها در طریق پاکی و درستی قرار نگیرند، نابودی و مرگشان حتمی است: «آن جوامع را چون ستم کردند، نابودشان کردیم و برای

۱. انعام (۶)، ۴۳.

۲. اعراف (۷)، ۳ و ۴.

۳. منشور جاوید، ج ۱، ص ۳۵۶.

۴. هود (۱۱)، ۱۱۷.

نابودی آنها موعودی مقرر داشتیم»^۱.

البته جامعه‌ای که آکنده از فساد، ستمگری، هرج و مرج، الحاد و بی‌دینی، شهوت‌رانی و ضلالت باشد، مرده متحرکی بیش نیست و تنها راه نجات آن یا نابودی است، یا اصلاح کامل.

سوگواره دل‌ها و جامعه‌ها

بر اساس روایات در عصر پیش از ظهور، هنگامه مرگ بسیاری از دل‌ها، جان‌ها و جامعه‌ها است و تنها یک احیاگر بزرگ و طیب الهی می‌تواند آنها را از مرگ برهاند و چشم روشنی مصلحان و منتظران واقعی گردد. بعضی از ویژگی‌های میرایی^۲ در این دوران (آخرالزمان) به شرح زیر است:

۱. مرگ قلوب

آمده است «هنگامی که مردم بر روی دل‌های درنده خوی خود جامه می‌پوشند، دل‌های آن‌ها از مردار گندیده‌تر و از خار، تلخ‌تر است» و «دل مردار قساوت می‌گیرد و همانند بدنش می‌میرد». «دل‌ها را قساوت می‌گیرد، دیده‌ها خشک می‌شود و تلاوت قرآن بر زبان‌ها سخت می‌گردد».

۲. مرگ حق و عدالت

«رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجَوْرَ قَدْ شَمَلَ الْبِلَادَ؛^۳ حق،

۱. کُهِف (۱۸)، ۵۹.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۶ - ۲۶۰.

۳. کافی، ج ۸، ص ۳۶.

مرده و اهل حق رخت بر بسته است... جور و ستم همه شهرها را فرا گرفته است.» و «دل‌ها را قساوت می‌گیرد و زمین پر از ستم می‌شود.» «كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ^۱ ستم و تباهی فراوان و منکر آشکار می‌شود.» و «بعد موتها بجزر أئمة الضلال^۲ زمین با جور و ستم پیشوایان ظالم و گمراه می‌میرد.»

۳. مرگ جوامع

«بعد موتها بکفر اهلها؛ زمین با کفر اهل آن می‌میرد.» و «رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ مَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفُسَادِ؛^۳ کافران ... از مشاهده فساد و تباهی جهان در پوست نمی‌گنجند.» «فاسق‌ترین مردمان بر آنان حکومت می‌کند و پست‌ترین مردم، پیشوایان می‌شود. اشرار از ترس شرارت مورد احترام می‌باشند و غنا و موسیقی علنی می‌گردد. هر ملتی، ملت-های پیش را لعن می‌کنند.»^۴

۴. مرگ انسانیت

«شیطان در نسوج بدنشان شرکت جسته، با خونشان آمیخته و همراه خون، در شریان‌هایشان حرکت می‌کند. همواره انسان‌ها را به تهمت و افترا تشویق می‌کند تا فتنه‌ها افق شهرها را فرا گیرد...» و «وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا،

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۰.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۵.

۳. کافی، ج ۸، ص ۳۸.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۴۸.

وَ سَلَّطِينُهُ سِبَاعًا، وَ أَوْسَاطُهُ أَكْثَالًا، وَ فُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا؛^۱ اهل آن زمان گرگ شده و پادشاهان آن‌ها درنده و مردم متوسط آنها خورنده و بینوایان آنها چون مردگان افسرده باشند».

«زمانی بر امت من می‌آید که در آن زمان درون آنها پلید می‌شود؛ ولی ظواهر آن‌ها به طمع دنیا آراسته می‌گردد».

۵. مرگ ایمان و دین‌داری

«قُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ؛^۲ دل‌ها از ایمان تهی می‌گردد و مؤمن در میان آنان به هر گونه ذلت و خواری دچار می‌شود». و «سَيَخْرُجُونَ أَقْوَامًا مِنْ دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛^۳ مردم از دین خدا دسته دسته بیرون می‌روند آن چنان که دسته دسته به آن داخل شده‌اند». و «اهل زمانه دگرگون می‌شوند ... دل‌ها را شک و تردید فرا می‌گیرد. رشته دین از گردن آن‌ها خارج می‌شود و پیوند آن‌ها با دین قطع می‌گردد».^۴

۶. مرگ اخلاق

«إِضَاعَةَ الصَّلَاةِ وَ اتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ؛^۵ نمازها تباه می‌شود (و انسان‌ها) به دنبال شهوت‌ها رفته و از هوای نفس پیروی می‌کنند». و «دَبَّ الْكِبْرُ فِي

۱. بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۲۳۹.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۶۲.

۳. همان، ج ۲۴، ص ۲۱۹.

۴. همان، ج ۵۱، ص ۲۲۰.

۵. همان، ج ۶، ص ۳۰۵.

بخش اول. مقالات / مهدی موعود، بهار دل‌ها و جان‌ها □ ۱۰۹

الْقُلُوبَ كَدَيْبِ السَّمِّ فِي الْأَبْدَانِ؛^۱ خودپرستی در اعماق دل‌ها، نفوذ کرده آن سان که سمومات در بدن‌ها نفوذ می‌کند [و باعث مرگ می‌شود]. «راستی و درستی، کمیاب و نادر می‌شود و دروغ همه جا را فرا می‌گیرد» و... .

۷. مرگ جاهلی (مرگ عقلی و دانایی)

در آن زمان گمراهی زیاد و هدایت کم می‌شود و «يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ؛ زمانی ظاهر می‌شود که علم [واقعی] رخت بر می‌بندد و نادانی ظاهر می‌شود».^۲ و «أَخَذَ الْبَاطِلُ مَاخِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآكِبَهُ...؛ پا بر جا می‌شود و جهالت بر سریر قدرت می‌نشیند و زنگ باطل پس از یک دوره سکوت به صدا در می‌آید. مردم برای کارهای ناشایست دست برادری به یکدیگر می‌دهند».^۳

بشارت بهار

با آمدن «بهار»، طبیعت بی‌جان و مرده، حیات دوباره می‌یابد و روح طراوت و خرمی بر آن دمیده می‌شود. با آمدن بهار، اشک شوق از چشمه‌ها و رودها جاری می‌شود و دشت و صحرا با صدها رنگ زینت می‌یابد. موج سبز حیات از هر روزن خاک دریایی می‌شود و سرود خوش‌آهنگ هستی، در دشت و چمن به گوش می‌رسد. خواب از چشمان خمار درخت‌ها و گیاهان زوده می‌شود و با عطر شکوفه و شوق نسیم، خاطره سرما و خزان فراموش می‌گردد. قلب

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۶۲.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۷۰.

۳. همان، ۳۴، ص ۲۳۹.

دردمند پرندگان با رویش جوانه‌ها تسکین می‌یابد و آزرده‌گی خاطر پروانه‌های مهجور و محبوس، با طنازی گل بر طرف می‌شود. گل خنده، بر سیمای ابرها و بادها، نشانده می‌شود و با ترانه‌های باران و قطرات شبنم، هر وجودی به شمع در می‌آید. حریر سبز طبیعت، پرده بر منظره غم بار دل مردگی‌ها می‌کشد و شکوه دوباره زندگی، رویش، شکوفایی، اعتدال و سرزنده بودن را به نمایش در می‌آورد.

امام مهدی نیز بهار «انسان‌ها و جامعه‌ها»، «دل‌ها و دین‌ها» و «اندیشه‌ها و خرده‌ها» است. وجود بشر و اجتماع، از او حیات دوباره می‌گیرد و رونقی بسزا در جهان می‌افتد. با آمدن او حتی طبیعت نیز نه یک بهار؛ بلکه هزاران بهار را در یک آن می‌بیند. دگرگونی شگفت‌آوری در زمین و زمان مشاهده می‌شود: «نور» سراسر گیتی را فرا می‌گیرد؛ «عدل» بر سریر عزت و عظمت می‌نشیند؛ «عقل» شکوفاتر از گل‌ها می‌شود؛ «دین» ، احیا شده و رونق می‌گیرد؛ «جامعه» اصلاح و پاکسازی می‌گردد؛ «انسان» لباس کرامت و معنویت می‌پوشد؛ «حق» بر کرسی حکومت و سیاست باز می‌گردد؛ «کمال» در سر منزل مقصود بشر قرار می‌گیرد؛ «هدایت» چو خورشید فروزان بر جان‌ها می‌تابد؛ «بصیرت» هنر فرزاندگی و برازندگی می‌شود؛ «صلح» آرامش خاطر هر جنبنده‌ای را فراهم می‌سازد؛ «ایمان» انسان‌ها را محبوب خالق می‌کند؛ «اخلاق» برکات آسمان و زمین را جلب می‌کند و

احیاگر بزرگ

امام مهدی علیه السلام اندوخته خداوند برای احیاگری و حیات بخشی، هدایت‌گری و نورافشانی، رشد و بالندگی و تکامل و تعالی است. کار او کیمیاگری است؛

چون انسان‌ها را از صورت حیوانی خارج می‌کند و به سیرت انسانی و الهی باز می‌گرداند. او فطرت‌های خاموش را با نور بصیرت و هدایت روش می‌سازد و دل‌های قسی و مرده را با روح اخلاق و تربیت، احیا می‌کند. او کار نیمه تمام همه پیامبران و صالحان را در تکمیل مکارم اخلاقی، با برپا داشت قسط و عدالت، گسترش ایمان و معنویت و نجات انسان از مرگ جاهلی به پایان می‌رساند و کاری می‌کند کارستان... او همه را زنده و احیا می‌کند و نور طراوت، سرزندگی و حیات معنوی و اخلاقی را به جهان می‌افشاند، زندگی واقعی و انسانی، فقط در سایه وجود امام زمان عجله الله تعالی فرجه قابل دسترسی است.

۱. احیای جامعه مرده

«فَيَحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ»^۱ و خداوند [زمین] را به دست قائم زنده و احیا می‌گرداند؛ بعد از آنکه زمین با کفر ساکنانش مرده باشد».

۲. احیای دل و عقل

«چون قائم قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می‌رساند».^۲ و «شیوه پیامبر خدا را در پیش می‌گیرد و شما را از کوری، کری و گنگی [باطنی] نجات می‌دهد».^۳ و «يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غُفْلًا»^۴ قلعه‌های گمراهی و دل‌های قفل شده و

۱. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۶۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۶-۷۱۴.

۳. کافی، ج ۸، ص ۶۶.

۴. بیایع الموده، ج ۲، ص ۵۸۱ و ۵۲۳.

بسته را باز می‌کند».

۳. احیای مکارم اخلاقی

«يُصْلِحَ أُمَّةً بَعْدَ فَسَادِهَا؛^۱ او این امت را پس از آنکه فاسد (تباه) شده‌اند، اصلاح می‌کند و شر از بین می‌رود و خیر باقی می‌ماند». و «زنا و شراب‌خواری و ربا ریشه‌کن می‌شود. مردم به عبادت و دستورات شرع روی می‌آورند. عمرها دراز و امانت‌ها برگردانده می‌شوند».^۲

۴. احیای آموزه‌های دینی

«يَهْدِي مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أُمَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛^۳ مهدی بر طبق شیوه رسول خدا رفتار می‌کند و آنچه از نشانه‌های گذشته باشد، از میان می‌برد، همان گونه که پیامبر ﷺ نشانه‌های جاهلیت را از بین برد. پس از ریشه کن ساختن بدعت‌ها، اسلام را از نو پیاده می‌کند». و «فَيُعْلِي أَمْرَ اللَّهِ وَ يَظْهَرُ دِينَ اللَّهِ؛^۴ امر خداوند را برتری می‌دهد و دین الهی را ظاهر می‌سازد».

۵. احیای کتاب و سنت

«هنگامی که قائم خروج کند، امر تازه، کتاب تازه، رویش تازه و داوری تازه

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۹، ح ۴.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۳۰، ح ۱۳.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

باخود آورد...^۱ «به خدا سوگند! گویی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می‌بینم که از مردم برای امری تازه، و حکومت آسمانی تازه بیعت می‌گیرد».^۲

۶. احیای جهان ظلمانی

«چون قائم قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد و مردم همگی بی‌نیاز می‌شوند»^۳ و «زمین را از عدل، قسط، نور و برهان آکنده می‌سازد».^۴ و «خداوند به دست او، [انسان‌ها را] از نابودی و تباهی نجات می‌دهد و به وسیله او از ضلالت و گمراهی [به راه راست] هدایت می‌کند».^۵

۷. احیای بندگی و عبودیت

«دل‌های بندگان را پر از عبادت می‌کند و عدلش فراگیر می‌شود».^۶ و ... «هنگامی که قائم ما قیام کند، جز خدای تبارک و تعالی پرستیده نمی‌شود».^۷

۸. احیای طریق طهارت

«تطیب الدنيا و اهلها فی ایام دولته»^۸ دنیا و مردم آن در دوران حکومت

۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۵.

۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۱.

۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۱.

۵. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۱.

۶. غیبت طوسی، ص ۱۷۹.

۷. منتخب الاثر، ص ۵۸۷.

۸. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۹۳.

مهدی عجل الله فرجه پاک و پاکیزه می‌شوند». و «لَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ الْأَذْنِينَ؛^۱ پستی‌ها را بر روی زمین باقی نمی‌گذارد». و «لَيَطَهَّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍّ وَ لَيَعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ؛^۲ زمین را از هر فریب کاری و پلیدی پاک می‌سازد و به عدالت رفتار می‌کند».

۹. احیای خیرات و برکات

« یكثر الخیر والبرکات؛^۳ فتنه‌ها و ناامنی از بین می‌رود و [به جهت وجود او] نیکی‌ها و برکات فزونی می‌یابد». و «تخرج الارض برکتها...؛^۴ زمین پر برکت می‌شود و امت من در عصر او، چنان زندگی [خوبی] دارند که در هیچ زمانی چنین نبوده است».

۱۰. احیای آیین دادگری

«فَيَحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَتَحْيَا الْأَرْضُ وَ يَحْيَا أَهْلُهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ؛^۵ خداوند زمین را به دست قائم زنده می‌کند؛ پس او در آن عدالت می‌ورزد. پس زمین زنده می‌شود و مردم آن حیاتی نوین می‌یابند، بعد از مرگشان». و «زمین را آکنده از عدل و داد می‌کند؛ همان گونه که از جور و ستم پر شده بود».^۶

۱. منتخب الاثر، ص ۵۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۳. منتخب الاثر، ص ۵۷۸.

۴. كنز العمال، ج ۱۴، ح ۳۸۷۰۱.

۵. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۵ ح ۳۹.

۶. غیبت نعمانی، ص ۱۸۹، ح ۶۴.

بخش اول. مقالات / مهدی موعود، بهار دل‌ها و جان‌ها □ ۱۱۵

« يَرْيَكُمُ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِۃِ؛^۱ به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل [و حکومت عادلانه] چگونه است».

و این زندگی زیبا دیگر با بدی‌ها نابود نخواهد شد و قساوت و پلیدی بر او سایه نخواهد گستردانید.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

نوروز، نه کهنه روز!*

اشاره

عید نوروز از جمله اعیاد کهن ایرانیان است که حرف‌های ضدّ و نقیض زیادی درباره آن بیان شده است. عید نوروز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و با شکوه‌ترین اعیاد در بین مردم کشور ما و برخی از کشورهای همسایه مطرح می‌باشد. وجود احادیث بسیار در این خصوص از سویی و ذکر اعمالی از قبیل استحباب غسل، روزه، نماز در این روز و نام‌گذاری این روز به نام اهل بیت (علیهم‌السلام) از سویی دیگر، نگارنده را به نگارش این مقاله ترغیب نموده است.

نوروز در آینه روایات

نقل شده است که به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) پالوده هدیه دادند. فرمود: «این، به چه مناسبت است؟» گفتند: «به مناسبت نوروز». فرمود: «اگر قدر بدانید، پس هر روزی، نوروز است».^۱ روایات دیگری هم در این خصوص داریم که نشان می‌دهد در آن زمان، بسیاری از مردم، برای امام علی (علیه‌السلام) هدیه نوروزی می‌بردند و آن حضرت نیز قبول می‌کردند. هدیه‌ها غالباً عبارت بودند از شکر، پالوده، سمنو و گاه لباس‌های گران‌بهای زرباف که در ظرف‌هایی از نقره می‌گذاشتند و به خدمت آن حضرت می‌بردند.

*. علی نجفی.

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۶.

هم چنین معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

همانا نوروز، همان روزی است که در غدیر خم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردم برای علی علیه السلام عهد گرفت. پس مردم به ولایت او اقرار کردند، پس خوشا به حال کسی که به عهد خود ثابت قدم ماند و وای به حال کسی که آن را بشکند. و آن، همان روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام را به سوی وادی جن روانه کرد و از آنها عهد و پیمان گرفت. و آن، همان روزی است که حضرت علی علیه السلام بر اهل نهروان غالب شد و ذوالثدیه را کشت. و آن، همان روزی است که قائم ما اهل بیت علیهم السلام و صاحب امر، ظاهر خواهد شد و خداوند متعال، او را بر دجال غلبه خواهد داد؛ پس آن حضرت، دجال را بر کناسه کوفه به دار خواهد کشید و هیچ نوروزی نیست مگر آن که ما در آن، انتظار فرج را داریم: برای این که نوروز از ایام ماست. ایرانیان آن را حفظ کرده اند، و شما (عربها) آن را ضایع کرده اید. پس پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل از خداوند خواست قومی را زنده کند که به جهت ترس از مرگ، از خانه هایشان بیرون رفتند و آنها هزاران نفر بودند و خداوند، همه آنها را میراند. پس خداوند به آن پیامبر، وحی کرد که در گورهای آنها آب بریزید. پس در همین روز در گورهای آنها آب ریختند و همه آنها زنده شدند و حال این که آنها سی هزار نفر بودند، پس آب ریختن در آن روز، سنت قدیمی گردید؛ اما هیچ

کس علت آن را نمی‌داند مگر راسخان در علم و آن روز، اولین روز از سال ایرانیان است.^۱

معلی بن خنیس نیز نقل کرده است: در بامداد روز نوروز بر ابی عبدالله وارد شدم پس (حضرت) فرمودند: «ای معلی آیا این روز را می‌شناسی؟» گفتم: «نه. ولی می‌دانم روزی است که ایرانیان از آن تجلیل می‌کنند و در آن به همدیگر تبریک گفته و دعای خیر می‌کنند». فرمود: «قسم به خانه کهن(کعبه) - که در دل مکه است، تجلیل این روز نیست مگر برای یک امر قدیمی که آن را برای تو تفسیر می‌کنم؛ تا این که از آن مطلع شوی». پس گفتم: «اگر این علمی را که نزد شماست فرا گیرم، برای من دوست داشتنی‌تر است از این که تا ابد زندگی کنم. خداوند، دشمنان شما را نابود کند». ایشان فرمود: «ای معلی، روز نوروز همان روزی است که خداوند در آن از بندگانش عهد گرفت که او را عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک او ندانند و این که به رسولان و انبیا و اولیایش ایمان بیاورند. و آن، اولین روزی است که خورشید، در آن طلوع کرد و بادهای باردار کننده، در آن وزیدند و گل‌ها و شکوفه‌های زمین، آفریده شدند. و آن، روزی است که کشتی نوح علیه السلام بر کوه جودی قرار گرفت. و آن روزی است که در آن، قومی که از ترس مرگ از خانه‌های خود خارج شده بودند و هزاران نفر بودند و خداوند، آنها را میرانده بود، در این روز زنده شدند. و آن، روزی است که جبرئیل بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردید. و آن، روزی است که ابراهیم علیه السلام بت‌های قوم خود را شکست. و آن، روزی

۱. عوالی اللثالی، ج ۳، ص ۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۸.

است که رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین علیؑ را بر دوش خود سوار کرد تا بت‌های قریش را از بالای خانه خدا به پائین اندازد و آنها را خرد کند.^۱

مقصود از نوروز در روایات

در واقع، ائمه اطهارؑ نوروز را روزی می‌دانسته‌اند که خداوند، در آن، معبود و مسجود، و دین و امر او در آن، ظاهر و غالب شده باشد. این معنا از احادیثی که از امیرالمؤمنین علیؑ روایت شده است، کاملاً به دست می‌آید؛ چنانکه آن حضرت فرمودند: «هر روز ما، نوروز است.»^۲ چون پیداست که ائمه اطهارؑ همواره به طاعت و پرستش خداوند مشغول بوده‌اند. و یا در حدیثی دیگر فرمودند: «هر چیزی را برای ما اختیار کنید؛ که در این صورت، هر روزتان نوروز است.»^۳ در حدیثی دیگر نیز آمده است: «اگر قدر بدانید، هر روز، نوروز است.»^۴ یعنی اگر معصیت خداوند را نکنید و قدر عمر خود را بدانید و هر روز، پیشرفتی داشته باشید، آن روزتان، نو و تازه است؛ اما اگر پیشرفت نداشته باشید و در جا بنزید، پیداست که این روز، همان روز گذشته است و در این صورت نه نوروز، که کهنه روز خواهد بود!

هم چنین امام علیؑ در کلامی گهربار فرمود: «هر روزی که در آن معصیت خدا نشود، عید است.»^۵

۱. همان.

۲. قال علیؑ: «نیروزنا کل یوم»؛ (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰).

۳. همان.

۴. همان.

۵. وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۸.

بنابراین از دیدگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) هر روزی که در آن، معصیت خداوند نشود، بلکه امر و دین خداوند، ظهور و تبلور داشته باشد، نوروز است و به همین خاطر، امام صادق (علیه السلام) در روایت معلی بن خنیس آن ایام را نوروز خواند، چون در غدیر خم، امر خداوند ظاهر و غالب شد و دین او کامل گشت؛ در جنگ نهروان نیز با پیروزی امام علی (علیه السلام) دین خدا، پیروز و به این سبب، خداوند، عبادت شد. روز نزول جبرئیل بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز به این خاطر نوروز است که سرآغاز توحید و عبادت خداوند و دوری از شرک و جهالت است. و بالأخره اگر روز ظهور حضرت مهدی (عج) نوروز نامیده می‌شود، به جهت پیروزی کامل دین و امر خداوند بر شرک و نفاق می‌باشد و به همین خاطر، روزی تازه و نو نامیده می‌شود؛ چون در آن روز، دنیا روزی تازه را شروع خواهد کرد. در تمام روزهایی که در حدیث ذکر شده، نوروز نامیده شدند، دنیا با اتفاقی مهم، روزی جدید و تازه را آغاز کرده است.

با این توضیح، شاید چنین به ذهن برسد که نوروز در احادیث، یک روز خاص از سال نمی‌باشد؛ اما تحقیق مطلب این است که هر چند در نظر ابتدایی، از این احادیث چنین مطلبی استفاده می‌شود؛ اما با توجه به سؤال و جواب راویان، به نظر می‌رسد که مقصود از نوروز، علاوه بر معنای بالا می‌تواند همان روز خاص باشد.

مثلا در همان حدیث معلی، وی می‌گوید: «در روز نوروز، بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم و امام سؤال کرد: آیا این روز را می‌شناسی؟...».

اساساً در بعضی از احادیث، تصریح شده است که آن نوروز، اول سال ایرانیان است. پیداست آن نوروزی که ایرانیان، از قدیم الایام آن را حفظ کرده‌اند، همان عید نوروز معروف و مشهور است.

مطلبی که از این احادیث استفاده می‌شود، این است که در طول اعصار مختلف و به دنبال وقوع تحولات بزرگ دینی و اجتماعی در زمان نوروز، روح و حیات تازه‌ای به آن بخشیده شده؛ به نحوی که به جهت آن تحولات، شایسته است که آن روز را نوروزی دیگر بنامیم.

شاید کسانی که جلوس «جمشید» به پادشاهی^۱ و یا ورود او به آذربایجان^۲ را علت پیدایش نوروز می‌دانند، همین مطلب را در نظر داشته‌اند؛ یعنی چون تجدید آئین ایزد پرستی - در روزگاری که صابئین، حتی پادشاه زمان خود را هم به پیروی از خود وادار کرده بودند - در نظر مردم، بسیار با اهمیت و بزرگ، جلوه کرد، آن روز را نوروز خواندند و همین امر باعث شد کسانی که اطلاع دقیقی از تاریخ پیدایش نوروز نداشتند، آن روز را نوروز بدانند؛ غافل از این که نوروز، از زمان حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام مطرح بوده است. در واقع، منظور از «نوروز» خواندن چنین ایامی، نه این بوده که آنها این واقعه را منشأ پیدایش نوروز بدانند، بلکه فقط خواسته‌اند اهمیت و عظمت آن روز را بیان و معرفی کنند.

بنابراین با کمی دقت به این نتیجه می‌رسیم که احادیث ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، به افراد و جزئیات زندگی روزمره آنها نظری ندارند، بلکه به تحولات اجتماعی و سیاسی

۱. بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۴۱؛ المحاسن و الاضداد، ص ۲۷.

۲. التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، ص ۲۵۳.

- که به تمام انسان‌ها و عقاید آنها مربوط شوند - نظر دارند و نوروز را از این حیث، تعریف و تفسیر می‌کنند. ایشان می‌خواهند ما را متوجه علت واقعی نوروز کنند و آن، این که اگر ائمه علیهم‌السلام نوروز را نوروز می‌خوانند، به جهت وقایع و تحولات بزرگی چون غدیر و ظهور امام زمان علیه‌السلام در چنین روزی است و همین تحولات عظیم، باعث بزرگی و عظمت این روز شده است.

بنابراین با اطمینان کامل می‌توانیم بگوئیم که احادیث، نوروز را به عنوان روزی خاص از سال - که همان اول سال ایرانیان باشد - به روزی که امر دین و قدرت خداوند در میان مردم و جامعه، ظهور و تبلور یافته تفسیر نموده‌اند.^۱

۱. این مقاله به جهت تخصصی بودن برخی مطالب آن و مخاطبین عام مجله با مقداری تلخیص تقدیم خوانندگان گرامی شده است.

نوروز و عهد با امام زمان *

بهار، آهسته در راه است و نوروز می‌آید و فصل سرد زمستان پایان می‌پذیرد.

با آمدن بهار درختان و گل‌های سرد و مرده جوانه می‌زنند و لباسی زیبا و نو به تن می‌پوشند که بعضی از آنها لباس خود را با شکوفه‌های معطر زینت می‌دهند و بوی عطر و سبزه فضا را نشاط انگیز می‌گرداند و عید نوروز و طبیعت می‌آید.

بسیاری قبل از نوروز و قبل از تحویل سال با آداب ویژه‌ای به استقبال نوروز می‌روند، به نظافت و شستشو می‌پردازند و خود را از آلودگیها می‌زدایند. لباس کهنه و قدیمی را از تن خارج ساخته و لباس نو و جدید به تن می‌کنند و به این شکل با طبیعت همگام شده و همراه با تحول طبیعت در خود نیز تحول ایجاد می‌کنند.

عید از ماده «عود» گرفته شده و به معنی «بازگشت» می‌باشد. در لغت نامه‌ها آمده است که، عید یعنی بازگشت به وضعیت مطلوب گذشته و به روزهای سرور و شادی نیز عید گفته می‌شود.^۱

*. علی اصغر رضایی.

۱. مفردات راعب، ص ۳۶۳.

اعیاد اسلامی

در قرآن کریم می‌خوانیم: عیسی بن مریم عرض کرد: خداوند! از آسمان مائده‌ای برای ما بفرست تا برای اول و آخر ما عیدی باشد، و نشانه‌ای از تو و به ما روزی ده و تو بهترین روزی دهنده‌گانی.^۱

مرحوم میبیدی در کتاب کشف الاسرار خود می‌گوید:

عید، بدین سبب عید نامیده شد که خداوند متعال با رحمت خود به سوی بنده‌اش بر می‌گردد و بنده با فرمانبری به سوی پروردگارش باز می‌گردد. امام علی علیه السلام در مورد عید می‌فرماید: هر روزی که در آن نافرمانی خداوند نشود، آن روز عید است.^۲

در اسلام از چندین مناسبت به عنوان عید نام برده شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

در روز قیامت چهار روز است که از امتیاز خاصی برخوردارند و به طرف خدای متعال می‌روند همان گونه که عروس را به حجله می‌برند و آن روز عید فطر، عید قربان، عید جمعه، عید غدیر خم است اما عید غدیر نسبت به عید فطر، قربان و جمعه، نسبت ماه به ستارگان است.^۳

عید فطر

در عید سعید فطر مسلمانان پس از یک ماه روزه داری و شب زنده داری و عبادت و درک شبهای مبارک قدر، در حالی ماه مبارک رمضان را پشت سر

۱. مائده(۵)، ۱۱۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۴، ص ۳۲۳.

می‌گذارند که از گناهان پاک شده روز اول شوال را به عنوان عید فطر، یعنی بازگشت انسان به فطرت پاک خود نامگذاری شده است؛ چرا که همان طور که از ماه رمضان، خارج می‌شوند، از گناهان هم خارج می‌شوند.

عید قربان

در ماه ذیحجه، حاجی مسلمان وقتی می‌خواهد وارد حرم امن الهی شود از میقات، احرام می‌بندد و با پوشیدن لباس احرام تقوا و فرمانبرداری خداوند را به دوش می‌اندازد و لبیک می‌گوید و لباس گناه را از تن بیرون می‌آورد و پس از انجام یکسری عبادات در سرزمین منی در روز دهم ذیحجه با قربانی، دیو نفس را قربانی می‌کند و با سر تراشیدن غرور و خودخواهی را دور می‌ریزد و از گناهان و صفات رذیله و زشت خارج می‌گردد.

عید غدیر

یکی از اعیاد بزرگ ما مسلمانان است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ آن روز خداوند نعمتش را بر مسلمانان تمام کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: روز غدیر بالاترین عید امت من می‌باشد. در آن روز علی علیه السلام به جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منصوب شد و کشتی هدایت به مردم معرفی گردید.

عید نوروز

اسلام نوروز را نه به طور کلی رد نموده و نه به صورت کلی پذیرفته است، بلکه اسلام بخشی از کارهای نوروز مثل صلح رحم، نظافت، تقسیم شادی‌ها، تفریح و گردش، رفتن به زیارت قبور مطهر شهداء و گذشتگان و همچنین دعا کردن در حال تحویل سال و نماز خواندن را که موجب سعادت انسانها

می‌باشد، پذیرفته و به آن جهت شرعی و اسلامی می‌دهد. ولی از سوی دیگر، جهات منفی و خرافات آن را مانند سبزه پرت کردن در روز سبزه و نحس دانستن سبزه، سبزه گره زدن و از روی آتش پریدن را ممنوع نموده و باطل می‌داند.

آداب نوروز

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان می‌گوید: امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس که از یاران مخصوص خود می‌باشد فرمود: چون روز نوروز شود غسل کن، و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردان، و در آن روز روزه بدار. و سپس اعمال دیگری را ذکر می‌کند.

در برخی روایات آمده است: نوروز روزی است که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و هیچ نوروزی نیست که ما انتظار فرج را نداشته باشیم... .

یا آمده است: نوروز، روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم برای امیرمؤمنان علیه السلام در غدیر خم پیمان ولایت گرفت و مردم به ولایت او اقرار کردند خوش به حال کسی که بر آن پیمان ثابت بماند و وای بر کسی که آن عهد را بشکند. از سنت‌های ایرانی‌ها است که در عید نوروز به همدیگر عیدی و هدیه می‌دهند، اسلام هم به هدیه دادن سفارش کرده است و هدیه را باعث ایجاد محبت بین مسلمانان و خانواده‌ها و کار پسندیده‌ای می‌داند.

در روایتی آمده است: هدیه‌ای نوروزی برای حضرت علی علیه السلام آورده شد، حضرت پرسید: این چیست؟ گفتند: امروز نوروز است. علی علیه السلام فرمود: هر روز را برای ما نوروز سازید.^۱

ما هم شایسته است با انجام کارهایی که امام عصرمان حضرت مهدی علیه السلام را شاد می‌سازد، بهترین هدیه‌ها را خدمت ایشان بدهیم.

از دیگر آداب مردم در روز عید چیدن سفره هفت سین است که این سفره با چیدن ۷ چیز که اول آنها با «سین» شروع می‌شود انجام می‌گیرد.

سمنو، سرکه، سنجد، سماق، سبزه، سکه، سیر و در کنار آنها سر سفره قرآن نهاده می‌شود.

ما اگر چه این سنت را تأیید نمی‌کنیم اما می‌شود این سنت را چنین نورانی نمود:

۱. در قرآن ۷ سلام داریم که اول آنها با «سین» آغاز شده است:

سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ، سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ، سَلَامٌ عَلٰى اِلْيَاسِ بْنِ سَلَامٍ
قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيْمٍ، سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ، سَلَامٌ عَلٰى مُوسٰى وَ
هَارُوْنَ، سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ... .

در این آیات، بر انبیاء خدا و اهل بیت پیغمبر علیهم السلام و بهشتیان سلام فرستاده شده است. که در این میان مهدی آل پیامبر علیهم السلام هم قرار دارد. باید در لحظه تحویل سال، دل و جان را به یاد حضرت گره زد.

۱. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۲، باب ۸۸، حدیث ۱۴.

۲. هم زمان با تحویل سال افراد سر سفره‌ای که تزئین شده، مشغول تلاوت قرآن می‌شوند. باید در کنار سفره تزئین شده به نوعی انتظار قدوم ایشان را داشت و با سبزه‌ای که در سفره است، سبزی ایام ظهور را انتظار کشید. و در کنار خواندن قرآن، جان را به یاد قرآن ناطق (امام زمان علیه السلام) سپرد.

آری، نگاه به قرآن و آیات انسان را با نشاط می‌کند و امید را در دل انسان زنده می‌کند و چشم انسان را نورانی می‌کند و انسان را سرزنده می‌کند، همان طور هم نگاه به مهدی علیه السلام و ذکر مهدی علیه السلام و انتظار مهدی علیه السلام به انسان نشاط می‌دهد و امید را در دل‌های منتظران زنده می‌کند و به انسان نورانیت می‌بخشد و همان طور که قرآن از انبیاء گذشته نام می‌برد و به خوبی یاد می‌کند، یاد مهدی و نگاه به مهدی هم شباهت و صفات خوب انبیاء را در ذهن انسان تداعی می‌کند.

یاد مهدی یاد جمله انبیاء است چون که صد آمد نود هم پیش ماست
 ۳. بالاخره، در سر سفره هفت سین، مؤمنان به دعا و راز و نیاز می‌پردازند. در رأس دعاها سلامتی و ظهور امام زمان علیه السلام است، چرا که با ظهور آن بهار، بدی‌ها، چون برف سرد، نابود می‌گردد و شادی و شادمانی برای همه رخ می‌نماید.

۴. نوروز و عید را باید با عهد با امام و دوری از گناه، روزی نو و عیدی زیبا قرار داد.

آری، همان طور که طبیعت سر سبز و شاداب می‌شود و همه چیز نو می‌شود، امید در دل‌های منتظران امام زمان علیه السلام هم نو و سرسبز و شاداب

می‌گردد و عطر انتظار به فضای جان آنها سرسبزی و شادابی دوباره می‌بخشد و انتظار، جوانه می‌زند و نوروز طبیعت با نوروز انتظار عجین می‌شود و شکوفه‌های آن بیش از پیش شکوفا می‌شود و فضا را عطر آگین می‌کند و به این فراز از دعای تحویل سال که در روایات متعدد آمده است؛ «یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال» که بهترین حال، انتظار فرج آقا امام زمان - ارواحنا له الفدا- می‌باشد، ماهیت و مفهوم می‌بخشد.

ای عیدِ عاشقان به حقیقت جمال تو هر لحظه عیدی رسد از وصال تو
عید کسانِ غره‌شوال و عید من آن ساعتی بود که بینم جمال تو

بخش دوم. متن‌های ادبی

بهاریه *

السلام عيك يا بقیةالله؛ السلام عليك يا ربیع الانام و نضرة الايام
سلام بر بهار عالمیان و شادابی روزگاران و سلام بر نایب آن یادگار خدا،
حضرت امام خمینی علیه السلام که دم روح الهی اش بشارت طلوع بهار ظهور را
نزدیک ساخت و امر خروج حجت حق را آسان نمود.
خدایا! کی غم عشقت سر آیه؟ نهال آرزویم در بر آیه؟
تو گفتی: تا بهار دیگر آیم نشینم تا بهار دیگر آیه

« بهار عشق »

ای فدای آن نگار! لاله‌های بی شمار
با تو می‌گردد بهار، این خزان بی بهار!
بی تو، ما هیچ و تهی، معنی بودن تویی!
با تو آید در حساب، صفرهای بی شمار
لاله می‌سوزد به دشت، خون همی جوشد ز طشت
چشم شهلا شد سپید، شام تار انتظار
روی سیم انتظار، خسته دل نشسته‌اند
دسته دسته در غروب، صد پرستو بی قرار
تا دمد مهر تو از، پشت کهسار قرون
موی عالم شد سپید از غبار روزگار

*. ابوالفضل فیروزی.

چشمه‌ها خشکید و باغ، آه حسرت می‌کشد
ابر عالمگیر عشق‌ای بهار گل، بیار!
از نسیم موی تو، باغ خندان می‌شود
باز می‌خندد هزار، بر سر هر شاخسار
از پس خاکستر، سال‌های التهاب
باز گل خواهد نمود، آتش دیدار یار
می‌رود از خاطر، یاد شب‌های فراق
می‌رود از هر کتاب، واژه‌های انتظار
صور توفانزا بدم، آستین افشان دگر
ابرهای فتنه‌راه، کن زهستی تار و مار
وارث حیدر بیا! ملجاء مضطر بیا!
بر دل ظلمت بکش، آذرخش ذوالفقار!
صاحب قرآن تویی! معنی انسان تویی!
جان زهرا مادرت چشم از ما برندار!

باز کن پنجره را!

این عروس گل بخت بهار است که با دو صد هلهله و شور و صفا می‌آید!
بهتر از پیش با شمیم شهدا، با عطری از خون خدا، در قافله نور با روح
اهورایی در هودجی از بلور، با خلعت سبز حضور، با توری از شکوفه‌های سپید،
با لباس اطلسی با پیراهن شقایق، با گیسوی بید مجنون با کلاهی از تاج
خروس، با شکوفه لبخند، با ترانه باران، با نسیم مسیحایی و با عطر گل
محمدی!

باز کن پنجره را!

بهار می‌آید؛

با بوی بنفشه و شمیم شقایق، عطر گل یاس و رایحه روح و ریحان و
تنفس پاک انسان!
بهار می‌آید؛
با عطر بکر گل‌های وحشی، با بوی وحشی‌بوته‌های کوهی
با حس غریب، دورترین دره‌های مخمل پوش!
بهار می‌آید؛
با گلدان‌های شب بو، با کوچه‌های مست یاس با دشت‌های خمار نرگس، با
کوچه باغ‌های روشن شکوفه و خیابان‌های خلوت و گرم عشق!
بهار می‌آید؛
با بوی سپید اقاقی، با عطر سرخ گل، با شمیم یشمی شبدر، با بوی روستایی
علف‌های تازه، با عطر روح انگیز اطلسی، با رایحه رویایی باران و کاهگل!
بهار می‌آید؛
با غوغای غوک‌ها، با رقص ماهی‌ها، با قشقرق گنجشک‌ها، با چهچه
چلچله‌ها، با جیر جیر جیر جیرک‌ها، با قهقهه کبک‌ها، با آواز بلبلان، با نغمه
پرندگان، با شیدایی پروانه‌ها، با جست و خیز غزالان رعنا
و نافه مشکین آهوان ختا!
بهار می‌آید؛
با نجوای باد و بید، با پیچ دخترکان کوزه به دوش، با نی لبک چوپان، با
شیهه اسبان، با بع بع بره‌ها و با همه‌همه بچه‌ها!
بهار می‌آید؛

با پاکی شبنم، با نگاه پر مهر آفتاب، با یک بغل شعر باد و باران، با زمزمه
جویباران، با سرود آبشاران، با غلغل چشمه ساران، با شروه خوانی رود خانه‌ها
و با تلاوت آبی دریا!

او می‌آید؛

با مهری از نور، با سبحة غنچه، با سجاده چشمه، رو به قبله گل سرخ، در
محراب ابروی نگار، در شبستان چمن با خیل فرشتگان نماز باران می‌گزارد!
بهار می‌آید؛

با آغوشی از نیلوفر، با کوله باری پر از پونه و آویشن، با سفره‌ای پر از کنگر
و ریواس، با توبره‌ای آکنده از گل‌های وحشی و خورجینی لبریز از آواز قناری!
با بقچه‌ای چپیده از چههه چکاوک، با دشتی لالب از کبوتر و بلبل و با
آسمانی پر از آواز پر چلچله!

بهار می‌آید؛

با بام‌های کاهگلی روستا در شب‌های پر ستاره، با ایوان‌های خلوت در
شب‌های مهتابی، با صبح آفتابی، با آسمان آبی و با شکوفه‌های سیب و
گلابی!

او می‌آید و نوروز را می‌آورد، با عطر عیدی بر سر سفره‌های هفت سین، با
دعای آمین، با تخم مرغ‌های رنگین و با بازدید آن و این!

﴿ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴾^۱

«پس زمین را بعد از مرگش زنده کردیم و چنین نیز مردگان را در قیامت زنده نماییم».

او می‌آید و دشت و دمن را مملو از گیاه و گل و آب و پرنده و نور خواهد کرد! و بار دیگر موسم جوشش و رویش، موعد دیدار یاران هنگامه گرمی و محبت خویشان و فصل دوستی و آشتی همگان فرا می‌رسد!

او می‌آید و نبض زمین در التهاب دیدار دل افروز او می‌تپد!

او می‌آید و زمین مرده با صبح تنفسش جان می‌گیرد!

صبا به سبزه بیاراست دار دنیا را نمونه گشت جهان مرغزار عقبی را
شمیم باد در اعجاز زنده کردن خاک ببرد آب همه معجزات عیسی را^۱

او می‌آید!

با صد هزار نگار و هرکس را با او حرفی و با نگارنده این همه نقش و نگار حالی!

او می‌آید!

و با همه جلوه هایش با ما حرف می‌زند با جلوه‌هایی که گفتیم و نگفتیم!
عارف در جمال بهار جلوه جهان آفرین می‌بیند و عاشق از عطر او بوی نگار را می‌شنود.

با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را^۲
و شاعران نکته سنج طرفه گوی در هر بیتی، پنجره‌ای به سوی بهار، باز می‌کنند و پرده‌ای از جلوه آن نگار بر می‌گیرند که به خاطر رنگارنگی این

۱. تاریخ جهان گشای جوینی.

۲. فروغی بسطامی.

آسمانه، شما را به نیوشیدن پرده‌هایی از نغمه پردازان و عندلیبان گلستان
سخن فرا می‌خوانیم. و اینک با شما حسن مطلع این مقوله را با پرده‌ای بدیع
از نگارستان شعر صائب تبریزی به تماشا می‌نشینیم؛
از دل پر خون ببلل کی خبر دارد بهار؟

هر طرف چون لاله صد خونین جگر دارد بهار
مستی غفلت حجاب نشنه بیگانگیست

ورنه بیش از باده، در دل‌ها اثر دارد بهار
از قماش پیرهن غافل ز یوسف گشته اند

شکوه‌ها از مردم کوتاه نظر دارد بهار
از برای مو شکافان در رگ هر سنبلی

معنی پیچیده چون موی کمر دارد بهار
هر زبان سبزه‌ او ترجمان دیگری است

از ضمیر خاکیان یکسر خبر دارد بهار
نالۀ ببلل کجا از خواب بیدارش کند

بالش نرمی که از گل زیر سر دارد بهار
بس که می‌نالد ز شوق عالم بالا به خود

خاک را نزدیک شد از جای بر دارد بهار
می‌کند از طوق قمری حلقه نام سرو را

قد موزون گران رو در نظر دارد بهار
قاصد مکتوب ما، (صائب) همان مکتوب ماست

از شکوفه نافه‌های نامه بر دارد بهار^۱

و مرغان سحر در هر ورق گل، قصه‌ای دیگر می‌خوانند و غزلی نغزساز
می‌کنند چنانکه صاحب «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری سروده است:
بلبل به سحر گه غزل تر می‌خواند

تا ظن نبری کان غزل از بر می‌خواند
از دفتر گل باز همی کرده ورق

در هر ورقش قصه‌ای دیگر می‌خواند

و آن دیگر دل سوخته نغز گفتار، بهار را شیدایی آن سر و خرامان می‌داند
که در طلب او پایش آبله دار شده و رنگ و بوی زیبایی خود را مرهون جلوه
آن لاله عذاری می‌داند که واله دیدار اوست و از زاهد عزلت نشین می‌خواهد
که کمتر از غنچه نباشد و با نسیم بهار از خرقه برون آید:
بس که دنبال توای سرو خرامان گشته‌است

پایش از شبنم گل آبله دار است بهار
رنگ از او بوی از او حسن و لطافت همه او

بی خود از جلوه آن لاله عذار است بهار
غنچه در پوست نگنجید ز تاثیر نسیم

زاهد از خرقه برون آی بهار است بهار^۱

و آن ژولیده شیرین سخن در اشتیاق بهار، زود تر به مصلی رفته و از باغبان
می‌خواهد که، کلید باغ را زود به او بدهد، چرا که زودا شود که با قدوم بهار
قمری بر چنار آید و بلبل به ترنم! خواستگاران عروس بهار باغ، در کوچه آن
از دحام کنند و شاید دیگر او را توفیق دیدار باغ میسر نگردد!

ز باغ ای باغبان ما را همه بوی بهار آید
کلید باغ ما را ده که فردا مان به کار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
تو لختی صبر کن چندان که قمری بر چنار آید
چو اندر باغ تو بلبل به دیدار بهار آید
تورا مهمان ناخوانده به روزی صد هزار آید^۱

صاحب دلی باغ را در زمستان سکوت و در عزلت عبادت، مصداق «ایاک
نعبد» دیده و سر به جیب مراقبت و سجود قرب فرو برده تا دیگر بار در بهار با
اذان باد سر گلدسته سرو، سرود قد قامت «ایاک نستعین» سر دهد؛
«ایاک نعبد» است زمستان دعای باغ
تا در بهار گوید: «ایاک نستعین»^۲

و آن خلاق المعانی شوریده سر، آشوب بلبل و فراش صبا و پیراهن دریده
گل را، حاصل تجلی رخ بی مثال دوست می‌داند.
وقت است که باز بلبل آشوب کند فراش صبا زیاد جاروب کند
گل پیراهن دریده خون آلود از دست رخ تو بر سر چوب کند^۳

شیدا دلی دیگر که مستغرق جمال یار است و ایام بکام و فارغ از گذشت
لیالی و ایام، عید نوروز را ارزانی دیگران می‌داند:
اندر دل من مها دل افروز تویی! یاران هستند ولیک دلسوز تویی
شادند جهانیان به نوروز و به عید عید من و نوروز من امروز تویی^۴

۱. فرخی سیستانی.

۲. مولوی.

۳. کمال الدین اصفهانی.

۴. مولوی، غزلیات شمس.

و آن فیلسوف، تاسف به ناکامی‌های ایام ماضی را ناخوشی دل و دماغ
می‌پندارد و خوش باشی و شنا در حوضچه اکنون را در معیت روی دل افروز و
مصاف باد نوروز غنیمت می‌شمارد:
بر چهره گل، نسیم نوروز، خوش است

در صحن چمن روی دل افروز خوش است
ازدی که گذشت هر چه گویی خوش نیست

خوش باش وز دی مگو، که امروز خوش است^۱

و آن دیگری بهار دل را در آمدن آن گلی می‌داند که با آمدنش بهار
می‌روید و از شاخه‌های خشکیده‌اش گل اشتیاق می‌جوشد:
بهار گل شد و پاییزم‌ای گل

ز عطر یاد تو لبریزم‌ای گل
اگر چه شاخه‌ای خشکیده دارم

بیا تا پای تو گل ریزم‌ای گل^۲

و اهل دل با رنگین کمان اشک و مهر از بهار ظاهر به بهار باطن سفر
می‌کنند و بر بام بلند مقام بسط با وجد و حال می‌سرایند:
ساقیا سایه ابر است و بهار و لب جوی

من نگویم چه کن، از اهل دلی خود تو بگوی

شکر آن را که دگر بار رسیدی به بهار

بیخ نیکی بنشان و گل توفیق بیوی^۳

۱. خیام نیشابوری.

۲. ابوالفضل فیروزی (نی نوا).

۳. دیوان حافظ.

ارباب اهل دل از ما می‌خواهند که غم دنیا بزداییم از دل و هوای می‌و
معشوق ازل بنماییم و توفیق طریق رضایش جویم:
بهار گل طرب انگیز گشت و توبه بشادی رخ گل، بیخ غم ز دل
و سالکان طریق عشق از نسیم باد نوروزی نفحات انس را می‌بویند و در
سلوک خویش از این باد مدد می‌جویند:
زکوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی از این بادار مدد خواهی چراغ دل بر افروزی^۲
و بنا بر شریفه:

«الا فی الأیام دهرکم نفحات، فتعرضوا بها؛ در روزهای زندگی شما
نسیم‌های خوشی است پس خود را در معرض آن قرار دهید».^۳
چنانکه مولانا گوید:

گفت پیغمبر به اصحاب کبار تن می‌پوشانید، از باد بهار

و آن دیگری رندانه گوشزد می‌کند:
سخن در پرده می‌گویم، چو گل از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست، حکم میر نوروزی^۴

و می‌خواهد خود را چونان غنچه در مصاف این نسیم رحمانی قرار دهیم که
مدت آن قلیل است و توفیق درک آن نادر.

۱. همان.

۲. همان.

۳. احادیث مثنوی معنوی فروزان فر.

۴. دیوان حافظ.

شیخ اجل سعدی شیرازی نیز در قصیده بهاریه بر کلک آن نقاش کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت، جان افشان نموده و پاکوبان سرانداخته وهمه را به ضیافت‌الله در مسجد آینه بهار دعوت نموده و صوفان خلوت گزیده را به تماشای این ضیافت فراخوانده تا با سرود آفرینش هم نوا شوند:

بمصدای که تفلوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
صوفی از صومعه گو، خیمه بزن بر گلزار که نه وقت است که در خانه بخشی بیکار
بیلان وقت گل آمد که بنالد از شوق نه کم از بلیل مستی تو بنال ای هشیار
آفرینش همه تیبیه خلوند دل است دل ندارد که ندارد به خلوند اقرار

این همه نقش عجب بر در دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
کوه دریا و درختان همه در تسمیچند نه همه مستعی، فهم کند این اسرار
سالک طریق یا صوفی ابن الوقت، این توفیق را از دست نخواهد داد و خود
را به خلعت ضیافت دیدار یار مزین خواهد ساخت:

باد نوروز وزیده است به کوه و صحرا جامه عید بپوشند چه شاه و چه گنا^۱

و خلوت گزیدگان را به تماشای باغ و صحرا حاجت نیست، چرا که به گلگشت در سرزمین همیشه بهار دلشان مشغولند و در عید دیدار معشوق، مشعوف!
همه در عید به صحرا و گلستان بروند من سرمست ز میخانه کنم روبه خدا^۲

و دیگری در همین پرده می‌نوازد که:
خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است؟

چون کوی یار هست به صحرا چه حاجت است؟^۱

۱. دیوان اشعار امام خمینی رحمته الله علیه.

۲. همان.

گرچه از خلوت به در شدگان، در عالم کثرت نیز سیر می‌کنند و جز وحدت چیزی نمی‌بینند، چنانکه در آیه ی کریمه آمده است:

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا آثَارَ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾^۲ و نیز ﴿أَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾^۳

و به قول بابا طاهر همدانی:

به صحرا بنگرم، صحرا تو بینم به دریا بنگرم، دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم^۴

و از سر وجد و حال می‌سرایند:

بهار آمد، بهار آمد، بهار خوش نگار نگار آمد نگار آمد، نگار گل عذار

و پیران معرفت حتی در کهولت سن با آمدن بهار ظاهر و باطن جوانی^۶

کرده و می‌گویند:

بهار آمد، جوانی را پس از پیری ز سر گیرم کنار یار بنشینم، ز عمر خود ثمر گیرم

پر و بالم که روزی از غم دلدار پر پر شد به فروردین به یاد وصل دلبر بال و پر گیرم^۷

۱. دیوان حافظ.

۲. قرآن کریم.

۳. قرآن کریم.

۴. دیوان بابا طاهر.

۵. مولوی، غزلیات شمس.

۶. بهار باطن: حالت بسط گویند.

۷. دیوان اشعار امام خمینی رحمته الله علیه.

و گاهی نیز سالک در فراق یار و هجران دوستان و یا عدم ثبوت تجلی ذات نگار و مشاهدات علی الدوام یار، علی رغم آمدن ربیع و فصل بسط، حالت قبض گرفته و چنین سروده:

بهار آمد که غم از جان برد غم در دل افزون شد

چه گویم کز غم آن سرو خندان جان و دل خون شد^۱

گاهی نیز با آمدن بهار و عدم توفیق دیدار یار، حسرت زده از سوز دل آه می کشد و غم گنانه می موید:

سحر از سینه ام سوزت برآیه ز اشکم لاله خونین درآیه!
تو گفتی با بهار دیگر آیم نشینم تا بهار دیگر آیه!^۲

و دیگری با آمدن بهار از نیامدن نگار گلایه دارد و گل را بی رخ یار خوش نمی دارد و بی باده بهار را:

بهار آمد بهار من نیامد گل آمد گل عذار من نیامد
چراغ لاله روشن شد به صحرا چراغ شام تار من نیامد^۳

و آن دیگری بی معشوق گل اندام چون گل بی وفای خویش، بهاران را دلگشا نمی داند و به سبزه خرمی و در گل صفا نمی یابد:

بهاران بی تو هرگز دل گشا نیست به سبزه خرمی در گل صفا نیست
بیا از باغ الفت گل بچنینیم که در طبع جهان، ای گل وفا نیست

۱. همان منبع.

۲. ابوالفضل فیروزی (نی نوا).

۳. مشفق کاشانی.

طراوت بهاران*

وقتی بهار با سپیدی شکوفه‌هایش از دریچه چشمانم سرک می‌کشد، موج اشکی فرو خفته، از درون سینه تنگم به دیواره دل می‌کوبد و تو را می‌جوید. بهار زیباست، لطیف و دوست‌داشتنی است، اما بی‌تو ای زیباترین! ای لطیف‌ترین! ای بهار جان و ای طراوت بهاران! هیچ زیبایی، دلم را بر نمی‌انگیزد؛ که دل در فراق تو سوخته دارم و نگاه در راه تو دوخته.

ای بهاری‌ترین فصل‌ها!^۱ ای سبزترین بهاران! دور از نگاه مهربان تو، دور از عنایت رحیمانه تو و دور از سرانگشت لطف تو، خزانیم و سرد، خشکیم و عطشناک. فراق تو برف سپید کهولت بر چهره‌مان می‌نشانند. بیا که با تو بهاری شویم، بروییم و بیدار گردیم؛ که روییدن، تنها به زلال عشق تو معنا می‌یابد و باقی روییدن‌ها، ماندن است و پژمردن.

بیا ای شاداب‌ترین جوانی! دست کدام خزان پیری است که جرئت آزدن گل وجود تو را داشته باشد، گرچه سال‌ها و قرن‌ها از حضور زلالیت بگذرد. چهره زیبای تو ای نورانی‌ترین! که را مجذوب ساخت و چشم اشتیاق که را به راه منشاند؟ کدام چشم بود که به نگاه نافذ و گیرای تو لرزید و از اشک

*. منیره زارعان. (برگرفته از کتاب روح بهار).

۱. «السلام علی ربیع الانام»؛ (مفاتیح الجنان، ص ۸۷۴).

فراق خالی ماند؟ کدام زبان است که بتواند «حسن ثنای» تو بگوید؟^۱ و کدام قلم است که تاب چرخش در وادی وصف تو داشته باشد؟ جمال روی ماه تو در کدام کلام می‌گنجد و جلال خورشیدی تو در کدام وصف می‌آید؟

* او خواهد آمد و به قلب‌های مرده‌مان روح حیات خواهد دمید. ریشه گمراهی‌ها و دشمنی‌ها را بر خواهد کند. او خواهد آمد و آثار اندیشه‌های باطل و هواهای نفسانی را محو خواهد کرد؛ بر زمین، باران عدل خواهد بارید. او خواهد آمد، صاحب روز فتح و پیروزی، مژده‌رسان فتح، نسیم خوش‌عطر هدایت و نصرت، آینه تجلی خدا و در آن به تماشای خدایی بودن خواهیم نشست. درگاه خدایی بهشت روی خواهد نمایاند و از آن به وادی سعادت ره خواهیم یافت. او خواهد آمد و بر گستره زمین، زلال پاکی جاری خواهد کرد. سینه‌های تنگ‌مان آن روز شفا خواهد یافت. از مدد الهی لبریز می‌شویم که او رحمت واسعه است و پهنای زمین در برابر گستردگی رحمتش دانه‌ای خرد خواهد کرد.

وقتی که موعود بیاید، قرآن حیاتی تازه می‌یابد، حدود بر زمین مانده الهی، بر پا می‌گردد، راه، نمایانده می‌شود و گمراهی‌ها پایان می‌گیرد. او می‌آید با یک بهار سبزی و ترنم، با یک آسمان باران رحمت و با یک نگاه رحیم.

و دنیا چه می‌خواهد برای زیر و رو شدن و از تاریکی و عطش بیرون آمدن و بهشت را مجسم کردن.

۱. «کیف اصف حسن ثنائکم»؛ (همان، ص ۹۰۶).

بهار من تویی (دلنوشته های مهدوی)

آقای من! غروب، بار سنگین دل تنگی مرا هر شب به دوش می کشد؛ سنگینی پلک هایم و نگاهی که دین را از یاد برده. کور کورانه زیستن را خوب آموختم. توان نوشتن ندارم. واژه هایم گرد و غبار گرفته. باور کن که باورت کردم. بی تو زندگیم را تمام کردم. حالا نفس کشیدن، منت سرم می گذارد. حس می کنم هوای اینجا سرد و سنگین است. بین نقاشی عشق می کشم و گم شدن در نگاه تو که آرامش می دهی. آری، نبض سکوت حرفی برای گفتن دارد، اما نوری در راه است؛ نور امید و روشنایی، نور صفا و صلح و صداقت. او خواهد آمد و به این انتظار، پایان خواهد داد. او بی که مانند عیسی بن مریم علیه السلام در گردش است و مانند یوسف بن یعقوب علیه السلام ناشناخته است و مانند موسی علیه السلام بیمناک و نگران است و مانند محمد صلی الله علیه و آله در جهاد است. او بی که با آمدنش، جهان را نورانی خواهد کرد و سرانجام به شمشیر - که سمبل حدید و قدرت است - به عدل و داد قیام خواهد کرد. بیا و راز این غیبت را مانند خضر نبی علیه السلام آشکار کن. تا تو با منی، خاموشی سخن را نمی دانم. از شوق تو در آسمانم. همین که بهانه روز و ماه و سال و ترانه هایم تویی، به خود می بالم.

منیره آجرلو - تهران

دیوار کعبه، انتظار تکیه آن سوار را می کشد. حجر الاسود، آرزوی توتیای
 گرد رُخس؛ کوه، انتظار آن نستوه و جویبار، انتظار آن آبشار را دارد.
 ای بزرگ مرد! ای روح قرآن در سینه! ای از سلاله طه! ای موعود منتظر!
 کی خواهی آمد تا مرهمی بر زخم سینه مستمندان و دردمندان تاریخ نهی؟ در
 انتظار جمعه ام تا تو بیایی، ای گل زهرا! ما اسیران زندان غیبت، چشم انتظار
 تویم. زندانی که دیوارهای بلندش را با دستان خود ساخته ایم و حال، از خراب
 کردن این دیوار، درمانده ایم و چشم به راه تویم تا تو بیایی. یابن الزهراء! بیا
 که مادرت در بین در و دیوار، تو را می خواند. بیا! ای منتقم آل علی! بیا که
 فرق شکافته علی علیه السلام، جگر پاره پاره حسن علیه السلام و سر بریده
 حسین علیه السلام تو را می خواند. ای مقتدای عینی! بیا و با گوشه چشمی،
 دل های مرده ما خاکیان را زنده کن. بیا و چشم های بی فروغ ما را با جمال
 نورانیت، سویی دوباره بخش. بیا که دیگر طاقت شنیدن طعن ها را نداریم. آخر
 تا کی صدای دیگران را بشنویم و حتی کوچک ترین صدایی از تو به ما نرسد؟
 بیا مهدی جان که جهان در انتظار تو و عدل توست. یا مولا! همه، چشم به
 راه بهاری هستند که زندگی را به جهان برگرداند. مولا! بهار من تویی و روح
 خسته من، چشم انتظار توست.

فاطمه خدابخش - تهران

هفته‌ها، ماه‌ها، سال‌ها

زمان در جنگل سبز نگاهت، رود گشته و پلک‌ها، باران حضورت را می‌جویند. چندین بیابان، مانده تا در آبادی عشقت پای نهیم؟ تاول‌های دنیا پای رفتنمان را برید. با صوت الهی ات بنواز در آسمانی که در آغوش کشیده تو را، چرا که روح سرگشته ما، در پی شهاب‌های امدادت، خورشید هستی بخش را تمنا دارد. افسوس، زنجیر پوشالی شیاطین هوس با نقاب‌های دروغین به سوی خودشان می‌کشاندمان. تنها تویی که می‌دانی اشک‌هایم تو را می‌خواند. در حضور فرشته‌های دعا، برایمان دعا کن؛ ای بهترین واژه بی‌تکرار.

یا مهدی! لحظه لحظه‌های عمرم، بی‌عطر یادت پوچ است. چشم‌های در خواب فرورفتگان؛ بهار انتظار را در پاییز می‌نگرند و بهترین امید در دل‌های منتظران، طلوع پر درخشش خورشید کعبه عشق است. خدا کند ساحل دیدگانمان، صبح دلنشین تو را نظاره گر باشد، ای پاک‌ترین چشمه سار حقیقت.

محبوبه باسیری - اهواز

آسمان همچنان ابری است و خورشید در پشت ابرهاست. هوا سرد است و زمستانی. گرمای خورشید، زمین و زمینیان را گرم نمی کند. طبیعت از مهمانی تابش نور خورشید محروم است و هواشناسی هم خبر خوشی از تغییر وضع موجود نمی دهد. علائم، نشان از وزش باد می دهد؛ اما می گویند باد فتنه است، بادی که ابرها را جا به جا کند و خورشید را در بالای سر مردمان، نشان دهد، نیست. و مردم گویا برای رؤیت خورشید، عجله ای ندارند و اصلاً فکر نمی کنند که آیا کاری از آنها بر می آید یا نه؟ و نمی پرسند چه کسی باید کاری کند. حتی برای آفتابی شدن دعا هم نمی کنند. چه شده است؟ آیا به گرمای مصنوعی و خود اختراع کرده، دل خوش کرده اند؟ آیا از تابش شعاع پرنور و با حرارت آفتاب، مأیوس شده اند؟ آیا ارتباط با خداوند را چاره کار خود نمی بینند؟ آسمان، آماده بارش باران نیست. گویا ابرها فقط و فقط برای محروم کردن مردم از رؤیت خورشید و دادن فرصتی دوباره به شب پره ها و جغدها هستند، که از کم نوری عالم استفاده کنند و خود را نشان دهند. کسی بیاید و به این مردم بگوید که خدا را در آسمان، خورشیدی فروزنده است. به نام مهدی؛ فقط کافی است بخوانید و بخواهید.

علی جبارزاده - قم

مگر می‌توان بُرد دلی را که میهمان جمکران شده است؟ مگر می‌توان
گشود سر انگستانی - را که به ضریح عنایت صاحب الزمان عجل الله تعالی
فرجه الشریف گره خورده است؟ مگر می‌توان برخاست از کنار سفرهٔ لطف و
احسانی - که همه تشنگی‌های وجود را برطرف ساخته است؟ تن خسته را به
این امید از درگاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیرون می‌برم و دل
آشفته را به این امید، در آستان محبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
جا می‌گذارم که باز هم، باز هم، باز هم میهمان جمکران باشم و به این امید،
وداع می‌گویم که هزار بار سلام می‌کنم.

پرستو فیلی - کرمانشاه

سوالات

۱. این حدیث از کدام معصوم است؟

(او چون پیامبر عمل می کند، آنچه در قبل بوده را از بین برده، جاهلیت را نابود ساخته و اسلام را بنا نماید و پس از ریشه کن ساختن بدعتها، اسلام را از نو پیاده میکند)

(الف) امام جواد علیه السلام (ب) امام صادق علیه السلام (ج) امام کاظم علیه السلام (د) امام حسن؟

۲. کدام یک از عبارات دعای ندبه به "ریشه کن کردن ظلم و ستم توسط امام زمان

(عج) اشاره دارد؟

(الف) این المعد لقطع دابر الظلمه (ب) این المرتجی لازاله الجور و العدوان (ج) این مبید اهل

الفسوق و العصیان و الطغیان (د) هر سه مورد

۳. ربیع الانام صفت کدام یک از معصومین است؟

(الف) امام باقر علیه السلام (ب) امام حسین علیه السلام (ج) امام هادی علیه السلام (د) امام مهدی علیه السلام

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: "دانش بیست و هفت حرف است همه آنچه پیامبران

برای مردم آوردند..... حرف است زمانی که قائم ما به پا خیزد..... حرف دیگر علم را

بیرون خواهد آورد و آن را در بین مردم منتشر خواهد کرد"

(الف) ۲-۲۵ (ب) ۷-۲۰ (ج) ۴-۲۳ (د) ۵-۲۲

۵. غیبت امام مهدی (عج) به چه چیزی تشبیه شده است؟

(الف) خورشید پشت ابر (ب) آخرین ستاره (ج) ماه در دل شب (د) هیچکدام

۶. حیرت و سرگردانی مردم، در چه دورانی میباشد؟

(الف) هنگام بی توجهی به حج (ب) دوران غیبت امام زمان علیه السلام

(ج) هنگام ظهور (د) هنگام رجعت

۷. در عبارت «قلوبهم خالیه من الایمان» به کدام نوع مرگ اشاره دارد؟

سوالات □ ۱۵۳

الف) مرگ جوامع (ب) مرگ انسانیت (ج) مرگ اخلاق (د) مرگ ایمان و دین داری
۸. در عبارت « فیحییها الله بالقائم » به کدام نوع از احیاء توسط حضرت مهدی (عج) اشاره دارد؟

الف) احیای جامعه مرده (ب) احیای مکارم اخلاق
ج) احیای کتاب و سنت (د) احیای دل و عقل

۹. معلی بن خنیس عبارت " همانا نوروز، همان روزی است که در غدیر خم، پیامبر اکرم (ص) از مردم برای علی علیه السلام عهد گرفت " از کدام معصوم نقل می کند؟

الف) امام حسن علیه السلام (ب) امام صادق علیه السلام
ج) امام کاظم علیه السلام (د) امام هادی علیه السلام

۱۰. امام علی علیه السلام فرمودند: هر روزی که در آن معصیت خدا نشود..... است؟
الف) مورد رضایت خداست (ب) جز بهترین روز هاست

ج) عید است (د) محبوب خداست

۱۱. در قرآن چند سلام داریم که با (سین) آغاز می شود؟

الف) شش (ب) هشت (ج) پنج (د) هفت

۱۲. دعایی که هر روز صبح به یاد امام زمان (عج) خوانده می شود؟

الف) ندبه (ب) عهد (ج) صاحب الامر (د) آل یاسین

۱۳. عبارت (تعطی السماء قطرها) به چه معناست؟

الف) آسمان باران خویش را فرو می فرستد (ب) به برکت او از آسمان اشک شادی می ریزد

ج) آسمان باران خویش را فرو نمی فرستد (د) باران باشدت می آید

۱۴. در زمان امام مهدی (عج) زمین پراز..... می شود؟

الف) قسط ب) عدل و داد ج) امنیت د) گزینه ۳ و ۱

۱۵. آیه «اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام» به اهمیت کدام یک از موارد زیر اشاره

دارد؟

الف) پدر و مادر ب) انفاق ج) صلہ رحم د) جهاد

۱۶. طریحی در مجمع البحرین، ربیع را..... عنوان می کند؟

الف) باران بهاری ب) باران پاییزی ج) باران زیاد د) هیچکدام

۱۷. چه زمان انسانهای شایسته و صالح، بر زمین حکومت می کنند؟

الف) بعد از جنگ ابرقدرتها ب) بعد از نابودی کفر و استکبار جهانی

ج) هنگام ظهور د) عصر رجعت

۱۸. کدام گزینه از ویژگیهای دوره آخرالزمان میباشد؟

الف) مرگ عدالت ب) جاهلیت ج) مرگ دین داری د) گزینه الف و ج

۱۹. مهمترین اهداف حکومت امام مهدی (عج) را نام ببرید؟

الف) رشد معنوی فرد و جامعه ب) اجرای عدالت و گسترش آن

ج) الف و ب د) مردم سالاری

۲۰. شباهت امام مهدی علیه السلام با آمدن بهار طبیعت کدام است؟

الف) آمادگی برای آمدن هردو ب) خانه تکانی، دل تکانی

ج) زنده شدن طبیعت و انسان د) الف و ب

پاسخنامه

ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د
۱					۱۱				
۲					۱۲				
۳					۱۳				
۴					۱۴				
۵					۱۵				
۶					۱۶				
۷					۱۷				
۸					۱۸				
۹					۱۹				
۱۰					۲۰				

برای شرکت در مسابقه جهت دریافت فایل pdf به نشانی

karaj.mahdaviat.ir

مراجعه و گزینه های صحیح را به صورت یک عدد ۲۰ رقمی از چپ به راست به

شماره **۱۰۰۰۰۱۲۳۱۳** پیامک نمایید.

جوایز: ۳۰ کارت هدیه ۱ میلیون ریالی و یک های فرهنگی